

مرزده آن بندگان مرا که بجن ها گوش فرامیدهند و از بهترین آنها پیروی میکنند

ابوالحسن بنی صدر

پرسشها درباره سنگسار، حق و ایثار و...

چند پرسش از این جانب بعمل آمده اند که موضوع آنها مسائلی هستند که جامعه امروز ایران و نیز جامعه های دیگر، با آنها روبرو هستند. پاسخها می توانند بکار رها شدن از غلط باوری ها آیند:

۱- آیا سنگسار مجازاتی است که اسلام برقرار کرده است؟

نخست توجه ها را به جنون خشونتی جلب می کنم که در سنگسار مردی در پاکستان، بروز کرده است: بنا بر قول وکیل مدافع، پزشکی قانونی، مرد سنگسار شده را معاینه کرده و گفته است او نمرده است. بنا بر «اطلاع غیر مستقیم» آقای (...) - که بنا بر توضیح او همان قاضی است - با یک بلوک سیمانی بزرگ بر سرش می کوبد و او را به قتل می رساند. قاضی هائی که اشخاص را به اینگونه حدود محکوم و خود و همدستانان آن را اجرا می کنند، گرفتار جنون خشونت هستند. اینگونه خون ریزها در استبدادهای فراگیر و یا نزدیک به آن، بکار گرفته می شوند. اگر جز این ها به قضاوت و اجرای احکام گمارده شوند، کجا ممکن است چند هزار زندانی را در سه شب، به گفته بله ای بجای نه و یا نه ای بجای بله، اعدام کرد؟

آقای شادی صدر، وکیل مدافع، توضیح می دهد چرا آقای جعفر کیانی (سنگسار شده) و خانم مکرمه، همسر او، نباید محکوم می شده اند: این دو عقد رسمی کرده و همسر یکدیگر بوده اند. پرسش اینست: آیا قاضی حق دارد حکمی را صادر کند که در صورت مسلم شدن خطای او، قابل جبران نباشد؟ می دانیم پاسخ آقای خلخالی به این پرسش بله بود. زیرا به گفته او اگر اعدام شده ای بی گناه بوده باشد، به بهشت می رود!

اما حق اینست که قضاوت بمعنای تشخیص جرم و تعیین مجازات، می باید از اصولی پیروی کند. در کتاب «انسان، حق، قضاوت و حقوق انسان در قرآن» این اصول را - که بسود قدرت و به زبان انسان، هنوز تمامی آنها، در هیچیک از نظام های قضائی اصول راهنما نگشته اند - بر شمرده ام. در این جا، آنها را فهرست می کنم:

- ۱- رفع خصومت از راه دادن حق به حق دار و
- ۲- مقام قضا، مقام قانون گذاری نیست و قاضی حق ندارد خود قانون جعل کند و به استناد آن، به دعوائی رسیدگی کند.
- ۳- قضاوت می باید بر میزان عدالت بعمل آید و هدف آن بسط عدالت در جامعه و بر انگیزتن مردم به دادگری و قسط باشد.
- ۴- قاضی و قضاوت می باید خالی از کینه باشند و قضاوت می باید از قاعده لطف پیروی کند.
- ۵- قضاوت می باید از شقاوت ها بکاهد و البته دستگاه قضائی نباید دستگاه شقاوت گستر باشد.
- ۶- قاضی و قضاوت می باید از قدرت (سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی) مستقل باشد و ابزار زمامدار نشود و از تمایلی به فزونی جستن پیشگیری کند.
- ۷- قضاوت می باید از اصل جبران پیروی کند. توضیح این که زیان با زیان جبران نمی شود، با رفع زیان جبران می شود.
- ۸- قضاوت می باید از این اصل که حق را ایجاب می کند پیروی کند. بنا بر این، یک حق نباید به قیمت تضییع حق دیگری احقاق شود.
- ۹- قضاوت می باید بر حق و نه مصلحت بیرون از حق به عمل آید. ۱۰- قضاوت می باید از اصل برائت پیروی کند. قاضی نباید بگوید متهم مجرم است مگر خلاف آن ثابت شود. باید بگوید بی گناه است مگر خلاف آن ثابت شود.
- ۱۱- اصل برابری همگان در برابر قانون، افزون بر این که ایجاب می کند قانون بیان حقوق باشد، ایجاب می کند که برابری در برابر قانون واقعی باشد. یعنی کسانی که بلحاظ مالی یا نداشتن اطلاع از قانون و حقوق و ... ناتوانی دارند، دستگاه قضائی می باید ناتوانی آنها را برطرف کند.
- ۱۲- قضاوت می باید از هر گونه اکراه تهی باشد و قاضی و کسی که عمل او موضوع قضاوت می شود، نباید از آزادی خود محروم و غیر مسئول بگردند.
- ۱۳- قضاوت می باید خالی از ظن و شبهه باشد.
- ۱۴- قضاوت می باید از اصل خشونت زدائی پیروی کند.

در صفحه ۲

انقلاب اسلامی

دجرت

شماره ۶۷۸ از ۲۹ مرداد تا ۱۱ شهریور ۱۳۸۶

پول نفت را خرج می کنیم!؟

- ◀ خبرها که ظاهر و باطن وضعیت کشور را باز می گویند: ص ۳
- ◀ خبرها در باره احمدی نژاد و «وزیران» او: ص ۴
- ◀ روحانیت و دین دولتی و جریان پول نفت به جیبها: ص ۶
- ◀ روسیه نیروگاه را نمی سازد - ایران می گوید بمب اتمی می سازد - ایران غنی سازی را معلق می کند؟ ص ۷
- ◀ گفتگوها بر سر عراق قرین شکستند؟ یا تصمیم بر توافق استوار است؟ ص ۸
- ◀ احمدی نژاد: ما هر چه درآمد نفتی کسب کنیم خرج خواهیم کرد: ص ۱۰
- ◀ دانشجویان، روزنامه نگاران و کارگران همچنان قربانیان اول سرکوبگری رژیم هستند: ص ۱۲

انقلاب اسلامی: در سالهای دهه ۵۰ (پنجاه) شمسی که قیمت نفت بالا رفت و درآمد بیشتر شد و رژیم شاه، هرچه بابت فروش نفت بدست آمد را خرج کرد و از جمله تورم شدید ببار آورد، مصاحبه کرد و گفت: ما دیگر پولهای نفت را آتش نمی زنیم. و حالا، خلف صدق او، محمود احمدی نژاد، در حضور اقتصاد دانها می گوید: ما هرچه از نفت پول بدست بیاوریم، خرج می کنیم. یعنی این یکی در مرحله آتش زدن پولهای نفت است.

در فصل اول این مجموعه، خبرهائی را می خوانید که از ایران دریافت شده اند و ما خبرهای منتشره و گویای وضعیت را نیز بر آنها افزوده ایم.

در فصل دوم، خبرهائی را می خوانید که به احمدی نژاد و رابطه اش با «وزیران» او مربوط می شوند و گویای انحطاط رژیمند.

در فصل سوم گزارشی را می خوانید باز از ایران دریافت شده است و مربوط می شود به سهم «نهادهای مذهبی» از بودجه دولت و خورد و بردهای «آقا زاده ها» که در مافیاهای نظامی - مالی شرکت دارند.

در صفحه ۳

کارشناس

یکه تازی رهبری و اضمحلال نظام

از زمان ریاست جمهوری آقای احمدی نژاد، اوضاع اقتصادی، اجتماعی و سیاسی از یکطرف و تحولات درون حکومتی از طرف دیگر، که غالباً ناشی از تصمیمات غیر قابل مهار رهبری می باشد، زمینه های جدی فروپاشی و اضمحلال نظام حاکم بر ایران را فراهم آورده است.

رژیم جمهوری اسلامی ایران بر مبنا و به اتکا عوامل مختلفی شکل گرفته بود. این مبانی و متکاها همگی در کوتاه مدتی که از یکه تازی رهبری و حاکمیت یکدست می گذرد، دچار تحولات عمیق و غیر قابل برگشتی شده اند بطوری که بسیاری از ستون پایه های دستگاه حکومتی در حال محو و نابودی اند. بنیان های اجتماعی سیاسی و اقتصادی نظام حاکم بر کشور بطرز بی سابقه ای متزلزل گشته اند.

در صفحه ۱۳

میزان

منشور روحانیت

از گذشته دور، در تحولات جوامع بشری، چه کوچک و چه بزرگ، روحانیت نقشی اساسی را ایفا کرده و می کند. هر اندازه جامعه از دیدگاه فرهنگی عقب تر، این نقش آشکارتر و کارسازتر است. دلیل آن اینست که ذهن پرستگران انسان همواره در پی پیدایش جوابی برای مجهولات پیرامون و احیاناً زندگی بعد از مرگ خویش بوده است. در پرده ماندن اسرار، البته ذهن را هراسان کرده و آدمی همواره به دنبال کشف سر و آرامش خویش است. پیدای کردن پاسخ اما برای انبوه رازها و نهفته های جهان همواره غیرممکن بوده است. همیشه هم کسانی بوده اند که از این فرصت بهره برده و با ساختن پاسخ هائی بی اساس و به دور از واقعیت برای این مجهولات، مرحمی

در صفحه ۱۵

ج- پاکنژاد

نقش بازیگران سیاسی وابسته، در استقرار و

استمرار استبداد در ایران - ۲

در سال ۵۷، با حضور گسترده مردم در صحنه مبارزه، انقلابی که اصل و بنیادش بر استقلال و آزادی و روش آن بر عدم خشونت بود به پیروزی رسید و مردم ایران، در نا باوری جهانی که رژیم شاه را ماندگار میدانست و به ایران لقب جزیره ثبات داده بود، نا ممکن (از نظر ایدئولوژی های قدرت) را ممکن کرد و به مردم تحت ستم در سراسر جهان روشی را آموخت که بعد ها در جنبش های رهایی بخش، بخصوص در اقمار تحت سلطه شوروی، لهستان و آلمان شرقی و گرجستان بدان عمل کردند.

در صفحه ۱۴



۱۵ - قضاوت می باید شفاف باشد .
 علنی بودن دادگاه، تنها وجهی از وجوه شفاف بودن قضاوت است .
 ۱۶ - قضاوت می باید از اصل تقدم تدبیر بر تقدیر پیروی کند . بنا بر این، قاضی نمی تواند بگوید : اگر محکوم بی گناه بود به بهشت می رود .
 ۱۷ - قضاوت می باید از اصل عدم تبعیض پیروی کند .
 ۱۸ - قضاوت می باید از اصل مهلت دادن به قاضی و محکوم پیروی کند . مهلت به قاضی برای جبران خطا در قضاوت و مهلت به محکوم برای جبران جرمی که مرتکب شده است . ۱۹ - قضاوت می باید از اصل عطف به ما سبق پیروی کند . یعنی قاضی حق ندارد به استناد قانونی که بعد از وقوع عملی تصویب و به اجرا در می آید و در زمان وقوع عمل مجری نبوده است، قضاوت کند و حکم صادر کند .

۲۰ - اصل برخورداری انسان از حقوق و جامعه از حقوق جمعی خود، از جمله حق صلح می باید راهبر قضاوت باشد . (صفحات ۴۱ تا ۶۹ کتاب)
 بنا بر این اصول، که قرآن بر یکایک آنها تصریح کرده است، صدور حکمی که قابل جبران نباشد و مقرون به شبهه و شقاوت افزا و ... باشد، ظالمانه و مجازاتهای مغایر این اصول، ستمگرانه هستند . اگر در نظام های قضائی یکچند از این اصول را رعایت می کنند، نظام قضائی رژیم ولایت مطلقه فقیه، وقتی پای قدرت حاکم و حتی قدرتمنداری قاضی بمیان است، هیچیک از این اصول رعایت نمی شوند .

بدین قرار، سنگسار مجازاتی ستمگرانه است . زیرا ناقض تمامی اصول راهنمای نظام قضائی سازگار با حقوق انسان و حقوق جامعه و آزادی و مسئولیت انسان است . در باره این مجازات، آقای بجنوردی، در مصاحبه با بازتاب (۷ مرداد) گفته است :

« من واقعا در اینجا از همه فقهای عظام، از دانشمندان و پژوهشگران خواهش می کنم در این مساله دقت زیادی بشود . واقعا ببینیم به کجا می رسیم . اصلا ببینیم واقعا رجم در اسلام تشریح شده یا تشریح نشده؟ همان طوری که بعضی ها می آیند نقل می کنند و می گویند که این از تشریحات «عمر» است . این را در صحیح مسلم یا بخاری دارد، ولی دقیقا نمی دانم کدام، در یکی از این دو تالست، دارد که بعد از پیغمبر اکرم (ص)، ابوبکر دستور داد به زیدین ثابت که برو قرآن را جمع آوری و تدوین کن، اگر دو نفر شاهد شهادت می دادند، زیدین ثابت می پذیرفت، عمر به تنهایی آمد و گفت که آیه رجم هم نازل شده ولی چون پیغمبر اکرم (ص) مرخص بود وارد قرآن نشد . ولی زیدین ثابت، قبول نکرد و آن را وارد قرآن نکرد . طبق این خبر، ریشه رجم مقدار زیادی به خلیفه دوم، عمر برمی گردد . خلفا و حکام نیز برای سرکوب مخالفان خود همیشه از آن سوءاستفاده می کرده اند . فکر می کنم در کتاب تاریخ بغداد باشد . من خیلی سال قبل دیدم، آنجا می گوید بنی عباس وقتی می خواستند دشمنان خودشان را بکشند همین مساله رجم را مطرح می کردند و می کشتند . یعنی اینکه

پرسشها درباره سنگسار، حق و ایثار و...

یهودی مایه گرفته اند و از آنجا که با توفعات قدرت سازگاری داشته اند، مستند به « روایات » گشته و وارد فقه شده اند . حدود مندرج در « قانون »، از اصول راهنمای قضاوت نیز پیروی نکرده اند، در تضاد با آنها، ترجمان بیشترین شقاوت، یعنی حکم قتل عام زندانیان به خط و امضای آقای خمینی و « النصر بالعرب » آقای خامنه ای و « حرکت قسری » آقای مصباح یزدی شده اند . این احکام نه تنها به قرآن ربط نمی چوند که ضد اصول راهنمای قضاوت در قرآن و ضد حقوق انسان در قرآن هستند .

کم نبوده اند فقهائی که اجرای حقوق را « در غیبت امام معصوم » جایز نمی دانسته اند . در حال حاضر نیز این گونه فقیهان وجود دارند . بر حوزه ها است که خود را از فلسفه یونانی و از منطق صوری رها کنند و حدود بر گرفته از فقه یهودی را یکسره لغو نمایند .

۲ - مرز جداکننده « گذشت خود خواسته » با « صرف نظر کردن از حقوق » کجاست ؟
 علی (ع) در جایی از دشنام های شیعی و اجحافات بسیار می گذرد و در جایی برای قطعه زمینی سر سازش با متجاوزان ندارد . چگونه می توانیم این دو حیطة را از هم تفکیک کنیم و در زندگی خود بکار ببریم ؟ با توجه به اینکه بسیار با آن مواجه می شویم .

اما حقوق دو دسته هستند : حقوقی که ذاتی انسان، و هر موجود زنده و طبیعت هستند و حقوقی که انسانها وضع می کنند . برای مثال، مالکیت انسان بر سعی و کار خویش حقی ذاتی انسان است . اما چند و چون مالکیت او را بر حاصل کارش، حقوق موضوعه معین می کنند . برخی پنداشته اند حقوق بشر، حقوقی قراردادی هستند و گفته اند این حقوق اعتبار ندارند زیرا حقوق انسان را خداوند می باید معین کنند .

آقای شبستری، در رد نظر آنها گفته است :

« حقوق بشر یک فرآورده و قرارداد انسانی است که برای تعیین روابط انسان ها با یکدیگر تدوین شده و با حقوق خدا که رابطه انسان را با خدا معین می کند . حقوق بشر یک امر افقی است . یعنی انسان ها که همه هم سطح هم هستند، باید روابط شان با این حقوق تعیین شود و این با یک رابطه عمودی که ارتباط انسان با خداوند است فرق دارد . »

حق اینست که هر دو نظر بر خطا هستند . چرا که حقوق ذاتی، حقوقی هستند که هرگاه نباشند، حیات موجود صاحب حق نیز نیست می شود . برای مثال، خداوند زوج آفریده است و همسر گزینی یک حق ذاتی است . چرا که عمل نکردن به این حق، موجب قطع نسل می شود . اما مقررات همسر گزینی، ازدواج و زندگی زناشویی را حقوق موضوعه معین می کنند . بدین قرار، هر انسانی در حقوق ذاتی خود

مستقل است . و آن حقوقی که رابطه انسان ها را با یکدیگر تنظیم می کنند، حقوق موضوعه هستند . حقوق ذاتی انسان با حقوق الهی دوگانگی ندارند . نخست به این دلیل که انسان بمثابه آفریده خداوند حیاتی دارد با حقوقی که قوام و دوام حیات بدنهاست و ذاتی آنند . خداوند حق است و حق با حق رابطه برقرار می کند . هرگاه زندگی آفریده، حاصل عمل به حقوق نباشد، رابطه انسان با خدا ناممکن می شود . و آنگاه به این دلیل که انسان به خداوند آزاد می شود . آزادی او، آزادی از محدود کننده ها و آزادی ابتکار و ابداع و خلق است و این دو آزادی به موازنه عدمی یا آزاد شدن به خداوند تحقق پیدا می کند . برای مثال، رابطه انسان ها با یکدیگر، هرگاه رابطه قوا باشد، انسان ها یکدیگر را محدود می کنند . چنانکه در خانه، اگر رابطه دو همسر، رابطه رئیس و مرئوس باشد، قدرت اولی بر دومی، حدود عمل هر یک از آنها را معین می کند . هیچ یک از دو آزاد نیستند . اما اگر هر یک از آنها، رابطه با یکدیگر را از راه رابطه با خدا برقرار کنند، چون رابطه با خدا، رابطه قوا نمی تواند باشد، پس رابطه آن دو، آزادی، عشق و همکاری می شوند . آنها از محدود کننده ها آزاد می شوند .

بدین قرار، حقوق ذاتی، قابل گذشت نیستند . هر انسانی می باید به حقوق خویش عمل کند . زیرا پ الف - عمل نکردن به هر حقی از حقوق، تباه کردن زندگی است . چنانکه اگر کسی نفس نکشد، می میرد . ب - عمل نکردن به حق، پذیرفتن حکم زور است و دو زندگی را تباه می کند . هم زندگی کسی را که از حق خود چشم می پوشد و هم زندگی کسی را که زور می گوید . بزرگ ترین گذشت در برابر متجاوز، ایستادگی بر سر حق است . زیرا مقاومت کننده هم خود و هم او را آزاد می کند .

با این حال، زمانی می رسد که متجاوز دست از زورگویی بر نمی دارد و حیات انسان یا انسانهایی را که بر سر حقوق خویش ایستاده اند، به خطر می اندازد . در این حالت، نیز، روش عمومی باید خشونت زدائی باشد . روش همان است که ابراهیم (ع) در حلقه آتش بکار برد : ایستادن بدون تزلزل بر سر حق خویش . آن مرگ که زندگی پایدار است، کشته شدن در مقام و بهنگام بازداشتن متجاوز از زورگویی است . آن عمل که ایثار است، دفاع از حق دیگری در برابر متجاوز است . چرا که این دفاع، دفاع از حق خویش است . انسان در خور این عنوان، هیچگاه نباید از یاد ببرد که هر تجاوز به حقی در هر گوشه دنیا، تجاوز به حق او است و بر او است که به مقابله با متجاوز به حق برخیزد .

درگذشتن از ناسزاگو و خشونتتهائی که به کرامت و حقوق انسان صدمه می زند نیز، وقتی عمل ارزشمند است که خشونت زدائی باشد . رهنمود

قرآن (هرگاه عمل لغوی مشاهده کردی با کرامت از آن در گذر) و رفتار علی (ع) خشونت زدائی هستند و نه تسلیم زورگویی ناسزاگو شدن . برای مثال، یک وقت ناسزاگویی ناسزا می گوید بدین خاطر که گمان می برد قربانی او آدم بدی است و یا به لحاظ آن که با طرز فکر او مخالف است . در برابر او و در برابر هر زورگویی، روش بایسته واکنش نشدن و کنش شدن است . واقعیت را بر ناسزاگو آشکار کردن و این قاعده را به او یاد آور شدن است : هرکس با اندیشه مخالف دشمنی می کند، بضرورت زور پرست است . چرا که اندیشه یا حق است پس باید آن را پذیرفت و یا ناحق که باید نقدش کرد و تضادش را با حق آشکار کرد . و نیز بر ابزاز اندیشه و بر قرار کردن جریان اندیشه اصرار باید ورزید و برهمگان این واقعیت را حالی باید کرد که اندیشه ها ، وقتی هم مخالف یکدیگرند، نباید سانسور شوند . مقام اندیشه و مقام باور، مقامی است که، در آن، زور بی نقش می شود . نقد آزاد نقش می یابد تا که بدین محک، سره از ناسره بازشناخته شود .

اما هرگاه ناسزاگو خود را قدرتمند می انگارد و در مقام تحقیر و تسلیم کردن ناسزا می گوید، روشی که تحقیر شده می باید برگزیند، دیگر می شود : بر او است که زورگو را از زورگویی باز دارد .

اما قلمرو حقوق موضوعه، قلمرو گذشت کردن است . به این شرط که سبب نقض حقی از حقوق ذاتی نشود . برای مثال، انسان می تواند از دست آورد خویش ببخشد . اما نباید از حق کار کردن چشم ببوشد . همین انسان که می تواند از حاصل کار خود ببخشد، هرگاه در برابر صاحب کاری قرار گرفت که خواست بخشی از حاصل کار او را خود بردارد، می باید بایستد . چرا که اگر نایستد، مثل انسان های امروز می شود که برده سرمایه شده اند .

۳ - اخیرا از زبان برخی فعالان حقوق بشر و مدافعان حقوق زنان می شنویم که خواستار اعمال « تبعیض مثبت » (همان تعبیری را که فکر می کنم اولین بار آقای مصطفی معین در زمان انتخابات دوره نهم ریاست جمهوری بکار برد) هستند . فکر می کنم این افراد که خود را مدافع حقوق انسان می دانند، از برقراری تبعیضات منفی در حق زنان گله مند هستند و اکنون سعی دارند با برقراری تبعیض مثبت در حق زنان، این تبعیضات مافات کنند . اما این تبعیض مثبت در حق زن (صرف نظر از بازی با کلمات) یک نوع تبعیض منفی در حق مردان خواهد بود . آیا پراستی برای رهایی



در فصل چهارم خبرها و اطلاعات و موضعگیری در باره بحران اتمی و در فصل پنجم روابط رژیم با حکومت بوش از رهگذر گسترش خشونت در عراق را می یابید.

در فصل ششم، خبرها و داده هائی را می خوانید. اطلاعات و داده ها تصدیق این واقعیت هستند که کشور دارد از دست می رود. تا آنجا که این واقعیت از زبان خاموشی، رئیس پیشین اتاق بازرگانی ایران نیز اظهار شده است. و در فصل هفتم، خبرهای تجاوزها به حقوق انسان را می یابید:

خبرها که ظاهر و باطن وضعیت کشور را باز می گویند:

* الگوی ترکیه و قول امریکن کرونیکل: اردوغان بنی صدر ترکیه است:

« نهضت آزادی ایران متنی را در باره پیروزی حزب عدالت و رشد در ترکیه انتشار داده است. این پاراگراف از آن متن را در این جامی آوریم: « در این دوران - که غرب با تمام نیرو از یک سو حکومت های ناسالم و غیردموکراتیک خاورمیانه را نماد حکومت اسلامی و از سوی دیگر بنیادگرایان تروریست را نماد مسلمانان معرفی می کند - پیروزی اسلامگرایان مدرن در ترکیه می تواند به عنوان یک الگو در جهان اسلام شناخته شود. تجربه ترکیه در ساختن الگوی نوین از حکومت در جهان اسلام که تعامل دوسویه اسلام و مدرنیته را به نمایش می گذارد، راهبرد دیرینه روشنفکران دینی ایران در صد سال گذشته بوده است. اگرچه هنوز برخی از مسائل مبهم مانده و شکل مطلوب یا آرمانی این الگو قوام نیافته است، تجربه برادران ترک موجی از امید را در میان اسلامگرایان نوگرا در سطح منطقه پدید آورده است.»

اما در ترکیه الگویی، ولو ناقص، بکار گرفته شده است که طرح کامل آن در ایران عرضه و مردم ایران به اکثریت بس بزرگی به آن رای دادند. از این رو، هر بار که از جنبش دموکراتیکی سخن بنیام می آید، آن را با جنبش مردم ایران در دوران مرجع انقلاب مقایسه می کنند. حتی وقتی نشریه دست راستی افراطی امریکائی بنام امریکن کرونیکل (۱۲ اوت ۲۰۰۷) اردوغان را بنی صدر ترکیه می خواند برای این که بگوید چرا ارتش و گرایشهای راست ترکیه می باید او را سرنگون کند. طرفه این که نشریه، بنی صدر و اردوغان را فراماسون می خواند. غافل از این که اولاً فرماسونهای ایران و ترکیه ضد آزادی و استقلال و مردم سالاری بودند. و ثانیاً بنی صدر نه تنها فرماسون نیست که ۴ دهه است با سازمان فرماسونری دست نشانده انگلستان و امریکا مبارزه می کند.

اما حق اینست، اندیشه راهنمایی که در ترکیه راهبر جنبش مردم سالار گشته است، هنوز یک بیان قدرت است و از اندیشه راهنمایی که در در

ایران تولد جسته و بالیده است، بسیار فاصله دارد.

* کشف کتیبه خشایارشا در کنار دریاچه وان ترکیه

« در ۱۲ مرداد، خبر کشف کتیبه خشایارشا در کنار دریاچه وان ترکیه انتشار یافت: نخستین دستاورد بزرگ سفر زوج جهانگرد ایرانی مونتورسوار، بازیابی کتیبه گمشده خشایارشا در دریاچه وان ترکیه بود. به گزارش میراث خبر، در حالی که از خروج زوج جهانگرد ایرانی از ایران و ورود آنها به ترکیه کمتر از دو هفته می گذرد، خانم و آقای قیدی برای هم وطنان خود، تحفه ای بسیار ارزشمند فرستاده اند. این هدیه، شامل تصاویری از کتیبه خشایارشا در کنار دریاچه وان در کشور ترکیه است که تاکنون هیچ تصویری از آن در دسترس دانشمندان نبوده است.»

غلامرضا رضانی، مدیرعامل مؤسسه رشد پژوهش ایرانیان که مدیریت گروه پشتیبانی و برنامه ریزی سفر به دور دنیا در ۸۰۰ روز را به عهده دارد، با اعلام این خبر، اظهار داشت: « پیش از آغاز سفر زوج جهانگرد ایرانی، گروه کارشناسی ما اهدافی را برای این سفر طراحی کرد که یکی از این هدفها تلاش برای یافتن موضع دقیق کتیبه خشایارشا در دریاچه وان در ترکیه بود.»

وی افزود: « دکتر رزمجو - متخصص تاریخ هخامنشیان و زبان پارسی باستان - در نشست های کارشناسی، توجه ما را به این کتیبه جلب کرده بودند و ما با توجه به اطلاعات دریافتی از ایشان می دانستیم که چنین کتیبه ای در ارتفاعات اطراف دریاچه یاد شده وجود دارد. همچنین متوجه شده بودیم که نه تنها هیچ عکس و تصویری از این کتیبه در دسترس نیست، بلکه محل و موضع دقیق این کتیبه هم ناشناخته است.»

رضانی در ادامه افزود: « ظاهراً حدود یکصد سال پیش طرحی از روی این کتیبه تهیه شده بوده است که متخصصان زبان های باستانی از روی این طرح اقدام به خواندن و ترجمه این کتیبه کرده بودند. این کتیبه نخستین بار توسط آقای رونالد گراب کنت - زبان شناس - در سال ۱۹۰۸ میلادی خوانده و ترجمه شده است. اما همانطور که گفته شد همه دانشمندان تا پیش از تلاش زوج جهانگرد کشورمان، از موضع دقیق این کتیبه بی اطلاع بودند و هیچ تصویری هم از این کتیبه در دسترس نبوده است. خوشبختانه این افتخار نسبی خانم و آقای قیدی شد که سفر خود را در چند روز نخست این سفر دور و دراز، با بازیابی موضع دقیق کتیبه خشایارشا در دریاچه وان و با تهیه عکس و فیلم کامل از این کتیبه، خجسته و مبارک کنند.»

رضانی اضافه کرد: « البته برای پیدا کردن این کتیبه، از یک سو خانم و آقای قیدی به محض ورود به کشور ترکیه از دو نفر از راهنمایان منطقه (یک نفر ایرانی و یک نفر اهل کشور ترکیه)، یاری گرفتند و از سوی دیگر با توجه به کتیبه های دیگری که با خط و زبان های متفاوت در منطقه وجود دارد، برای اطمینان از این که این

پول نفت را خرج می کنیم!؟

کتیبه، همان کتیبه مورد نظر باشد، در تهران هم گروهی تشکیل شد که تصاویر دریافتی از طریق اینترنت را برای دکتر رزمجو ارسال کنند تا اطمینان لازم به دست آید.»

به گفته وی، چهار روز همه این افراد در ترکیه و در کشورمان از صبح تا نیمه شب در حال جست و جو و فعالیت بودند تا اینکه در شامگاه روز چهارشنبه در تاریخ دهم مرداد دکتر رزمجو، آخرین تصاویر دریافتی از ترکیه را که توسط خانم و آقای قیدی تهیه شده بود، تأیید کردند.»

رضانی تصریح کرد: « ما ضمن شادباش به همه مردم کشورمان و ضمن آرزوی دستیابی این زوج جهانگرد به همه اهداف فرهنگی بزرگ تعریف شده برای این سفر، از همه ایرانیان میهن دوست در هر کجای جهان که هستند، درخواست می کنیم که از حرکت بزرگ این زوج جوان ایرانی که این چنین پر برکت و خوش آغاز است، حمایت کنند و دست یاری ما را برای همراهی با این زوج در تمام روزهای این سفر بشارند.»

متن کامل ترجمه فارسی کتیبه خشایارشا در دریاچه وان در شرق کشور ترکیه (اصل این کتیبه به سه زبان: پارسی باستان، ایلامی و بابلی نوشته شده بوده است) چنین است: خدای بزرگ است اهورامزدا که بزرگترین خدایان است که این زمین را آفرید و آن آسمان را آفرید.

که شادی را برای مردم آفرید که خشایارشا را شاه کرد یگانه فرمانروای بسیاری من خشایارشا، شاه بزرگ، شاه شاهان شاه مردمان بسیار شاه در این زمین دور و پهناور پسر داریوش شاه هخامنشی گوید خشایارشا: داریوش شاه که پدرم بود، به خواست اهورامزدا [بناهای آریایی ساخت و او دستور داد این کتیبه کنده شود. اما نوشته ای در آن کنده نشد پس از آن من دستور دادم این نوشته کنده شود. اهورامزدا با خدایان مرا و شهریاری مرا و آنچه که من ساخته ام نگاه دارد.

رضانی افزود: « من به عنوان یک شهروند ایرانی، بازیابی این اثر تاریخی گران سنگ را به همه مردم ایران، باستان شناسان و کارشناسان زبان های باستانی به ویژه متخصصان زبان پارسی باستان تبریک می گویم و از سوی همه ایرانیان میهن دوست، از صمیم قلب از خانم و آقای قیدی - زوج جهانگرد گرامی ایرانی - به پاس همت بلند و کوشش بی دریغشان در یافتن این اثر، سپاسگزاری می کنم.»

وی گفت: « در پایان از تلاش و زحمات یاران و همراهان این سفر، آقایان دکتر شاهرخ رزمجو، دکتر چیت ساز، دکتر ابراهیم شاه، محمد حسین نوری زاد، رضا ثمری، امیر رمضان دورکی و حسین سلطان زاده و یاران مستقر در رایزنی فرهنگی ایران در آنکارا کمال تشکر و سپاس را داریم.»

انقلاب اسلامی: از آن روزگار تا این روزگار و از آن موقعیت تا این موقعیت:

* ورود بنزین قاچاق به ایران:

« بر اساس اطلاع به تازگی بعد از اینکه بنزین سهمیه بندی شده است بنزین در حلب های بسیار زیبای ۲۰ لیتری به صورت قاچاق از کشور عمان وارد ایران می شود به قیمت لیتری ۴۰۰ تومان.»

حاصل کار حکومت احمدی نژاد و طرح سهمیه بندی شدن بنزین این شد که قاچاق بنزین نیز شروع شود و دست برخی از یاران او که از همکاران در قاچاق هستند به این کار نیز باز شد.

درگیری های بنزینی در ایران در حال شدت گرفتن است و ادامه آن امکان دارد که حکومت را وادار به تسلیم شدن در این مورد نماید.

« در ۱۵ مرداد ۸۶، غلامحسین الهام رئیس ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز در نامه ای به وزیر هاشمی وزیر نفت، آمادگی این ستاد را برای مبارزه جامع و همه جانبه با قاچاق سوخت اعلام کرد.»

در بخشی از این نامه آمده است با اجرای طرح کارت هوشمند و سهمیه بندی بنزین زمینه مناسبی برای جلوگیری از عرضه خارج از شبکه و قاچاق این فراورده گرانمای نفتی فراهم شده است با وجود این بررسی های کارشناسی نشان می دهد عمده قاچاق و بهره برداری نامناسب از دو فراورده نفتی مازوت و بالاخص نفت گاز است که ساماندهی نکردن آن در گذشته بویژه در مناطق مرزی کشور زمینه ساز خروج میلیاردها دلار از سرمایه های ملی شده است.

« در ۱۳ مرداد، روزنامه اعتماد خبر داده است: حکومت لایحه ای برای تامین اعتبار واردات بنزین تهیه کرده است. روز گذشته مخبر کمیسیون انرژی مجلس این خبر را اعلام کرد. به گفته او وزارت نفت اعلام کرده است که ۲/۵ میلیارد دلار بودجه واردات بنزین که مجلس برای سال ۸۶ در نظر گرفته بود، تمام شده است و دولت مجبور است برای تامین اعتبار، لایحه تازه ای به مجلس تقدیم کند.»

عمادالدین حسینی مخبر کمیسیون انرژی مجلس و نماینده قروه به خبرگزاری فارس گفت: در شرایط فعلی میزان بنزین مورد نیاز کشور روزانه ۶۰ میلیون لیتر است اما پالایشگاه های کشور تنها توان تولید ۴۲ میلیون لیتر بنزین را دارند بنابراین دولت مجبور است روزانه ۱۸ میلیون لیتر بنزین وارد کند. به گفته او، وزارت نفت هم اعلام کرده که ۲/۵ میلیارد دلاری که مجلس برای واردات بنزین مصوب کرده به اتمام رسیده است بنابراین مجلس باید اعتبار مورد نیاز برای وارد کردن ۱۸ میلیون لیتر بنزین را مصوب کند. خبر تهیه این لایحه در جلسه ای با حضور وزیر هاشمی، وزیر نفت، مطرح شده است و ارائه لایحه به مجلس قطعی است.

« در ۱۳ مرداد، حسینی مخبر کمیسیون انرژی مجلس مافیها گفته است: « نگرانی ما این است که خودروهای دولتی، تاکسی ها و وانت بارها که سهمیه بیشتری در اختیار دارند از میزان سهمیه خود سوء استفاده کنند و با فروش آن بازار سیاه به وجود

آورند، زیرا طبق قانون قرار بود خودروهای دولتی از بنزین سهمیه ای و با قیمت ۱۰۰ تومان استفاده نکنند. در حال حاضر نظارتی بر استفاده یا عدم استفاده تاکسی ها و وانت بارها از سهمیه خود به طور شفاف از سوی دولت اعمال نمی شود و برخی از تاکسی ها و وانت بارها بنزین خود را در بازار آزاد می فروشند. دولت سهمیه بنزین تاکسی های بین شهری را از ۸۰۰ به ۱۲۰۰ لیتر افزایش داد، غافل از اینکه این تاکسی ها سهمیه خود را می فروشند زیرا درآمد حاصل از فروش بنزین به مراتب خیلی بیشتر از کارکرد آنها است لذا باید نظارت ها را جدی بگیریم تا تاکسی ها واقعاً مسافر جابه جا کنند.»

« در ۱۶ مرداد، علی اکبر محرابیان، رئیس ستاد تبصره ۲۳ گفته است: دولت برنامه ای برای عرضه بنزین آزاد ندارد. او توضیح داده است: هدف اصلی سهمیه بندی بنزین، کاهش مصرف آن بوده است. اما اگر بنزین آزاد بین ۲۰۰ تا ۴۰۰ تومان عرضه شود، به هیچ عنوان به کاهش مصرف سوخت منجر نخواهد شد و اگر هم تأثیری بر آن داشته باشد مقطعی و کوتاه مدت خواهد بود.»

گزینه دوم، عرضه بنزین به لیتری هزار تومان است که بر اساس بررسی های به عمل آمده باعث کاهش دائمی مصرف خواهد شد. اما اگر بنزین با قیمت هزار تومان بنزین ارائه شود، برای حمل و نقل عمومی منطق اقتصادی ای باقی نخواهد ماند و خودروهای عمومی دیگر کار نخواهند کرد و فقط بنزین خود را می فروشند.

« در ۱۷ مرداد این خبر انتشار یافت: بهای بنزین آزاد لیتری ۶۰۰ تومان معین می شود (در حال حاضر لیتری ۴۰۰ تومان از عمان به ایران قاچاق می شود) و حکومت لایحه تأمین بودجه ارزی ۱/۵ میلیارد دلاری را به مجلس می برد.

* حل مشکلات قضایی کشورهای اسلامی در مغرب و سنگال:

شاهرودی که دستگاه قضائی ایران را ویرانه خوانده است و خود آن را ویرانه تر کرده است، برای اینکه نشان دهد که کشورهای عربی و افریقایی چگونه باید دستگاه قضائی خود را بسازند و شهروندان خود را از حقوق شهروندی برخوردار کنند، به آن کشورها رفته است!

وی در آن کشورها برای پیاده نمودن عدل و داد پیشنهاداتی داده است که آنجا را نیز مانند ایران کند. اما اگر او به کشور آزادی می رفت و می پذیرفت به پرسشها پاسخ بدهد، از او در باره زندان اوین و دیگر زندانها می پرسیدند، از اینکه برای گرفتن اعتراف از زندانیان، شکنجه های سخت بی رحمانه بکار می برند و دانشجویان را تهدید به بطری و تخم مرغ داغ می کنند، می پرسیدند، از ستمکنده ای می پرسیدند که او و همانند هایش از کشور ایران ساخته است، و او از تصدی مقام قاضی قضائی غرق شرم می شد.



*** طرح دو فوریت تمدید قانون مجازات اسلامی مورد تصویب نمایندگان قرار نگرفت :**

◀ بعد از اینکه ۲۶ سال، قانون مجازات اسلامی که هر دو سال یکبار، از مجلس رای می گرفت بطور آزمایشی اجرا شود، این بار، « نمایندگان » مجلس مافیا ها به اجرای آزمایشی آن رأی ندادند. و خواستند که قوه قضاییه لایحه ای را تقدیم مجلس کند تا بعد از بررسی آن را تصویب کنند.

رای نیاوردن تمدید مدت اجرای آزمایشی قانون مجازات اسلامی نشان می دهد که نمایندگان همین مجلس نیز، با وجود تمام مشکلات و مقاصد که دارند، با ادامه این وضعیت موافق نیستند.

یادآوری می شود زمانی که قانون قصاص یا مجازات اسلامی برای اولین بار از سوی شورای عالی قضایی تحت ریاست بهشتی تهیه و به مجلس داده شد، جبهه ملی اعلامیه ای صادر کرد. در آن، از مردم برای شرکت در میتینگ ۲۵ خرداد ۶۰ به حمایت از رئیس جمهوری و برای مخالفت از جمله با تصویب « قوانین ظالمانه » دعوت کرد، خمینی جبهه ملی را بخاطر دادن صفت ظالمانه به « قوانین »، « از امروز مرتد » خواند. زمانی می باید می گذشت تا در ۷ مرداد ۸۶، محمد بجنوردی بگوید سنگسار در اسلام نیست و در اوائل سال ۶۰، خمینی موافقت کرده بود قضاات حکم به سنگسار نکنند. یعنی خود را پیشاپیش مرتد کرده است. اگر نمایندگان مجلس مافیا ها به علت مخالفت با مجازاتها رأی نداده باشند بنا بر همان حکم جعلی خمینی مرتد شده اند. مگر این که کاسه داغ تر آش شده باشند و بخواهند این مجازاتها قانون دائمی بگردند.

این در حالی است که زمانی که تصویب دو فوریت یک طرح به تصویب نمی رسد ماهها زمان لازم است تا دوباره نوبت بررسی آن طرح قانونی برسد.

اگر این قانون تمدید نشود برای اجرای حدود باید از فتاوی برخی از مراجع استفاده شود که در آن صورت قانون مجازات اسلامی به زباله دان تاریخ خواهد افتاد و بسیاری از احکامی که تا به حال صادر و اجرا شده اند، لاجرم می باید مورد تجدید نظر قرار گیرند.

◀ ۵۰ « نماینده » به دنبال تصویب خارج از موعد قانون مجازات اسلامی هستند. این قانون ۲۶ سال است به صورت آزمایشی اجرا می شده است و مسئولان قضایی تا کنون برای تدوین قطعی قانون و ارائه آن به مجلس کاری انجام نداده اند. زیرا می دانند که فقهای بسیاری با اجرا حدود در غیبت معصوم موافق نیستند و آنها هم که موافق هستند، قانون کنونی را فاقد شرایطی می دانند که بدون تحقق آنها جرم ثابت نمی شود و قاضی نمی تواند حکم به مجازات بدهد. مخالفت دنیا نیز به جای خود.

◀ « آیه الله » محمد بجنوردی در مصاحبه با بازتاب (۷ مرداد) گفته است : سنگسار در اسلام نیست. بانی آن عمر است. امام خمینی موافقت کرد بنام او بخشنامه شود قاضیان حکم به سنگسار ندهند.

◀ در ۸ ژوئیه، رهبر دست راستی های هلند خواستار ممنوع شدن قرآن شد. زیرا بنظر او همانند کتاب نبرد

من هیتلر و مملو از آموزش روشهای فاشیستی و خشونت آمیز است. انقلاب اسلامی : با وجود این، سنگسار در قانون قصاص (ماده های ۱۰۰ و ۱۰۱) آمده است. در زمان خمینی و پس از آن نیز چند نوبت حکم سنگسار صادر و اجرا شده است. با وجود خشونت ستائی خمینی و النصر بالربخ خامنه ای و قانون قصاص و تحقیر زن و تقدیس خشونت و جنایاتی که در سرتاسر قلمرو اسلام، بنام اسلام، انجام می گیرند، کتابی که محبت و آزادی و حقوق و خشونت زدائی می آموزد، کتاب خشونت آموز باور می شود.

*** فروش گاز در دولت نهم :**

◀ با حذف نژاد حسینیان و آوردن غنیمی فر به جای او حراج گاز کشور شروع شد. در جلساتی که میان ایران و هند و پاکستان در مورد گاز و لوله صلح برگزار شده اند، قرار بر این شده است که گاز ایران را به مدت ۲۵ سال به هندو پاکستان، با تخفیف بفروشند. در مذاکرات قیمت هر بی تی یو گاز را به مبلغ ۶/۵ دلار بفروشند. این مبلغ ۴۰ درصد قیمت پایه بازار است که ۱۱ دلار است. می گویند قرار است گاز را با ۳۲ درصد تخفیف بفروشند. اما فروش هر بی تی یو به ۶/۵ دلار، یعنی فروش با ۴۰ درصد تخفیف. این امر را هم نژاد حسینیان لو داد. وگرنه وزارت نفت و گاز حکومت هیچگونه اطلاعی از معامله مال مردم را به مردم نداده است. دانستنی است که قیمت گاز فروشی به ترکیه از این قیمت فروش آن به هند و پاکستان بیشتر است. جای تعجب نخواهد بود هرگاه ترکیه نیز خواستار برخوردار شدن از تخفیفی بشود که به هند و پاکستان داده می شود.

احمدی نژاد و حکومت او، تحت رهبری سید علی خامنه ای، برای تحصیل درآمد هر چه بیشتر و استفاده نامشروع از درآمد از سونی و بیرون آمدن از انزوای بین المللی، از سوی دیگر دست به دادن این باج زده اند. به نظر می رسد که با این مبلغ فروش گاز هزینه های این طرح بیشتر از درآمد آن خواهد شد. به تازگی در قراردادهای قیمت گاز به ۱۵ دلار هم رسیده است. این درحالی است که ایران باید گاز خود را تقریباً یک سوم قیمت بین المللی به مدت ۲۵ سال واگذار نماید. بگذریم از این که فروش گاز به هند و پاکستان به قیمت تزیق نکردن آن به منابع نفت و در نتیجه، غیر قابل بهره برداری شدن بخش عمده ای از این منابع است.

*** کارهای « فرهنگی » که در کشور توسط گروههای زیر انجام می شود :**

◀ کار فرهنگی در ایران همان کاری است که سرهنگان انجام می دهند. در ایران، سرداران سپاه تئوری می سازند و سرهنگان تئوریهای سرداران اجرا می کنند. کارهای « فرهنگی » که اغلب زور گوئی هستند، در دست ملایان و سرداران و سرهنگانند و توسط سازمانهای زیر انجام می گیرند:

پول نفت را خرج می کنیم !؟

سپاه پاسداران نیروهای انتظامی بسیج سپاه پاسداران دادگاههای انقلاب ستاد امر به معروف و نهی از منکر سازمان اوقاف و حج و زیارت سازمان ارتباطات اسلامی سازمان تبلیغات اسلامی حوزه های علمیه که به تازگی مردم ایران به آنها مدرسه مارمولک ها می گویند. وزارت ارشاد و فرهنگ اسلامی و صدها سازمان - مؤسسه - نهاد - دیگر که خود را در این امر دخیل می دانند از جمله؛

۱۵۰۰۰ هزار مسجد و بسیج های مستقر در آنها که معمولاً لباس شخصی ها هستند. ۵۰۰۰ کانون وابسته به مساجد ۵۰۰۰ کانون وابسته به معاونت های فرهنگی شهرداری ها و... همه آنها مأمورند النصر بالربخ خامنه ای و حرکت قسری جنتی و خزعلی و مصباح بزدی را اجرا کنند. بر آنها، نظریه های سرداران هم افزوده شده است و فاجعه بر فاجعه افزوده اند.

این هم نمونه ای از کار مشترک فرهنگی توسط مراجع بالا:

بسم رب الزهرا ای عزیز که خداوند تو را به سرپرستی خانواده ات برگزید، غیرت و مردانگی را پیشه خود ساز تا به گروه مردان راه یابی و نیک بدان که پوشیدگی زنان، تبلور غیرت مردان آنهاست. پس با مردانگی، پاسدار حجاب ناموس خویش باش، آن گونه که غیرت تو را احساس کنند. امام صادق(ع) فرمود: خداوند غیور است و مردان غیرتمند را دوست دارد. ای عزیز، بدان نمایش جاذبه های جنسی زن، تاثیر در جسم و جان و هورمون مردان بیگانه را به همراه دارد. پس مبادا با بی حجابی ناموسمان، در تولد اولاد دیگران سهمیم باشیم که شیطان نیز سهامدار آنها خواهد شد و پوشیدگی زن، پادزهر این نوع مشارکت است.

ای عزیز، ویژگی های جنسی زن از اسرار و حجاب، حافظ اسرار زیبایی های زن است، پس نباید اسرار را بر نامحرممان افشا کنیم که بر خود خیانت روا داشته ایم و خداوند، خیانت پیشگان را دوست ندارد. اداره کل اوقاف و امور خیریه استان اصفهان امربه معروف حوزه مقاومت بسیج ۳ امام حسین (ع) و یک فاطمه الزهرا (س)

*** از سخنرانیهای خاتمی در شهرها جلوگیری و خود او تهدید به محاکمه می شود :**

◀ چماقداران شهر کاشان بیل بوردهای خاتمی را که فرار بوده است در آن شهر سخنرانی کند، پاره کرده اند. شبانه و به وسیله افراد موتوری، در سرتاسر شهر، بیل بوردها پاره کرده اند. در ۱۷ مرداد، به گزارش نوروز، اطلاعیه ای در تخریب وجهه و

شخصیت خاتمی پس از سفر هفته گذشته وی به این شهر در سطح شهر کاشان پخش شده است. این اطلاعیه به امضای «فعالان مردمی حمایت از دکتر احمدی نژاد در کاشان» و همراه با شماره تلفن و صندوق پستی آنان می باشد که با جملات تخریبی، کلماتی ناپسند و دروغ و تهمت به اصلاح طلبان و همچنین دولت اصلاحات به بررسی سفر آقای خاتمی به کاشان و انتقاد از عملکرد او در طول ۸ سال ریاست جمهوری پرداخته است.

◀ در ۱۶ مرداد، روزنامه اعتماد ملی گزارش کرده است: به دنبال میزبانی آیت الله ملک حسینی (نماینده کهکیلویه و بویر احمد در مجلس خبرگان) در شیراز از سیدمحمد خاتمی گروهی به نام حزب الله در استان کهکیلویه و بویر احمد شبانه ای را علیه این عضو مجلس خبرگان پخش کرده اند.

◀ در ۱۶ مرداد، آفتاب گزارش کرده است: دادگاه ویژه روحانیت قم روز سه شنبه اعلام کرد که شکایت طلاب علیه «سیدمحمد خاتمی» را ثبت خواهد کرد. شکایت از خاتمی حدود دوماه پیش و پس از آن طرح شد که فیلمی جعلی علیه خاتمی در برخی سایت های اینترنتی منتشر شد که در آن، به شکلی مبهم دست دادن خاتمی با تعدادی زن خارجی دیده می شد. هرچند خاتمی رسماً آن را تکذیب کرد، اما تندروهای فعال در قم تحرکات خود را تا به ثبت رسیدن شکایت از خاتمی ادامه دادند.

انقلاب اسلامی: آن فیلم جعلی نبود و دست دادن خاتمی با زنان نیز شکل مبهمی نداشت. این امر که چنین کاری جرم تلقی شود و «دادگاه روحانیت» قم شکایت کسانی را ضبط کند که شکایتشان جرم است، گویای انحطاط همه جانبه و بیش از پیش رژیم است.

خبرها در باره احمدی نژاد و وزیران او:

*** قوه مقننه استان سی و یکم ایران :**

◀ الهام به احمدی نژاد گفته است فرض را بر این بگذارد که قوه مقننه استان سی و یکم ایران است. این حرف به مذاق احمدی نژاد خوش آمده و او تصمیم گرفته است سفری به استان مجلس برای بررسی مشکلات و برآوردن برخی از نیازهای مجلس بکند. قوه قضائیه نیز استان سی دوم است.

اما وقتی به استان سی و یکم سفر کرد، دید وضعیت با استانهای کشور فرق دارد. مأموران کسی را به استقبال او نیاورده اند. کسی هم او را تحویل نمی گیرد. اما او روش دیگری بلد نبود. پس چون پشت تریبون قرار

گرفت، هر از چندی تکرار کرد: کیه که خسته است. « نمایندگان می باید جواب می دادند: دشمن !»

ولی در مجلس جز چند نفری نمی گفتند دشمن. در این سفر استانی، احمدی نژاد نه تنها مورد پسند « نمایندگان » قرار نگرفت که موجب دلخوری بسیاری از آنها شد. بدین حد که وقتی صدای اذان به گوش رسید، اکثر نمایندگان « سالن را ترک کردند و احمدی نژاد و نزدیکان او بودند که بر جا ماندند.

و امر مهمی که سانسور شد، این بود که معلوم شد رابطه قوای مجلس و حکومت به زبان مجلس گشته است. نه تنها بخاطر نزدیک شدن « انتخابات » و ترس « نمایندگان » از رد شدن صلاحیتهاشان، بلکه بخاطر این که خامنه ای فشار شدید می آورد که مجلس کاری نکند تا دوره ریاست جمهوری احمدی نژاد بسر آید. از این جهت بود که نه از احمدی نژاد سوال بعمل آمد و نه « وزیر » های او استیضاح شدند و نه مجلس توانست وزیر هاهمانه را در مقام وزارت نفت نگاه دارد.

*** خامنه ای به امام جمعه ها : احمدی نژاد را انتقاد نکنید تا دوره اش تمام شود:**

◀ در دیدار خامنه ای با ۶۶۰ امام جمعه شهرهای کشور، او خطاب به آنها گفته است: در این شرایط حساس کشور شما تحمل کنید تا دوره او تمام شود و در مراسم جمعه ها بر ضد ایشان حرفی نزنید و دعا کنید که این دو سال هر چه زودتر به پایان برسد!

*** نظر سنجی در باره احمدی نژاد چرا سانسور شد ؟:**

◀ نظر سنجی ای که رادیو جوان در باره میزان محبوبیت احمدی نژاد نزد جوانان انجام داده است، حاکی است که مغضوبیت او بیش از ۸۰ درصد است. اعلام نتایج جلوگیری کرده اند. پیش از آن، بازتاب سنجش کرده بود و در آن، بیش از ۶۰ درصد از کسانی که به احمدی نژاد رای داده بودند، از کرده خود ابراز پشیمانی کرده بودند. اما نظر سنجی شبکه جوان شدت بیزاری جوانان را از احمدی نژاد گزارش می کند. دستور داده می شود نتایج انتشار نیابند. گویا درز های اطلاعاتی سبب می شوند نتایج این نظر سنجی را بیرون بزنند. نتیجه آن می شود که احمدی نژاد از مسئولان صدا و سیما کدورت پیدا می کند و برای رفع کدورت، تغییرات عمده ای در صدا و سیما ناگزیر می شوند. این تغییرها در حال انجام هستند. یعنی این که احمدی نژاد و حکومت او و مافیاهای حامیش، تحمل آن را ندارند که سنجش افکار در باره او انجام شود ولو انتشار نتایج آن سانسور شود.



* مدیریت اقتضائی؟! :

◀ بعد از مدیریت های کیلویی احمدی نژاد و مدیریت فله ای خامنه ای، مدیریت جدیدی به بازار آمده است که مدیریت اقتضائی نام دارد. تولید کننده این مدیریت در ایران یکی از یاران احمدی نژاد به نام علی احمدی است. او که پدر زن مشاور جوانان احمدی نژاد، یعنی بزم پاش است و قبلا ریاست سازمان آمار ایران را بر عهده داشت - که به خاطر کند ذهنی او این سازمان به وزارت کشور منتقل کردند - و اینک رییس دانشگاه پیام نور است این مدیریت را ابداع کرده است.

احمدی که به قول دانشجویانش یکی از کودن ترین افراد این نظام است و کلیه کارهایی را که عرضه می کند، ترجمه هایی هستند که دانشجویانش انجام می دهند، اقتصاد اقتضائی را پیشنهاد می کند:

سیاست های اقتصادی ایران باید اقتضائی باشند. یعنی به اقتضای روز باید آنها را تغییر داد. اگر سیاست جدید جواب نداد، باز باید آن را تغییر داد. به طور کلی، سیاست های اقتصادی نباید مدت دار باشند!

داستانی است که او یکی از کسانی بود که شرایط از بین بردن سازمان مدیریت و برنامه گذاری را به وجود آورد و موجب شد این سازمان بعد از ۶۰ سال توسط احمدی نژاد منحل و در ریاست جمهوری ادغام شود.

انقلاب اسلامی: روش « مدیریت اقتضائی » همان عیبی است که در ایران همگانی است: تدبیری را در نیمه رها کردن و تدبیر دیگری را جانشین کردن. این روش گویای شدت ابتلائی به بیماری زور مداری است. زیرا هرگاه عقلهای مدیران آزاد بودند، تجربه را روش می کردند. یعنی تدبیر را در جریان اجرا، نقد و تصحیح می کردند و به هدف مطلوب می رسیدند. پس اگر حکومت احمدی نژاد یک کار را که بتواند بگوید آغاز و با موفقیت به پایان برده است، در کارنامه خود ندارد، بخاطر شدت ابتلائی به زور پرستی و مدیریت اقتضائی را جانشین روش تجربی کردن است.

* احمدی نژاد مصداق آیه ۸۶ سوره هود: بقیه الله خیر لکم است!؟ :

◀ ساهلست که برخی از روحانیون و بلند پایگان دین ولایت مطلقه فقیه پیرامون حضرت مهدی و ظهور او، به آیه ۸۶ سوره هود استناد می کنند و می گویند: منظور خداوند، در این آیه، حضرت مهدی (عج) است و در احادیث بسیاری از حضرت مهدی به مصداق این آیه نام برده شده است. حال آنکه آیه صراحت دارد بر این که این مردم هستند که می باید به آنچه (قرآن) خداوند برای آنها باقی می گذارد عمل کنند. اگر نه، پیامبر پاسدار دائمی آنها نیست. رژیم ولایت مطلقه فقیه بر خلاف نص قرآن، خامنه ای و سپاه پاسدار او را پاسدار دائمی مردم ایران کرده اند و حالا هم مافیائی که از حکومت احمدی نژاد خورد و برد می کند، مدعی است احمدی نژاد مصداق آیه است!

از زمانی که یکی از واسطه و نواب جعلی امام زمان، یعنی حاج شیخ علی اکبر فیض معروف به مشکینی مرد، تنها واسطه با امام زمان در حکومت ولایت

پول نفت را خرج می کنیم!؟

- بعد نوبت به جاده کشیدن برای آمدن امام زمان از سوی احمدی نژاد و حکومت او رسید.

- بعد گفتند احمدی نژاد، برای پذیرایی دیدار کنندگان با امام زمان، دستور ساخت هتل ها داده است اما یکی از معاونان او، آقای رحیم مشاعی گفت: وقتی امام زمان بیاید و مردم برای دیدار او بیایند ایرانیان آنها را در خانه های خود به عنوان میهمان جای خواهند داد.

- بعد گفتند احمدی نژاد و وزیرانش عهد نامه امضاء کرده اند و آن عهد نامه را به درون چاه مسجد جمکران انداخته اند تا به دست امام زمان برسد.

- بعد یکی از وزرای او گفت که ایشان زمینه ساز حکومت ولی عصر هستند.

- بعد حدیثی جعل شد که گروهی در قم بر سر کار می آیند که در مورد قضیه هسته ای با کشورهای دیگر درگیر می شوند و شهید می دهند و بعد امام زمان ظهور می کند.

- بعد صدا و سیما برای ظهور امام زمان دستور خواندن ده میلیون صلوات را داد.

و حالا می گویند احمدی نژاد مصداق آیه ۸۶ سوره هود، یعنی خود امام زمان است.

و قاعده قدرتمداری است. بخصوص اگر کسی که خود را تجسم قدرت می انگارد بی کفایت باشد، نیاز پیدا می کند به خرج کردن دین بی آنکه بتواند خود را بسازد.

* « وزیران » نفت و صنایع و معادن تغییر کردند؟

◀ در ۲۱ مرداد، احمدی نژاد وزیری همامانه را از وزارت نفت برکنار و غلامحسین نوردی، مدیر عامل شرکت ملی نفت را جانشین او کرد. و نیز جای علی رضا طهماسبی را در وزارت صنایع و معادن به علی اکبر محرابیان داد.

از ماهها پیش، احمدی نژاد مجلس را تهدید می کرد که وزیری همامانه را برکنار می کند. و بالاخره او را تغییر داد. در خبرها که در این باره در شماره های پیشین انقلاب اسلامی انتشار یافتند، آمده بود که میان حکومت در حکومتی که احمدی نژاد و مشاوران او تشکیل داده اند و نوعی مافیائی خانوادگی است، با « وزیر » نفت کشماکش بود. کشماکش میان مافیاهای بر سر تسلط بر وزارت نفت و معاملات بسیار پردرآمد آن کشماکش شدید جریان داشت و دارد. وزیری همامانه قربانی این کشماکش است:

◀ حسین آفریده، عضو کمیسیون انرژی مجلس در باره علت برکناری « وزیر » نفت گفته است: « آنطور که شنیده می شد وزیری همامانه برای پذیرفتن افرادی خارج از وزارت نفت در سطح قائم مقامی وزیر نفت (صادق محصولی) و مدیرعاملی یکی از شرکتها که رئیس جمهوری معرفی کرده تحت فشار بوده است.

وزیر صنایع هم با همین مشکل مواجه شده است، احمدی نژاد وزیر سابق صنایع را تحت فشار قرار داده بود که تمامی شرکت های خودرو سازی را در یک مجموعه قرار داده و ریاست آن را به «مهرداد بدرپاش» رییس

جوان ستاد انتخاباتی حامیان احمدی نژاد واگذار کند اما طهماسبی از این امر خودداری کرده بود. به همین دلیل، احمدی نژاد تصمیم به برکناری وی گرفت.

* درگیری های « وزیر » با رییس جمهوری:

به دنبال بالا گرفتن کار مخالفت صفار هرنندی، « وزیر » ارشاد - که وابسته به باند حسین شریعتمداری و بیت رهبری است - با مشاوران رسانه ای احمدی نژاد، تمام کاسه و کوزه ها دارد بر سر مطبوعات و وب سایت های خبری و خبرگزاری ها شکسته می شود.

هر دو جریان به دنبال به دست گرفتن کل قدرت رسانه ای هستند و هر دو در تلاش سانسور کردن اما به دست خود هستند. درگیری ها دو گروه موجب شده اند کار به جاهای باریک کشیده شود:

• از سویی، جوانفکر که خود زمانی خبرنگار بیت رهبری بوده است و از قبل آن، به عنوان خبرنگار به کارهای تجاری و زیارتی و خبری در سفرهای مکه می پرداخته است، از زمانی که وارد باند رسانه ای رییس جمهور شده دچار توهم قدرت مداری گشته است. به خصوص که فکر می کند احمدی نژاد را خدا برای مسلمان کردن تمام جهان فرستاده است و او نظر کرده امام زمان است. و اگر احمدی نژاد همان بقیه الله باشد که دو «وزیر» ادعا می کنند، پس جوانفکر هم مشاور رسانه ای امام زمان است و این مقام کمی برای یک خبرنگار بی تجربه و تازه به دوران رسیده نیست.

• او و کلهریکی از سانسورکنندگان و تصفیه کنندگان سازمان صدا و سیما در حال حاضر - در یک طرف قرار گرفته اند و صفار هرنندی و باند وابسته به کیهان در سوی دیگر. هر دو مانند دو لبه قیچی تلاش دارند که هر صدای غیر خودی را ساکت نمایند.

درگیری ها کار را برای هر دو گروه به جای باریک کشانده است و بسا موجبات افشاگری هایی را فراهم آوردند. چنانکه این درگیری ها موجب لو رفتن نامه احمدی نژاد به شمشقدری یکی دیگر از مشاوران او شدند. افشای نامه های او هوی بسیار پیاورد.

لازم به ذکر است که حکومت احمدی نژاد، با توجه به میزان مشارکت گروه های مختلف در به ریاست جمهوری رساندن احمدی نژاد، از چندین شکل وابسته به مراکز مافیائی قدرت تشکیل شده است از جمله بیت رهبری - سپاه پاسداران - مدرسه حقانی - نهاد جانبازان و ایثارگران و ...

* پور محمدی، « وزیر » کشور از احمدی نژاد شاکی است:

◀ عباسعلی علیزاده دادستان سابق تهران، یکی از جنایتکاران سالهای بعد از انقلاب است که در پرونده اش جرائم زیر ثبت هستند:

- ۱ - مصادره خانه ها و اموال مردم و فروش بی سر و صدا به دیگران
- ۲ - ایجاد باندهای بزرگ و سراسری مواد مخدر
- ۳ - فروش و شرکت در فروش دختران به کشورهای عربی
- ۴ - توقیف فله ای مطبوعات
- ۵ - دستگیری های وسیع مبارزان سیاسی

۶ - دخالت در قتل زهرا کاظمی

۷ - و جاسوسی برای یگانگان که این جرم موجب برکناری او از مدیر کلی دستگاه قضائی شد و در حال حاضر مشاور رییس قوه قضائیه است.

او در یک جلسه به دعاگو گفته است: برای دیدار با پور محمدی نزد او رفته بوده و پورمحمدی خیلی از اوضاع شکایت داشته و به او گفته است: احمدی نژاد حتی در انتخاب فرمانداران و بخشداران دخالت می کند چه برسد به استانداران. انتخاب هیچ استانداری در اختیار من نبوده است و نیست.

علیزاده که پسرش داماد دعاگو است گفته است: حکومت احمدی نژاد بساط خود را پهن کرده است و ما از هر جا که می خواهیم رد شویم می گویند پایتان بر بساط ما گذاشته آید. ما می گوئیم آقای احمدی نژاد به حکومتت بگو که بساطش را جمع کند. مگر می شود حکومتی اینقدر تمامیت خواه باشد که برای هیچ کس قلمروئی باقی نگذارد..

* منسوبان ذوالقدر مقام می جویند:

◀ در ۱۶ مهر، نوروز خبر داده است: یکی از دامادهای محمدباقر ذوالقدر، عضو چند وظیفه ای سازمان ترور، بدون طی کردن مراتب دستگاه دیپلماسی، به زودی بعنوان سفیر به یک کشور خارجی اعزام خواهد شد.

پیش از او، یکی دیگر از بستگان نزدیک ذوالقدر به استاندار خوزستان منصوب شد. این انتصاب گویای شدت برخورد میان باند محس رضائی و باند ذوالقدر در سپاه است. مقام بخشیدن به اعضای خانواده های مافیائی که احمدی نژاد را به ریاست جمهوری رسانده اند، از ویژگی های بارز حکومت احمدی نژاد است. در ابتدای کار احمدی نژاد و حکومت او، او خود مدعی شد که به حکومت خانواده ها پایان می بخشد. اما خود تار عنکبوتی از رابطه های شخصی تنید تا مگر بتواند حریف تار عنکبوت های دیگر بگردد.

انقلاب اسلامی: قرار بود دولت دینی شود اما دین دولتی شد. جدائی روحانیت از دولت و استقلالش از دولت، فرآورده تجربه تاریخ بود. این جدائی و استقلال فدائی قدرت طلبی ملاتاریا شد و غیر از آنکه بودجه دولت را یکسره وابسته به درآمد نفت و اقتصاد مسلط خارجی کرده است، بخش عمده ای از آن را صرف دولتی کردن روحانیت می کند:



روحانیت و دین دولتی و جریان پول نفت به جیبها:

◀ از زمانی که حکومت ولایت و قیبه خمینی بر سر کار آمد و روحانیان قدرت طلب چنگ نابکار خود را بر اموال مردم افکندند به جرات می توان گفت که تمام یا بخش عمده ای از سرمایه های مردم توسط این گروه فرصت طلب به یغما رفت.

هر سال که از انقلاب دور تر می شد بیم و بچه های آنان بزرگتر می شدند، چپاول آنها بیشتر می شد. تا زمانیکه بچه های آنان بزرگ نبودند تنها هزینه های خود و نزدیکان آنها بر دوش مردم بود. از زمانی که آقا زاده ها و حاجی زاده ها با به عرصه اقتصاد و اختلاس نهادند فشار بر مردم بسیار بیشتر شد. چون این آقا زاده ها متوجه شدند با توجه به قدرتی که آقا و آیت الله و حاجی دارد می توانند از سرمایه های مردم به صورت بی حساب برداشت نمایند.

نگاهی به خانواده های خامنه ای - هاشمی رفسنجانی - جنتی - خزعلی - واعظ طبری - یزدی - موسوی اردبیلی - مقتدایی - محمد یزدی - مشکینی - فاضل لنگرانی - نوری همدانی - مصباح یزدی و ... که بندهای متوجه می شویم این خانواده ها چه بر سر اموال و دارایی های مردم آورده اند و هر چه در توانشان بوده است از این مردم به یغما برده اند.

* خورد و پردهای بی حساب در « ستاد اموال امام »:

◀ به تازگی نیز بعد از گند کار بنیاد مستضعفان نوبت به کثافت کاری ستاد اموال امام شد: صدها میلیارد تومان در آن توسط این از خدا بی خبران به یغما برده شده است.

اطلاعات نشان می دهد که دهها هزار خانه و مغازه و آپارتمان و صدها هزار متر زمین از اموال مردم که توسط این ستاد جمع آوری شده بود در میان خودی ها به صورت قسطنی تقسیم شده است. اینقدر این آش شور شده است که صدای آشپز را هم در آورده است. برخی اطلاعات نشان از سرمایه های میلیاردی تومانی در حساب برخی از افراد شاغل در این ستاد می کنند اما برای اینکه افشا نشود دستور داده اند که حسابهای آنها فعلا متوقف باقی بماند.

سأله است که برخی از نمایندگان مجلس تلاش دارند تا قانونی برای بررسی اموال سران رده بالای کشور به تصویب برسانند تا بر اساس آن بتوانند حساب و کتاب افراد را قبل از یافتن سمت و پست و بعد از آن محاسبه نمایند. اما هر بار این لایحه به مخالفت کسانی چون جنتی و یزدی و لاریجانی و ... دیگران می خورد و مورد تأیید قرار نمی گیرد. زیرا در آن صورت جنگ افشای مفسدان کاسه و کوزه همه دزدان را بر هم می زند.

پول نفت را خرج می کنیم!؟

را به سختی به دست می آورد و روزی از تشنگی آب جوی کف خیابان را خورد؟ آیت الله دعاگو می گوید برای بدست آوردن در آمد مجبور بود زیاد روضه بخواند. آیت الله ناطق نوری می گفت: برای تحصیل خرج زندگی نماز قضا و روزه قضای مردگان را می خواند و می گرفت.

و... حال این همه سرمایه و این همه ریخت و پاش را اینها از کجا به دست آورده اند؟

این دزدی ها که این خانواده های فاسد روحانی و سرداران فاسد حاجی های دزد می کنند به جز سرمایه هایی است که از طریق بودجه مملکت در اختیار آنها گذارده می شود:

* قرار بود دولت دینی بشود ممکن نبود و دین دولتی و بودجه دولت منبع خورد و برد شد:

این دین دولتی بر اقشار آسیب پذیر جامعه فشاری طاقت شکن وارد می کند:

مگر نباید هزینه های حوزه های علمیه و مراکز دینی از سهم امام پرداخت شود و دستگاه روحانیت از دولت مستقل باشد؟ سهم امام چه می شود؟ به کدام حسابها ریخته می شود و چه کسانی از آن منتفع می شوند؟ ثروتی که از آیه الله خوئی ماند و حساب بنیاد خوئی به اطلاع چه کسی می رسد؟ با وجود درآمدهای نفت که ثروت ثروتمندان را دهها برابر کرده است و رقمهای سهم امام ها که داده می شوند، بزرگ شده اند، چرا اینهمه هزینه بار بودجه کشور شده است؟

بودجه ها که در زیر آورده می شوند به جز پولهای زیر میزی هستند که به آیات عظام و حجج اسلام و دیگر سرداران و حاجی ها پرداخت می شوند. به جرات می توان گفت که هر کدام از این آیات عظامی که وابسته به دولت هستند دهها موسسه و مجوز و امتیاز واردات و صادرات و خرید و فروش و تخفیف دولتی و ... را کسب کرده اند.

به جرات می توان گفت که اکثر نمایندگان مجلس در طول ۴ سال تنها چیزی را که در فکر به دست آوردنش هستند اموال بی حساب و کتاب و امتیازهایی است که از قبل نمایندگی خود می توانند به دست آورند. به جرات می توان گفت که سرداران سپاهی که در روزهای اول انقلاب ادای سرباز امام زمان و حرکت بسیجی وار و علی وار را در می آوردند در حال حاضر راضی باشند که حقوقی کمتر از ۱۰ میلیون تومان در ماه داشته باشند. اگر این گونه باشد که نمی توانند به مایه بازی خود ادامه دهند.

* ۳۷/۷ میلیارد ریال برای مرکز مدیریت حوزه علمیه قم:

◀ مرکز مدیریت حوزه علمیه قم از مراکزی است که در کار ایجاد توطئه و بحران از سرآمدهای روزگار است این مرکز از مهمترین کارهایی که انجام می دهد ایجاد بوتن های خاصی است که تهیه می کند و برای علما و ائمه جماعت ارسال می دارد تا آنها بتوانند با برنامه فحاشی های خود را نسبت به دیگران شروع نمایند.

سؤال اینجاست که این سرداران که سرمایه آنها یک صدم برخی از آیات عظام هم نمی شود به چه کاری مشغول بوده اند که روزانه سه میلیون تومان در آمد داشته اند یعنی تقریباً برابر با حقوق یک سال معلم آموزش و پرورش آنها تنها در یک روز. بگذریم قصد داریم تا حساب و کتاب سرمایه هایی را که به حساب تبلیغات دینی گذاشته شده است را بدست دهیم و ببینیم که این بودجه صرف چه کارهایی می شود:

* کل بودجه برای این مراکز به تومان برابر است با ۲۵۲ میلیارد تومان به شرح زیر:

• ۳۳۱/۹ میلیارد ریال برای شورای عالی حوزه علمیه قم:

◀ شورای عالی حوزه علمیه قم که مشکل از چند تن از علمای وابسته به دولت است و بر اساس اطلاعات کار آنها تشکیل جلساتی برای توجیه برخی از علما و ائمه جماعت برای هماهنگی در سرکوب و بسط استبداد است. این تعداد انگشت شمار بودجه ای ۳۳/۲ میلیارد تومان در اختیار دارند. این بجز حقوق و درآمدهایی است که به صورت مختلف به آنها واگذار می شود و به جز پول زیر میزی است که از بیت به آنها پرداخت می شود.

• ۳۵۰ میلیارد ریال برای مرکز خدمات حوزه علمیه قم:

◀ مرکز خدمات حوزه علمیه قم مشغول به چه کاری است که ۳۵۰ میلیارد تومان هزینه دارد؟ مشغول است به کارهای زیر:

- تشکیل بسیج حوزه ها
- تشکیل دفتر نظارتی بر کارهای طلبه ها
- تشکیل گروههای سرکوبگر و اطلاعاتی مخصوص به حوزه ها
- تشکیل کلاسهای عقیدتی سیاسی برای طلبه های وابسته
- پرداخت هزینه سرکوب برخی از علما و طلبه های غیر وابسته
- آماده سازی خانه هایی برای طلبه های وابسته
- هزینه هایی برای تشکیل برخی از دوره های آموزشی دانشجویان وابسته و...

• ۳۷/۷ میلیارد ریال برای مرکز مدیریت حوزه علمیه قم:

◀ مرکز مدیریت حوزه علمیه قم از مراکزی است که در کار ایجاد توطئه و بحران از سرآمدهای روزگار است این مرکز از مهمترین کارهایی که انجام می دهد ایجاد بوتن های خاصی است که تهیه می کند و برای علما و ائمه جماعت ارسال می دارد تا آنها بتوانند با برنامه فحاشی های خود را نسبت به دیگران شروع نمایند.

• ۲۳۸/۸ میلیارد ریال برای دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم:

◀ بعد از بودجه های بالا، نوبت به بودجه سازمان تبلیغات اسلامی قم می رسد. این سازمان از ردیف های دیگر نیز مبالغی می ستاند. اما امرحالب اینست که این سازمان غیر از این پولهایی که از ردیف های مختلف بودجه کل عایدش می شود، پولهای بسیاری را از:

سپاه پاسداران و بسیج سپاه پاسداران که بر سرمایه مردم چنگ انداخته اند دریافت می دارد. علاوه بر آن، بودجه هایی نیز از ستاد مبارزه با مواد مخدر و بیت رهبری و آموزش و پرورش و ستاد امر به معروف و نهی از منکر و اوقاف نیز دریافت می دارد.

کار این سازمان چاپ کتاب و تولید لوح های فشرده از دروس و سخنرانی ها و مداحی های افراد وابسته به حاکمیت و باندهای مافیایی می باشد. ۲۸۳/۳ میلیارد ریال بودجه سازمان تبلیغات اسلامی در حالی است که بسیاری از تبلیغات انجام شده از سوی مراکز دیگر به این سازمان واگذار می شود. از جمله طراحی و چاپ دهها هزار پوستر و بانر و بوتن های تبلیغاتی که برای سید حسن نصر الله در کشور چاپ و توزیع کرده است. همچنین این سازمان کار تبلیغ های دیواری در سطح شهرها و پرده نویسی هایی که حاوی شعارهای مردم فریب است را برعهده دارد.

• ۲۵/۵ میلیارد ریال برای شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی:

◀ بودجه شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی از بودجه هائی است که دولت فکر کرده است مردم کور هستند و نمی دانند یعنی چه؟ این شورا هم وابسته به بندهای فوق است همانگونه که با بند زیر نیز به نوعی در ارتباط است.

• ۱۰۳/۶ میلیارد ریال برای حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی:

◀ حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی از جمله محل هایی است که بودجه های بسیاری را از نهادها و سازمانهای دیگر جذب می کند تا بتواند هنر حاکمیت مطلقه فقیه را به مردم نشان دهد.

• ۳۵۶/۶ میلیارد ریال برای سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی:

◀ این بودجه عظیم برای سازمانی وابسته دولت گویای اهمیت این سازمان برای رژیم است. ریاست آن وابستگی فامیلی با مصباح یزدی دارد و از جمله سازمان هایی است که در فرستادن تروریست ها تحت عنوان رایزن فرهنگی نقش اول را دارد. به



عنوان نمونه می توان به این نکته اشاره کرد که رایزن همین سازمان بود که در جریان انفجار آرژانتین دخیل بود و از عوامل اصلی در بسیاری از ترورها و درگیری ها و بحران سازی ها افراد تحت پوشش از طریق این سازمان راهی کشورهای خارجی می شوند.

● ۲۹/۵ میلیارد ریال برای مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی:

◀ از جمله مجامعی که در سال یک یا دو جلسه برگزار می کند و کاری به جز ایجاد اختلاف میان مذاهب ندارد. این مجمع به رهبری تسخیری و همکاری علی اکبر ولایتی است که به جز این بودجه پولهای دیگری نیز به صورت گوناگون دریافت می دارد.

● ۵۴/۲ میلیارد ریال برای مجمع جهانی اهل بیت:

◀ مجمع جهانی اهل بیت نیز از همان مجامعی است که تنها هزینه ای را بر کرده مردم نهاده است و گرنه این مجمع هیچ سودی برای مردم ایران به ارمغان نیاورده است و نمی آورد.

● ۱۹۷/۸ میلیارد ریال برای مرکز جهانی علوم اسلامی:

◀ مرکز جهانی علوم اسلامی از جمله مراکزی است که کارش پرورش نیروهای وابسته به تخریب در دیگر کشورها است. این مرکز در جذب دانشجویان از کشورهای دیگر و تأمین هزینه های تحصیلی آنها کوشا است و علاوه بر آن، دانشجویانی را برای نفوذ در کشورهای دیگر به آن کشورها گسیل می دارد.

● ۳۳/۱ میلیارد ریال برای مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (زیر نظر مصباح یزدی):

◀ یکی از مراکزی که از هر سو به آن پول مفت بیت المال واریز می شود مؤسسه پژوهشی امام خمینی به رهبری مصباح یزدی است که در ردیف های دیگر بودجه نیز برای او حسابی جداگانه در نظر گرفته شده است.

همه می دانند که حسابهای دریافتی و برداشتی این نظریه ساز خشونت بسیار بالاتر از این بودجه ای است که در ردیف های بودجه گنجانده شده است. او به راحتی دهها برابر این مبلغ را از احمدی نژاد و خامنه ای می ستاند و واردات شکر و زمین خواری بدست می آورد.

● ۴۲۳/۵ میلیارد ریال برای ردیف متفرقه - کمک به اشخاص حقیقی:

◀ این بند دیگر از نمونه ها است یعنی پرداخت وجهی به افرادی که در هیچ بندی به آنها چیزی پرداخت نشده است و نیز پرداخت به عوامل

پول نفت را خرج می کنیم!؟

گفته است: «این موضوع به طور کامل متغی نیست، ولی هیچکس نمی تواند پیشرفت این فن آوری (در ایران) را ممنوع سازد. پافشاری ایران بر غنی سازی اورانیوم تصمیمی تغییر ناپذیر نیست و این امکان وجود دارد که زمانی دولت جمهوری اسلامی تصمیم به تعلیق غنی سازی اورانیوم بگیرد.

* روسیه تحویل سوخت اتمی نیروگاه بوشهر را موکول به شفاف سازی لازم از سوی ایران می کند و دیپلماتی می گوید: خیال ندارد ساختمان نیروگاه را کامل کرده تحویل دهد:

◀ در ۸ اوت ۲۰۰۷، خبرگزاری آسوشیند پرس به نقل از یک دیپلمات اروپایی گزارش داده است: مسکو به تهران هشدار داده است سوخت هسته ای را به بوشهر ارسال نمی کند مگر اینکه تهران در مورد فعالیت های هسته ای گذشته اش شفاف سازی کند.

یک مقام آمریکایی نیز گفته است: روسیه به دیگر تعهداتی که به ایران اجازه می دهد راکتور هسته ای بوشهر را فعال کند عمل نمی کند. او ابراز عقیده کرد که این تهدیدها تلاشی است برای اعمال فشار بر تهران تا پایبندی های بیشتری به درخواست های امنیت شورای سازمان ملل نشان دهد.

مسکو همچنان از نیروگاه بوشهر - که تکنسین های روسی در حال ساخت آن هستند - به عنوان یک اهرم استفاده می کند. دیپلمات اروپایی که ابتدا از آن یاد شد روز سه شنبه گفت که مقامات روسی به ایرانی ها حدود دو هفته قبل گفته اند ارسال سوخت روسی برای راکتور بوشهر مادامی که پرسش های هسته ای بی پاسخ بمانند، به تعویق خواهد افتاد.

* علت به تأخیر انداختن تحویل نیروگاه اتمی بوشهر بمدت یک سال دیگر:

◀ بنا بر اطلاع، روسها چند هفته قبل به ایران آمده اند. در جلساتی غیر علنی با مقامات رژیم، به اینها گفته اند: شرایط برای ایران خوب نیست و ما آمده ایم تا با موافقت شما، از سوی شما، تضمین هایی را که شورای امنیت از شما خواسته است، بدهیم. ولی این مقامات گفته اند: ما آماده گفتگو هستیم اما از پیش تضمین نمی دهیم. به همین دلیل بود که روسیه نیز در مقابل ایران تغییر رویه داده و تحویل نیروگاه را بمدت یک سال دیگر به تعویق انداخته است.

* قطعنامه سوم مجازات ایران میان اعضای شورای امنیت توزیع شده است و در ماه

سپتامبر به رأی گذاشته خواهد شد:

◀ در ۹ اوت، ژروزالم پست از قول مقامات آمریکایی و اسرائیلی، گزارش کرده است که قطعنامه سوم شامل مجازاتهای بیشتری که می باید در باره ایران اعمال شوند، تهیه و میان شورای امنیت توزیع شده است. این قطع نامه در ماه سپتامبر در شورای امنیت موضوع بحث و تصویب خواهد شد.

معاون وزارت امور خارجه آمریکا در امور سیاسی، نیکولا برنس، در ۶ اوت گفته است: چین رغبتی به مجازات ایران از سوی شورای امنیت علیه ایران نشان نمی دهد. چینی ها همچنان کمتری به مجازات ایران ابراز می دارند. آنچه ما به چینی ها گفتیم این بود: ما نیاز داریم یکصد باشیم. و وقتی یک کشور بزرگی مثل ایران در پی تولید اسلحه اتمی است و این برخلاف خواست جامعه بین المللی، موضوع به شما مربوط می شود. شما می باید به ما کمک کنید ایران را از این کار باز داریم.

مقامات اسرائیلی می گویند: سابق، هرگاه روسیه با تصویب قطعنامه ای موافقت می کرد، چین نیز چنین می کرد. اما حالا این طور نیست. حالا کشورهای بیشتری می باید پا در میانی کنند تا چین با قطعنامه ای موافقت کند.

* اورانیوم گران می شود و منبع جدید انرژی دارد کشف می شود!؟

◀ لوموند (۴ اوت ۲۰۰۷) خبر از گران شدن روز افزون اورانیوم می دهد:

هم اکنون « شاهان نفت » را داریم . باسافرا « پادشاهان اورانیوم » را پیدا کنیم. هم اکنون میان نیجریه، پنجمین تولید کننده اورانیوم در جهان و شرکت فرانسوی آروا، کشماکش پدید آمده است. دولت نیجریه این شرکت را به حمایت از شورشیان شمال این کشور متهم می کند. در ۴ اوت، وزیر تعاون فرانسه به نیامی رفت تا شرکت و دولت نیجریه را با یکدیگر آشتی دهد. نیجریه دومین فروشنده اورانیوم به فرانسه است و اگر فروش این مواد گرانها به فرانسه قطع شود، شرکت گاز و برق فرانسه ناگزیر است تعداد از ۵۸ نیروگاه اتمی فرانسه را تعطیل کند.

بهای اورانیوم سخت افزایش یافته است: ۳ سال پیش، بهای هر پوند (۴۰۰ گرم) آن ۱۰ دلار بود و اینک ۱۵۰ دلار است. و بتدریج که نیازها بیشتر می شوند، قیمت اورانیوم نیز افزایش می یابد. نیجریه مشتری های زیادی را پیدا کرده است: چینی ها، کانادایی ها و استرالیاییها. بنا بر این، به خود اجازه می دهد قیمت بیشتری مطالبه کند.

منابع اروانیوم در جهان بسیارند اما ظرف ۲۰ سال گذشته، سرمایه گذاریهای لازم برای استخراج معاون اورانیوم بعمل نیامده اند.

تقاضاهای نیروگاههای امریکا، آلمان، فرانسه، ژاپن، چین و حتی روسیه موجب بالا رفتن قیمت اورانیوم می شود.

◀ خبرگزاری فرانسه در ۹ اوت، گزارش کرده است که « مرکز ملی تحقیقات علمی فرانسه » در همین روز اعلامیه ای، منبع جدید برقی را کشف کرده است که برق خود رو و ماشین های فردا را تأمین می کند. نخستین nanogenerateur طراحی شده است. هدف ساختن سامانه (سیستم) های nano-electro-mecaniques (NEMS) است.

عناصر ترکیب کننده آن عنصرهای مکانیک و الکترونیک هستند که از این پس به مقیاس nanometer (یک میلیاردیم متر) برآورد می شوند. تا بحال، معیار سامانه های میکرو - الکترو - مکانیک (MEMS) بود. عناصر مرکبه آن را بمقیاس میکرو متر، یعنی هر بار بزرگ تر، ارزیابی می کردند.

دومین خاصه آن اینست که برای اولین بار این MEMS ها دیگر فعل پذیر نیستند. یعنی این که نیاز به آن به یک منبع خارجی جریان برق متناوب ندارد.

این منبع انرژی در خود روها و خطوط ارتباطی کار برد خواهد داشت. این نانوپنراتور جریان برق متناوب که در آزمایشگاه فیزیک ماده متراکم و نانواستروکتورهای شهر لیون اختراع شده است، در خود رو و خطوط ارتباطی کار برد خواهد داشت.

برای این که چنین کاربردی را پیدا کنند سامانه ها باید خود کار شوند و برای این که سامانه ها خودکار شوند، عنصری که اضافه می شود باید خود منبع انرژی خویش را داشته باشد. از این رو در جستجوی آند که عنصری مرکبه بیش از پیش کوچک باشد و مصرف انرژی آن هرچه کمتر باشد تا نیاز نباشد که باتری ها را هر دو روز یکبار تغییر داد.

* برنارد لاپونش، متخصص انرژی اتمی در لیبراسیون (۱۱ اوت) گزارش می کند چرا نیروگاههای اتمی واجد بیشترین خطر هستند:

● این راست است که نیروگاههای اتمی برای هر کیلووات برق، کمتر گاز کربنیک متصاعد می کنند: ۶ تا ۳۰ گرم CO2 در هر کیلووات است. در مقایسه با برق حاصل از سوخت ذغال سنگ که ۴۰۰ گرم است، بسیار کم است. یک کیلووات برق حاصل از سوخت گاز، ۲۰۰ گرم CO2 است. در مقایسه با نیروگاه گازی نیز، گاز کربنیک که سوخت اتمی تولید می کند باز کم است. با وجود این، برقی که نیروگاه گازی با چرخش ترکیبی تولید می کند تنها موجب بیشتر شدن ۱۸ درصد تولید گاز کربن و ۱۲ درصد بیشتر گاز دارای اثر گلخانه ای می شود. این امر نشان می دهد که راه حل عمومی دیگر است.

حق با آلمان است که می خواهد به تولید برق توسط نیروگاه های اتمی پایان بدهد و به سراغ تولید برق قابل تجدید و بی زیان برای طبیعت است. و فرانسه برخط است که تنها به نیروگاه در صفحه ۸



اتمی چشم دوخته است واز پیشرفت در تکنولوژی برای تولید قابل تجدید برق بازمانده است. بعلاوه، از لحاظ تأمین سوخت اتمی و حمل و نقل آن که ۹۰ درصد به نفت اختصاص دارد، پر خطر است. و نیز اگر نیروگاه اتمی بلحاظ تولید کمتر گاز کربنیک ریحان دارد از لحاظ آسیب پذیری و خطرها، از رقابت با نیروگاههای دیگر، ناتوان است: سانحه هاو حادثه ها، زباله اتمی، پخش رادیو آکتیو. از این نظرها، تولید برق تجدید پذیر هیچیک از این خطرها را دربر ندارد.

● تولید برق از منابع تجدید پذیر در مقایسه با تولید برق توسط نیروگاههای اتمی، ناچیز نیست. بنا بر برآورد آژانس بین المللی انرژی در سال ۲۰۰۴، حدود ۱۲/۸ درصد برقی که نفت و گاز بدست می آید از منابع تجدید پذیر بوده است. حال آنکه برقی که نیروگاههای اتمی تولید کرده اند، تنها ۶/۵ درصد برق حاصل از نفت و گاز بوده است. از لحاظ تولید برق در جهان، ۱۸/۲ درصد از منابع تجدید پذیر (آب و باد و...) و ۱۵/۷ درصد از اتم است.

● در فرانسه، برقی که نیروگاههای اتمی تولید می کنند ۷۸ درصد برقی است که تولید می شود، اما برق تنها ۲۲ درصد انرژی است که در فرانسه مصرف می شود. سهم برق از اتم، ۱۷ درصد مصرف نهائی انرژی است. اما در آنچه به نیروگاههای جدید برق مربوط می شود، بطور متوسط در طول سالهای ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۴، اتمی ۳ و بادی ۵ و آبی ۱۰ و نفت ۵ و ذغال سنگ ۲۵ و گاز ۵۰ درصد بوده اند.

● تا زمانی که تکنولوژی سه خطری که آژانس بین المللی انرژی خاطر نشان می کند، یکی سانحه و حادثه و دیگری زباله اتمی و انتشار رادیو آکتیو را رفع نکرده است، تقاضا برای نیروگاه اتمی پا نمی گیرد. چین می گوید بنا دارد ظرف ۲۰ سال، ۴۰ نیروگاه اتمی بسازد. اما می خواهد ۷۰۰ نیروگاه برق نیز که سوخت آن ذغال سنگ است، بسازد. هرگاه بنا بر با گرفتن تقاضا برای نیروگاه اتمی بشود، بطور قطع برای نیروگاه های موجود نخواهد شد. در فرانسه، نیروگاه های نسل دوم کار می کنند که تکنولوژی آنها، تکنولوژی سالهای ۶۰ است. این نیروگاهها واحد سه خطر بالا هستند. اما نسل چهارم، از فرانسوی ها ژنراتوری است که با پلوتونیوم و سدیم کار می که هردو سوخت خطرناک هستند و راه حل درخوری بشمار نمی روند.

● و تکلیف زباله اتمی چه می شود؟ قدرتهای اتمی می بینند که زباله های اتمی روی دستشان مانده است. این زباله ها را در زیر زمین در استخرها و یا در انبارهای خشک انبار می کنند. زباله های با تشعشع رادیو آکتیو ضعیف و حجم بزرگ نیز در روی زمین انبار می کنند. مخالفان می گویند: نمی توان زباله ها را در اعماق زمین انبار کرد زیرا نمی دانیم ظرف ۳ تا ۴ هزار سال آینده زمین چه فعل و انفعالی بخود خواهد دید.

● و با انتشار رادیو آکتیو چه خواهیم کرد؟ دو خطر وجود دارند: دولت ها و تروریست ها. هر کشوری که تکنولوژی اتمی غیر نظامی دارد می تواند بمب اتمی نیز بسازد. اگر کشوری بتواند اورانیوم را غنی کند و یا بتواند از سوخت اتمی پلوتونیوم به دست آورد، می تواند بمب اتمی بسازد. اما در آنچه به خطر تروریست ها مربوط می شود، باید گفت: اگر

پول نفت را خرج می کنیم!؟

تروریست ها بتوانند اورانیوم غنی شده و یا ماده اولیه دارای رادیو آکتیو بدست آورند، کافی است آن را با مواد منفجره معمولی مخلوط کنند تا بمب کثیف دارای توان کشتار جمعی بسازند.

● برق اتمی راه حل آینده نیست:

هیچکس از نوع بازاری که بازار اورانیوم است اطلاع ندارد. هنوز سهم برق اتمی در برقی که در جهان تولید و مصرف می شود، ناچیز است. وقتی کشوری بنا می گذارد بر ایجاد یک نیروگاه اتمی، مسئله ها و تکرانی ها نیز پدید می آیند: همه این نیروگاه ها واجد بیشترین خطر هستند. وقتی که یک نیروگاه را بر می چیند، دست کم سالها بعد نیز خطر ادامه دارد. بسا برای زمانی دراز خطر برجا می ماند. در فرانسه، ۵۸ نیروگاه اتمی را می باید برچید.

● حال آنکه تولید برق می باید کاری ساده و با دوام و بخصوص بدون خطرهای عظیم باشد. انقلاب اسلامی: و احمدی نژاد می گوید تا ۵۰ سال هیچ چیز نداشته باشیم مگر تکنولوژی اتمی، می ارزد!

* ۱۴ ماه بعد از پیشنهاد مذاکره

به ایران از سوی کندولیزا رایس

، دیپلماسی هویج و چماق برای

آنکه ایران دست از بلند

پروازیهای اتمی و منطقه ای

خود بردارد، دست زدن به

اقدامی حاد، از جمله بکار بردن

قوه نظامی را ناگزیر کرده است:

◀ واشنگتن پست (۹ اوت ۲۰۰۷)

گزارش نسبتاً مفصلی به سیاست آمریکا در قبال رژیم مافیاهای نظامی - مالی انتشار داده است و اجدا این نکات:

● بحثها در باره روشی که حکومت بوش باید در پیش بگیرد، در جریان هستند. این بحثها هنوز در مراحل ابتدائی هستند اما لحنی که فکرسازان و سیاستمداران بکار می برند آشکار می کند که در ۱۷ ماهی که از حکومت بوش باقی مانده است، حکومت او روش تهاجمی تری را در باره ایران بکار خواهد برد:

● یکچند برآند که باید گذاشت دیپلماسی کار خود را بکند. اما ویلیام کریستول، سردبیر ویکی استاندرد که مدافع جنگ عراق نیز بود، می نویسد: بشرط آنکه دیپلماسی نتایجی را ببار آورد. یک سال است که خانم رایس با گفتگو با ایرانیها، هرگاه آنها قرار سازمان ملل را بپذیرند، موافقت کرد. اما حاصلی جز این ببار نیاورد که فرصتی در اختیار ایران قرار گرفت برای به انجام رساندن برنامه اتمی خود.

● رایس و روبرت گیت، وزیر دفاع، مجازات های اقتصادی و فشار از راه سازمان ملل را رویه کردند. اما بولا بخش کوچکی از حکومت بوش جانبدار حمله نظامی به ایران شده است هرگاه ایران تن به تعلیق غنی سازی اورانیوم ندهد. بخاطر وضعیت عراق، فشار برای برای اتخاذ سیاست

قاطعی در قبال ایران بیشتر می شود. از ماه مه بدین سو، که نخستین گفتگوهای آمریکا و ایران مانع از حمایت ایران از چریکهای عراقی که به قوای آمریکا حمله می کنند، نشد. بنابر قول مقامات آمریکا مواد منفجره که مقامات آمریکا می گویند از ایران وارد عراق می شوند عامل یک سوم تلفات قوای آمریکا در ماه گذشته، در عراق هستند.

● بحثها بر سر حمله به ایران با سرانجامی که صدور قطعنامه ها و گفتگوها در باره برنامه اتمی ایران پیدا کرد، شروع شدند. رویه ایران در عراق، سوریه، لبنان و فلسطین فکر حمله به ایران را بازهم تقویت کرده است. سرهنگ بازنشسته، اوگوستوس ریچارد نوترون که اینک در دانشگاه بوستن استاد است می گوید: این عوامل فکر تغییر رژیم را نیز تقویت کرده است.

● زمان بندی نیز انجام گرفته است کنت کاتزمن متخصص خاورمیانه در مرکز تحقیقات کنگره آمریکا، می گوید: انطور که من شنیده ام، بر سر دادن وقتی بیشتر به شورای امنیت، تا بهار ۲۰۰۸، اجماع وجود دارد. در آن تاریخ، حکومت بوش ارزیابی خواهد کرد آیا می باید گزینه های دیگری را بکار برد یا خیر؟

● سوزان مالونی، کارشناس سابق ایران در وزارت امور خارجه، که فعلاً در مؤسسه بروکینگز کار می کند، می گوید: بسیاری از مدافعان رویه کردن سیاست سخت گیرانه در قبال ایران، وقتی حکومت بوش با بحران اعتماد در درون کشور روبرو می شود، صدای خود را در اعتراض به روش دیپلماسی بلند تر و فشار خویش را اتخاذ روش تهاجمی شدید تر می کنند. از دید آنها، گزینه درخوری که باید جایگزین شود، فرو ریختن بمب است.

● تمامی آنها که خواستار اتخاذ سیاست سخت گیرانه در قبال ایران هستند، خواهان بکار بردن قوه نظامی بر ضد ایران نیستند. می گویند سیاست جاری رفتار ایران را تغییر نداده است. با مشاهده رویه ایران در عراق، آنها تردید ندارند که ایران در کار تولید اسلحه کشتار جمعی و سلطه بر منطقه است.

● مایکل رویین عضو مؤسسه امریکن اینترپرایز، بتازگی نوشته است: این پندار که ایران خواستار تثبیت وضعیت در عراق است، ساده لوحانه و خطرناک است. منابع آمریکا و ایران در عراق متضاد یکدیگر هستند و این تضاد ادامه پیدا می کند تا که یک طرف برنده و طرف دیگر بازنده شود. دیپلماسی یک سراب است و سیاست آمریکا را از توجه به سپاه پاسداران و هدفهایی که ایران در عراق تعقیب می کند، باز می دارد. برای موفقیت در عراق، نه در پی توافق سیاسی شدن با ایران استراتژی آمریکا در عراق باید شد.

● مؤسسه واشنگتن برای مطالعات سیاسی در باره خاورمیانه، مطالعه جدیدی زیر عنوان « Deterring the Ayatollahs » انتشار داده است. در آن، از مجازاتهای اقتصادی و دیپلماسی حمایت شده است. اما از شرکت کنندگان در این مطالعه، پاتریک کلاسون و مایکل الیزنستات بر این نظر هستند که ایران مجهز به

قصد ورود در باشگاه اتمی را داریم و نه هاشمی رفسنجانی از داشتن طرح برای مقابله با حمله آمریکا می باید دم می زد. در عوض، می باید افکار عمومی جهان را متقاعد می کردند که ایران صلح جو است و قصد جنگ افروزی را ندارد. در مورد عراق نیز وقتی گفتگو با آمریکا را می پذیرد، نباید هم چوب را بخورد و هم پیاز را:

گفتگوها بر سر عراق

قرین شکستند؟ یا

تصمیم بر توافق

استوار است؟:

آیا گفتگوها بر سر عراق برداشتن یک قدم اساسی در راه عادی کردن رابطه با آمریکا است؟ سفر مالکی به ایران و سوریه یا گویای آنست که این قدم برداشته شده یا برداشته نشده است؟:

* استراتفور: توافق آمریکا با

ایران مهمترین رویداد است اما

تثبیت وضعیت در عراق نیاز به

همکاری سوریه و عربستان نیز

دارد:

◀ استراتفور (۷ اوت) بر این نظر است که دور سوم گفتگوهای ایران و آمریکا ورود دو طرف به مرحله عادی کردن رابطه و بسا همکاری است. جز این که دو طرف بخاطر نزدیک به سه دهه تبلیغات بر ضد یکدیگر، می باید افکار عمومی را آماده قبول توافق با یکدیگر بکنند.

در گفتگوها بر سر چگونگی ایجاد کمیسیون سه جانبه امنیت عراق که در ۶ اوت انجام شدند، از سوی ایران حسین امیر عبداللهیان و از سوی آمریکا مارسسی ریس Marcie Ries مشاور وزیر در امور سیاسی و نظامی، شرکت داشته اند.

این امر که کار به گفتگو در سطح چگونگی تشکیل و کار کمیسیون انجامیده است، بدان معنی است که در سطح سیاسی، توافق بعمل آمده و تصمیم گرفته شده است.

از این رو است که ایران دارد به گروههای عراقی شیعه توضیح می دهد که چه چیز را روا می بیند و چه چیز را روا نمی بیند. چرا که پذیرفتن یا نپذیرفتن توافق ایران با آمریکا از سوی این گروهها موجب موفقیت یا ناکامی توافق می شود.



◀ استراتفور (۸ اوت) تفسیر سیاسی دومی را انتشار داده است . در این تفسیر نیز گفته است :

روز سه شنبه (۷ اوت) ، یک روز بعد از گفتگوهای کارشناسان امریکائی و ایرانی ، یکی از آن روزها است که از لحاظ کوشش امریکا برای جلب همکاری کشورهای منطقه بقصد تثبیت وضعیت عراق ، می توان آن را روز امید خواند .

در تفسیر ژئوپلیتیک پیشین خاطر نشان کردیم که ورود امریکا و ایران به مرحله گفتگو بر سر چگونگی کار کمیسیون امنیت عراق رویدادی مهم است . اما در منطقه ، جز ایران ، کشورهای دیگر نیز هستند که در تثبیت وضعیت عراق نقش کلیدی دارند : عربستان سعودی ، سوریه و ترکیه از آن جمله اند .

● عربستان مهم است زیرا رقیب ایران هم در منطقه و هم در جهان اسلام است . در میان سنی ها عراق نیز نفوذ دارد . علاوه بر این ، اکثریت جهاد گرایان را اتباع عربستان تشکیل می دهند .

● ترکیه نقش مهم دارد بلحاظ این که قسمتی از خاکش کرد نشین هستند و با منطقه کرد نشین عراق مرز مشترک دارد .

● و سوریه نقش مهم دارد هم بدین خاطر که علویها و بعضی ها بر آن حکومت می کنند و با عناصری از بعضی ها عراق پیوند دارد و از طریق مرزهایش با عراق ، سنی های عراق آمد و شد می کنند و اسلحه و غیر آن وارد عراق می کنند .

اما همه این کشورها یعنی امریکا ، ایران ، ترکیه ، سوریه و عربستان ، هیچیک به تنهایی قادر به تثبیت وضعیت در عراق نیستند . هر یک نیز ابزار لازم را برای آنکه روزگار دیگری را در عراق سیاه کند ، در اختیار دارند .

پس باید امریکا بتواند همکاری همه این کشورها را برای تثبیت وضعیت در عراق بدست آورد . روز ۷ اوت مهم است . زیرا

● در این روز ، شاهزاده سعود الفیصل ، وزیرا خارجه عربستان گفت :

در ۱۲ اوت ، هیأتی را روانه بغداد می کند تا سفارت عربستان در عراق را باز بگشاید . پیش از آن ، در ماه ژوئیه یک هیأت عراقی به ریاض رفته بود تا کمک عربستان را در مبارزه با تروریستها در عراق بدست آورد .

تصمیم عربستان به بازگشائی سفارتش در بغداد ، حاکی از اینست که آماده همکاری شده است هرچند بلحاظ منافع آتیش در عراق ، خوشحال وارد همکاری نمی شود .

● و در آنکارا ، مالکی ، نخست وزیر عراق ، موافقت نامه ای را با نخست وزیر ترکیه ، رجب طیب اردوغان ، در باره برچیدن پایگاه های چریکهای کرد ترکیه در خاک عراق ، امضاء کرد . کردها امضای موافقت نامه را تأیید می کنند اما تردید دارند مالکی بتواند آن را اجرا کند . هوشیار زباری وزیر خارجه عراق که کرد است همراه مالکی به آنکارا رفته بود .

● سوریه نیز اعلام کرد که وزیر کشورش در تاریخ ۸ اوت ، در بیرون از دمشق ، اجتماعی با شرکت هیأتیهای نمایندگان کشورهای امریکا ، عراق ، انگلستان ، ایران ، ترکیه و اردن تشکیل می دهد . هدف از آن ، ترتیب دادن بستن مرزهای سوریه و عراق بر روی شورشیان و بر چیدن پایگاههای آنها در خاک سوریه است .

پول نفت را خرج می کنیم !؟

همه می دانند که پ.ک.ک و حزب زندگی آزاد کردستان در کوه قندیل ، در شمال عراق ، در کنار یکدیگرند و ناظران می گویند این دو سازمان را نمی توان از یکدیگر باز شناخت .

دیدار احمدی از واشنگتن و رفتار حکومت امریکا با او و سازمان تحت رهبری او سوء ظن ترکیه را نسبت به قصد امریکا از بکار بردن این دو سازمان برای تغییر رژیم در ایران ، بر می انگیزد

◀ بنا بر اطلاع واصل از ایران ، امیدی که استراتفور ابراز می کند ، بی جا نیست . سفر مالکی به کشورهای ترکیه ، سوریه و ایران گویای وجود توافق ها میان امریکا و کشورهای همسایه عراق است .

انقلاب اسلامی : با وجود این ، نظرهای بدبینانه نیز ابراز شده اند :

گفتگوها بر سر گروه رجوی و کردها - آیا ایران با انتقال افراد گروه رجوی به مراکش موافقت کرده است ؟ :

◀ در ۹ اوت ، رویتر گزارش کرده است که قوای سوریه حملات شدیدی را به گروههای اسلام گرا عراق وارد سوریه می شوند و پس از انجام عملیات به پایگاههای خود در خاک عراق باز می گردند .

این اولین بار است که سوریه از فعالیت مسلحانه گروههای اسلام گرا در خاک خود و اقدام نظامی بر ضد آنها ، سخن می گوید . محمد منصوره ، رئیس شاخه امنیت سیاسی در سازمان اطلاعات و امنیت عراق می گوید : قوای مرزی ما ۱۰۰ حمله مسلحانه را به خود دیده اند . ۶ سرباز کشته و ۱۷ سرباز زخمی شده اند .

قوای امنیتی سوریه طرحهای بسیاری را ختنی کرده اند از جمله طرح حمله به سفارت سوریه در دمشق را در سال گذشته . او اتهام امریکا را (سوریه گروه های مسلح را به داخل عراق می فرستد) رد کرد و گفت : ما گروههای مسلح اسلام گرا هم برای عراق و هم برای سوریه خطرناک هستند .

◀ مجله افریقای جوان در گزارشی (در فصل سوم آورده شده است) یکبار دیگر کمکهای تسلیحاتی و مالی امریکا را به گروههای مسلحی خاطر نشان کرده است که در شرق و غرب ایران دست به عملیات مسلحانه می زنند .

◀ به گزارش نیوز ماکس (۳ اوت) ، کنت تیمرمن که از محافظه کاران جدید و مشغول آلترناتیو سازی برای رژیم مافیایا است ، رحیم حاجی احمدی ، رئیس « حزب زندگی آزاد کردستان » را به واشنگتن برده است . این شخص در واشنگتن گفته است :

برای جلب حمایت امریکا به واشنگتن آمده است . در صورتی که امریکا از ما حمایت کند ما جنبشی را در کردستان بر می انگیزیم که موج آن سراسر ایران را فرا خواهد گرفت . او می گوید تا بحال با حکومت امریکا تماس نداشته ایم . و از دیگر گروههای مخالف رژیم می خواهد به این گروه بپیوندد و به آنها وعده می دهد که در کوه های کردستان به آنها از لحاظ سیاسی و نظامی تعلیم خواهد داد .

۳۶۰۰ نفری خود را درعراق مستقر کرد . سرویس های اطلاعاتی امریکا از هنگام اشغال عراق نیروی نظامی مجاهدین را خلع سلاح کردند؛ اما آنها را در اردوگاه هایشان به حال خود گذاشتند . هر چند که ارتش چریکی مجاهدین خلق در لیست سازمان های تروریستی وزارت امور خارجه امریکا قرار دارد ، اما امریکائیان از اعضای آن برای انجام یکسری ماموریت در ایران استفاده می کنند .

در زمان ملاقات میان امریکا و ایران در بغداد ، مشاوران رهبر جمهوری اسلامی ایران آیت الله علی خامنه ای به من متذکر شدند که با پیشنهاد امریکا در خصوص انتقال اردوگاه های مجاهدین به مراکش مخالفت کرده اند . تنها خواستی که تهران در پی آن است ، نابودی کامل نیروهای شبه نظامی مجاهدین خلق می باشد و در حال حاضر می کوشد با اعمال نفوذ در چارچوب ملاقات هایی که صلیب سرخ میان اعضای مجاهدین خلق با خانواده های ایشان در عراق سازمان می دهد ، استفاده کرده و کسانی را که خواهان بازگشت به ایران هستند از عفو عمومی برخوردار سازند .

از بین بردن مجاهدین خلق می توانست مناسب ترین روش برای نشان دادن حسن نیت امریکا برای بهبود رابطه با ایران باشد زیرا که مجاهدین خلق تنها گروه تبعیدی است که دارای نیروی نظامی بوده و در ضمن خواهان سرنگونی جمهوری اسلامی است . به علاوه این گروه برای لابی امریکایی برای "تغییر رژیم" بسیار عزیز و به آن نزدیک شده است . علیرضا جعفر زاده رئیس ویتترین بیرونی مجاهدین خلق و شورای ملی مقاومت بطور دائم به کانال تلویزیونی "فوکس نیوز" دعوت می شود . او همان نقشی را بازی می کند ، که احمد چلبی در زمان آماده سازی حمله به عراق بازی می کرد . او در کنگره و وسائل ارتباط جمعی امریکا کارزار بمباران هسته ای نظنن را پیش می برد .

برداشت غالبی ، که بعد از یک هفته گفتگو با مسئولین سطوح بالای حکومت در تهران حاصل شد ، نشان می دهد که کلید سیاست خارجی و دفاع جمهوری اسلامی نه در دست احمدی نژاد بلکه در دست آیت الله خامنه ای و اعضای پراگماتیک شورای امنیت ملی است و آنها هستند که امور آن را به عهده دارند .

● البته اگر امریکا به این نتیجه برسد که جمهوری اسلامی را به رسمیت بشناسد ، باید خود را از دعوای درونی ایرانی ها ، میان تند روها و میانه روها کنار بکشد . اما جرج بوش خطای بسیار فاحشی مرتکب شد و آن اعلام رسمی تخصیص ۷۵ میلیون دلار برای "آزادی مردم ایران" بود . اعلام این موضع به تندروها در درون حکومت ایران اجازه دستگیری چهار شهروند ایرانی - امریکایی را داد . در ضمن تندروهای حکومت از هنگام تصمیمات و فشارهای اتخاذ شده مربوط به مسائل هسته ای همچون تحریم های سازمان ملل ، مزاحمت برای بانک های ایرانی و ارسال دو ناو هواپیمابر حامل

تجهیزات هسته ای در کناره آب های ایران ، تقویت شده اند .

● علاء الدین بروجردی رئیس کمیسیون امور خارجه در مجلس افغانستان ، آمادگی ایران را برای افزایش کمک های اقتصادی ، گسترش عملیات علیه باندهای مواد مخدر و نیز همکاری برای مبارزه علیه طالبان در افغانستان اعلام کرد . البته موضوعی که در اینجا گفته نشده این است که اگر امریکا به عملیات پنهانی علیه ایران ادامه دهد ، حکومت ایران هم می تواند برای تلافی به طالبان کمک رساند .

مذاکرات امریکا و ایران قرین شکست شدند - طرح دیگ چنی برای جنگ با ایران :

* سخنگوی وزارت خارجه امریکا می گوید : مذاکرات ایران و امریکا بر سر عراق به شکست انجامیده اند :

◀ در ۷ اوت ، مک کورمک ، سخنگوی وزارت امور خارجه امریکا ، در جمع خبرنگاران در واشنگتن گفته است : « دو دور گفتگو بین رایان کروکر سفیر امریکا در عراق و همتای ایرانیش (حسن کاظمی قمی) در بغداد و مذاکرات امنیتی سطح پایین تر نتایج مثبتی نداشته است . گفتگوهای دیپلماتیک با ایران برای توقف خشونت ها در عراق در حال شکست خوردن است »

وی با استناد به قول ژنرال ریموند اودرنو ، معاون فرمانده قوای امریکا در عراق گفته است : حملات در جاده ها بر ضد سربازان امریکایی که در آنها از بمبهای ضد زرهی استفاده می شوند ، افزایش یافته اند .

* دیگ چنی برای حمله نظامی به ایران فشار می آورد و طرح او برای این حمله :

◀ McClatchy Newspapers (۹ اوت ۲۰۰۷) گزارشی را انتشار داده است که سه روزنامه نگار ، وارن استروبل و والکت و نانسو یوسف تهیه کرده اند . نکات عمده آن عبارتند از :

● روز ۵ شنبه ۹ اوت گفت : ایران به مسلح کردن شورشیان عراق ادامه می دهد . شورشیانی که سربازان امریکا را در عراق می کشند . او ایران را تهدید کرد که اگر رویه خود را تغییر ندهد ، امریکا دست به عمل خواهد زد .

در همین روز ، کنفرانسی از مقامات حکومت بوش تشکیل بود برای بحث و تصمیم گرفتن در باره آنچه باید کرد هرگاه کمک های ایران به شورشیان ادامه پیدا کند . ● بنا بر قول دو مقام امریکایی که دست اندرکار امور ایرانند ، در پشت پرده ، همکاران رئیس جمهوری در بحثی ژرفا تگر در باره کمک ایران به گروههای عراقی شیعه و برنامه اتمی در صفحه ۱۰



ایران شدند. دیگ چنی، چند هفته پیش از آن، پیشنهاد کرده بود امریکا پیشنهاد کرده بود به اردوگاههایی حمله شود که در آنها، تعلیم دهندگان سپاه قدس شورشیان عراق را تعلیم می دهند.

● بحث همراه بود با برهم افزوده شدن اتهاماتی که ژنرالهای امریکایی و در عراق و مقامات حکومت و نیز مقامات متحدان امریکا و مطبوعات به ایران، بخاطر حمایت از شورشیان عراق وارد می کنند. روشن نیست که آیا کارزار تبلیغاتی بخاطر برانگیختن حمایت افکار عمومی از حمله محدود به ایران است تا که به حمایت از گروههای شیعه پایان بدهد.

و نیز مدارکی که حکومت بوش ارائه می کند، روشن نمی کنند آیا ایران پیوندهای استوار با گروههای عراقی شیعه، از جمله جیش المهدی به رهبری مقتدا صدر و سپاه بدر که متحد حکومت مالکی است، دارد. زمانی هم مقامات حکومت بوش گروه سنی القاعده را عامل بسیاری از خشونتها می خواند.

● در حال حاضر، بنظر می رسد با پرزیدنت بوش موافق شده است که سوء ظن ها نسبت به ایران بجا هستند و عملیات نظامی قوای امریکا می باید با توجه به مداخلات ایران انجام بگیرند. در همان حال، از راه گفتگو، می کوشد تهران را متقاعد کند به حمایت از گروه های عراقی پایان بدهد.

● قوای امریکا در شهرک صدر دست به عملیات بر ضد جیش المهدی زد. اما آنچه موجب تکرانی فرماندهان امریکاست، مواد منفجره ایست که بشکل بمب در جاده ها کار گذاشته می شوند و بهنگام عبور خودروها و زره پوشهای امریکایی منفجر می شوند. در ماه گذشته این بمب ها یک سوم از تلفات قوای امریکایی در امریکا را ببار آوردند.

● دیگ چنی که از مدت ها پیش نسبت به نتیجه بخشی دیپلماسی تردید دارد و بسود اقدام نظامی استدلال می کند، بر اینست که اگر دلیل قطعی بر مداخله ایران در عراق بدست آید، برای مثال، خودروئی حامل اسلحه بهنگام عبور از مرز ایران و ورود به خال عراق توقیف شود و یا افراد ایرانی مسلح همراه گروههای عراق دستگیر شوند، می باید دست به اقدام نظامی بر ضد ایران زد.

● مقامات حکومت می گویند: کندولزا رایس با این نظر مخالف است. روبرت گیت می گوید: در درون خاک عراق ما می توانیم این کار را بکنیم.

لنا آن مک براید، سخنگوی چنی، می گوید: در مورد سیاست امریکا در عراق، معاون رئیس جمهوری همان اقدام را صحیح می داند که رئیس جمهوری صحیح بداند. بوش در کنفرانس جدید خود جای تردید باقی نگذاشت که قصد دارد بر ایران سخت بگیرد. او می گوید: یکی از دلایل عمده که سبب شد من از کروکر، سفیر امریکا در عراق، بخواهم با سفیر ایران در عراق گفتگو کند این بود که او این پیام را به نماینده ایران ابلاغ کند: تحویل اسلحه پیشرفته به شورشیان عراق که از آنها برای کشتن نظامیان امریکا استفاده می شود، برای ایران عواقبی دارد که می باید تحمل کند. او مردم ایران را فراخواند که دولت خود را تغییر دهند: پیام من به

پول نفت را خرج می کنیم!؟

*** ارتش امریکا در عراق می گوید: ۳۲ ایرانی سپاه قدس و شماری از افراد گروههای عراقی شیعه را در شهرک صدر کشته است:**

◀ همزمان با سفر نوری المالکی نخست وزیر عراق به ایران، یو اس تو دی گزارش کرده است: نیروهای آمریکایی به یک کمپ نظامی شیعیان در عراق که توسط دولت ایران حمایت و تغذیه نظامی می شود یورش برده و ۳۲ رزم جوی شیعه ایرانی را کشته و دوازده نفر را نیز دستگیر کرده اند.

این حمله نظامی به شهرک صدر برای پاک کردن این شهرک از گروههای مسلح شیعه، جدا شده از جیش المهدی که توسط ایران مسلح می شوند به عمل آورده است.

ارتش امریکا گفته است: در این حمله نظامی تعدادی از نیروهای سپاه مهدی در عراق و سپاه قدس ایران را نیز دستگیر کرده است.

*** روبرت پاری: تعداد کشته های امریکا در ماه ژوئیه کمتر از کشته ها در سه ماه پیش از آنست. طرفداران بوش می گویند دلیل موفقیت تدابیر جدید حکومت بوش است اما راست نمی گویند زیرا:**

◀ در ۱۰ اوت، روبرت پاری، قول فرماندهی ارتش امریکا در عراق و طرفداران بوش را بر موفقیت آمیز بودن تدابیر جدید حکومت او، به دلیل کاهش شمار کشته ها، مورد بررسی قرار داده است:

● فرماندهی ارتش امریکا در عراق می گوید: در ماه ژوئیه، ۸۰ ارتشی امریکا کشته شده اند حال آنکه در ماههای آوریل و مه و ژوئن، به ترتیب ۱۰۴ و ۱۲۶ و ۱۰۱ تن کشته شده بودند. بنظر این فرماندهی علت کاهش تلفات ارتش امریکا موفقیت آمیز بودن تدابیر جدید امریکا است. طرفداران حکومت بوش نیز همین را ادعا را می کنند. اما

● منابع به من گفتند علت کاهش تلفات قوای امریکا نتیجه بکار بردن تدابیر جدید نیست بلکه حاصل کاهش حملات نیروی زمینی امریکا است. عوامل مختلف دیگری موجب کاهش تلفات شده اند:

● یکی از منابع نظامی امریکا می گوید: قوای امریکا به عملیاتی که از پایگاه آنها دور باشند، دست نمی زنند. حال آنکه دلیل گسیل ۲۰ هزار تن نیروی جدید به عراق این بود که در مناطقی دور از پایگاه های نظامی نیز عملیات انجام پذیرند. دورتر از پایگاه زفتن یکی از دلایل کاهش تلفات است.

دلیل دیگر گرمای سخت تابستان در عراق است. درجه حرارت به حدود ۵۰ درجه رسیده است. وقتی تحرک

قوا کم می شود البته تلفات نیز کم می شود اما شرائط زندگی سخت تر می شود.

همین منبع می گوید: دو علت سبب کاهش تلفات شده اند: کاسته شدن از شعاع عملیات قوای امریکا و کاسته شدن حمله های شورشیان عراق است.

ماه ژوئیه، ماهی است که در آن، کمترین عملیات نظامی انجام گرفته اند. بسا گرمای شدید علت این کاهش است. از این دید که بنگریم، از لحاظ تلفات، ماه ژوئیه بدترین ماه ها بوده است. چرا که برغم کاهش بسیار عملیات، هنوز ۸۰ تن کشته شده اند. در ماه ژوئیه ۲۰۰۳، تلفات امریکا ۴۸ تن و در ژوئیه ۲۰۰۴، ۵۴ تن و در ژوئیه ۲۰۰۵، ۵۴ تن و در ژوئیه ۲۰۰۶، ۴۳ تن بوده اند.

● نظرسازان سیاسی را به مناطق آرام عراق بردند تا نشان دهند سیاست جدید امریکا موفقیت آمیز بوده است. اما یکی از آنها، آنتونی کوردسمن، عضو مرکز مطالعات استراتژیک و بین المللی، اینطور گزارش می کند: از دید من، امریکا در تردید است که از میان گزینشهای بسیار پر خطر کدامیک را برگزیند. هیچیک از این گزینش ها آینده عراق را تعیین نمی کند. ممکن است تنها در آن مؤثر شود. و این امر مسائل جدی بوجود می آورد، آتیم در زمانی که روند سیاسی عراق سمت و سوی رسیدن به اجماع بر سر همزیستی مسالمت آمیز را ندارد. تا زمانی که حکومت عراق از پیش بردن عراق در این جهت ناتوان بماند و یا به عمل قوای امریکا معنای سیاسی بدهد، آینده این کشور تاریک است.

انقلاب اسلامی: با وجود دو بحران اتمی و بحران منطقه ای(عراق، افغانستان، سوریه، لبنان و فلسطین)، رژیم مافیای پولهای نفت را هرچه بدست می آید خرج می کند یعنی به حسابهای مافیای نظامی - مالی واریز می کند:

احمدی نژاد: ما هر چه در آمد نفتی کسب کنیم خرج خواهیم کرد:

*** تحریم های اقتصادی، بزرگ ترین مانع اجرای پروژه های بزرگ در ایران:**

◀ در ۹ اوت ۸۶، خبرگزاری فرانسه گزارش کرده است: وزیر خارجه اسرائیل، دیزی لیونی، با مسئول مبارزه با تروریسم در وزارت خزانه داری امریکا، استوارت لوی، در باره مجازات اقتصادی ایران گفتگو کرده است. پس از دیدار، بیانیه ای صادر نشد. اما سخنگوی وزارت امور خارجه، مارک رگو گفته است: اسرائیل و امریکا برای تشدید مجازاتهای بین المللی ایران، فشار

وارد خواهند کرد. دیپلماسی می باید قاطع و یک صدا باشد تا اثر کند. ◀ در ۳۱ ژوئیه ۸۷، دوپچه وله گزارش کرده است: نتایج تحریم های سیاسی اقتصادی امریکا علیه ایران، کم کم خود را نشان می دهند. اجرای پروژه های بزرگ اقتصادی هر روز با مشکلات بیشتری روبرو می شوند.

تحریم های اقتصادی جامعه جهانی زمان اتمام پروژه های پالایشگاهی را در ایران به تأخیر می اندازند. ایران که چهارمین تولیدکننده نفت جهان است، باید نیمی از بزرین مصرفی خود را وارد کند. این واردات هر سال پنج میلیارد دلار به اقتصاد این کشور تحمیل می کند.

ساخت یک پالایشگاه جدید، دست کم چهار سال طول می کشد. اما در ایران، طرح هایی از این دست، به دلیل گرهای اقتصادی ناشی از تحریم ها، همچنان مسکوت مانده اند.

مشکل مشابهی برای یک پالایشگاه در حال ساخت در بندرعباس وجود دارد. هزینهی ساخت این پالایشگاه، دو میلیارد دلار برآورد شده است. شرکت پالایش و پخش فراورده های نفتی ایران، قرارداد ساخت پالایشگاه بندرعباس را پیشتر به یک شرکت چینی واگذار کرده بود که طرف چینی از عهدهی تعهدات خود برنیامد. سپس شرکت اسنامپروگتی (Snamprogetti) عهده دار ساخت این پالایشگاه شد. اما به دلیل عدم همکاری بانک های بین المللی و شرکت بیمه صادرات Sace، طرف ایرانی مجبور شد هزینه های مربوط به بیمه را از محل دارایی های شرکت بپردازد.

در ساخت پالایشگاه دیگری در اصفهان هم مشکلات مشابهی به وجود خواهد آمد. زیرا قرارداد ساخت آن نیز احتمالاً به یک کنسرسیوم از اروپای غربی سپرده خواهد شد. اعتبارات این پالایشگاه هم بیمه نشده است.

این جاست که تحریم های امریکا در مقایسه با تحریم های سازمان ملل، تأثیر دامنه دارتری تری از خود نشان می دهند. با فشارهای ادارهی خزانه داری امریکا، بانک های بزرگ آلمانی و سوئیسی روابط خود را با ایران قطع کرده اند. بنگاه های اقتصادی باقی مانده هم، روابط خود را هر روز محدودتر می کنند.

این فشارها در مورد روسیه هم مؤثر واقع شده اند. این کشور هم به بهانه ی بدهی های معوقه ی ایران، اتمام نیروگاه بوشهر را تا پایان سال ۲۰۰۸ میلادی به تأخیر انداخته است. بدین ترتیب این نیروگاه در سی و سومین سال ساخت خود هم ناتمام باقی خواهد ماند.

تحریم های اقتصادی امریکا می توانند صادرات گاز ایران به اروپا را هم مختل کنند. ایالات متحده اخیراً تهدید کرده است که اگر ترکیه گاز از ایران وارد کند و بخشی از آن را به اروپا تحویل دهد، با تحریم های امریکا روبرو خواهد شد.

* ۱۰ میلیارد دلار کسر بازرگانی خارجی ۴ ماه اول سال جاری:

◀ در ۱۶ مرداد ۸۶، گزارش عملکرد بازرگانی خارجی ایران در ۴ ماه نخست سال جاری انتشار یافت. نشریه در صفحه ۱۱



اعتماد گزارش را این سان نقد کرده : رشد ۱۲ درصدی میزان واردات در مقابل رشد ۲ درصدی صادرات غیرنفتی در ۴ ماه اول سال جاری نسبت به سال ۸۵، کارشناسان اقتصادی را شگفت زده کرد زیرا هشدارهای داده شده نسبت به زمان تب وارداتی اقتصاد و لرزش صادراتی در پس تکرار رو به نخ نمایی رفته و تأثیری بر تغییر مسیر هزینه کردن دلارهای نفتی ایجاد نکرده است، از این رو اقتصاد بیمارگونه ایران که به دلیل گرفتاری به تب واردات، بازار داخلی را با سیل کالاهای وارداتی روبه رو کرده است هنوز سدی را در برابر خود احساس نکرده و همچنان تراز بازرگانی ایران سطح منفی خود را حفظ کرده است. بر اساس نتایج به دست آمده میزان واردات کشور ۱۴۵۵۶/۵ هزار تن و به ارزش ۱۰۷۵۲/۶ میلیون یورو (معادل ۱۴۴۹۵/۸ میلیون دلار) بود که در مقایسه با مدت مشابه سال گذشته، از لحاظ ارزش، ۱۱/۸۶ درصد و از نظر وزن ۴/۷۱ درصد رشد داشته است. میزان صادرات غیرنفتی نیز در این دوره زمانی معادل ۹۹۲۳/۵ هزار تن و به ارزش ۴۴۷۲/۲ میلیون دلار (معادل ۳۳۱۱/۸ میلیون یورو) معادل ۴۴۷۲/۲ میلیون دلار است که نسبت به مدت مشابه سال قبل افزایش ۳/۶۲ درصدی در وزن و ۲/۷۵ درصدی در ارزش دلاری داشته است. با توجه به مقایسه ارقام صادرات و واردات تراز بازرگانی خارجی (بدون احتساب صادرات نفت خام) طی چهار ماهه اول سال ۸۶ با کسری ۱۰۰۲۴ میلیون دلاری و افزایش کسری تراز بازرگانی ۱۶/۴۷ درصدی مواجه بوده است. در حال حاضر بیشترین رقم صادرات غیرنفتی را محصولات کشاورزی و فرآورده های انرژی تشکیل داده و خبری از محصولات صنعتی نیست. در همین حال صادرات پروپان مایع شده و هیدروکربن های بودار را نمی توان به منزله رشد صادرات غیرنفتی قلمداد کرد، با توجه به اینکه برخی از اقلام صادراتی را مجدداً به کشور وارد کرده ایم. به طور مثال کالاهایی مانند آهن و فولاد هم در آمار صادرات و هم در آمار واردات چهارماهه سال جاری به وضوح قابل مشاهده است. با توجه به آمار ارائه شده و نبود توازن میان اقلام وارداتی و صادراتی چگونه می توان داعیه صادرکنندگی را در سال جاری پذیرفت. کنترل مصرف زدگی با رشد ۱۲ درصدی واردات قابل توجیه است. آیا می توان بر صادراتی که عمده آن بر روی کالاهای غیرصنعتی و عمدتاً محصولات کشاورزی با ارزش افزوده بسیار پایین است تکیه کرد.

*** در سال ۱۳۹۰ مازاد تجاری ایران با ۲۲ میلیارد دلار کاهش به کسری تجاری تبدیل می شود :**

◀ در ۱۶ مرداد ، ایسنا ، برآورد اکونومیست لندن را از کسر بازرگانی ایران نقل کرده است : مازاد تجاری ایران تا سال ۱۳۹۰ در حدود ۲۲ میلیارد دلار کاهش یافته و به کسری تجاری تبدیل می شود: در سال آینده مازاد تجاری ایران برابر با ۱۲ میلیارد و ۶۰۰ میلیون دلار خواهد بود که این رقم حاصل صادرات ۶۳ میلیارد دلاری و واردات ۵۰ میلیارد و ۴۰۰ میلیون دلاری خواهد بود.

پول نفت را خرج می کنیم !؟

این چهار میلیون به ارزش هفتاد دلار حدود ۱۱۰ میلیارد دلار است. در برنامه چهارم گفته شده بود ۵۰ درصد این مبلغ باید در صندوق ذخیره ارزی بماند و با دادن وام و گرفتن بهره آن، منافع نسل ها نیز تأمین می شد. نروژ با شش و نیم میلیون نفر جمعیت حدود ۳۰۰ میلیارد دلار ذخیره ارزی دارد. ما هم بنا بود که حسب برنامه چهارم نصف درآمد فروش نفت را در حساب ذخیره ارزی قرار دهیم که الان همه را تقریباً هزینه کرده ایم.

*** سه برابر بودجه عمرانی یعنی ۴۳۰ هزار میلیارد ریال اعتبار لازم است برای طرحهای اشتغال زای زود بازده « از تراوشت مافیاهای نظامی - مالی :**

◀ در ۱۴ مرداد ، بهمن آرمان در نشریه اعتماد نوشته است : در خبرها آمده بود که بیش از ۸۶۰ هزار طرح اشتغال زای زودبازده به بانک ها ارائه شده است که نیاز به ۴۳۰ هزار میلیارد ریال دارد. اگر اندکی در ارقام بالا کنجکاو شویم، مشاهده می شود که به طور میانگین هر طرح اشتغال زای زودبازده به سرمایه گذاری برابر با ۵۰۰ میلیون ریال نیاز دارد. حال این پرسش مطرح است که چنین مبلغی حتی برای خرید یک خانه در تهران و شهرهای بزرگ کشور نیز کافی نیست. علاوه بر آن نکته ای که بسیار بحث برانگیز است، این است که چگونه در کشوری مانند ایران می توان طی مدت کوتاهی ۸۶۰ هزار طرح اشتغال زای زودبازده را شناسایی و برای آنان گزارش توجیهی تهیه کرد تا به بانک ها ارائه شود.

نکنه مهمتر آنکه آیا در ایران آن تعداد از شرکت های مهندس مشاور مالی و اقتصادی وجود دارند که بتوانند در مدت کوتاهی گزارش های توجیهی و اقتصادی برای ۸۶۰ هزار طرح تهیه کنند و آیا اصولاً شرکت های مهندس مشاور وجود دارند که برای یک طرح ۲ میلیارد ریالی گزارش توجیهی تهیه کنند. مبلغی که به این ۸۶۰ هزار طرح قرار است اختصاص یابد ۳/۵ برابر کل بودجه عمرانی کشور در سال جاری است. آیا تجربه گذشته مبنی بر پرداخت ۹ هزار میلیارد ریال تحت عنوان طرح های خود اشتغال زایی که به جای تولید صرف کارهای دیگری شد و در شمار وام های غیرقابل وصول بانک ها قرار گرفت نبایستی مدنظر قرار گیرد تا دوباره همان اشتباه تکرار نشود؟ آیا اندکی به این واقعیت اندیشیده شده است که با این ۴۳۰ هزار میلیارد ریال چند هزار کیلومتر آزادراه و راه آهن می شود احداث کرد. آیا به این اندیشیده شده است که با بخشی از این مبلغ می توان ظرفیت تولید فولاد کشور را دو برابر کرد و کشور را از واردات این محصول استراتژیک بی نیاز ساخت. آیا کسانی که مدافع چنین طرحی هستند به این فکر کرده اند که طبق آمار وزارت صنایع و معادن بالغ بر ۴/۵ میلیارد دلار تجهیزات که از

طریق حساب ذخیره ارزی وارد کشور شده اند به علت در اختیار نبودن منابع ریالی در درون جعبه ها و کانتینرها به حال خود رها شده اند. آیا به این نکته توجه شده است که میزان سرمایه مورد نیاز برای ایجاد ساده ترین صنایع مانند یک کارخانه سیمان و یک کارخانه قند به ترتیب نیاز به ۱۴۰۰ میلیارد و هزار میلیارد ریال است. آیا به این نکته توجه نشده است که با جهانی شدن اقتصاد تولید باید در ابعاد زیاد و با سود بردن از اصل اقتصادی تولید انبوه سود برد؟ آیا کسانی که بر طبل صنایع کوچک می دمند به این توجه کرده اند که ۹۸ درصد (براساس محاسبات UNIDO واحدهایی که دارای بیش از ۳۰۰ نفر هستند صنایع بزرگ خوانده می شوند) تولید صنعتی ایران از طریق بنگاه های کوچک و متوسط و غیر اقتصادی و غیر قابل رقابت با محصولات مشابه خارجی صورت می گیرد. آیا به این توجه شده است که در کشورهای صنعتی سهم صنایع بزرگ ۳۵ درصد تولید است و در ایران این نسبت تنها ۲ درصد است. به هر حال ما اقتصاددان ها در تئوری های اقتصادی چیزی تحت عنوان پروژه های اشتغال زای زودبازده ندیده ایم و حال پرسش در اینجا است که این همه منابع محدود سیستم بانکی به چه دلیل و با چه انگیزه ای در تنور مصرف و رانت خواری و ائتلاف منابع ریخته می شود.

*** کاهش بهره وری و رشد فساد :**

◀ در ۱۴ مرداد، سعید لیلانز، در نشریه سرمایه نوشته است : در سال های اخیر، تبلیغات زیادی از سوی دولت در خصوص رشد سرمایه گذاری و رشد فعالیت های اقتصادی در کشور صورت گرفته و این در حالی است که مجموع شرایط اقتصادی که در حال حاضر کشور در آن به سر می برد، تدریجاً، درستی پیش بینی ها و ارزیابی های منتقدین دولت را ثابت می کند، زیرا اگر بنا بود آن حجم از سرمایه گذاری هایی که همواره از سوی دولت مطرح می شود به نتیجه ای مثبت برسد، قاعدتاً امروز باید اثرات و نتایج آن را در رشد تولید ملی می دیدیم. توجه به این نکته ضروری است که در سال ۱۳۸۵ با وجود نزدیک به ۴۳ میلیارد دلار واردات کالا و نزدیک به ۱۴ میلیارد دلار واردات خدمات که مجموع واردات کالا و خدمات رابه رقم بی سابقه ۵۵ میلیارد دلار برای اولین بار در تاریخ ایران رسانده، طبق آمارهای بانک مرکزی سرعت رشد اقتصادی از حدود پنج درصد بالاتر نرفته است. این در حالی است که در سال های ۱۳۷۴ تا ۱۳۷۹ برای نایل شدن به همین میزان رشد اقتصادی، تنها به ۱۵ میلیارد دلار واردات کالا و خدمات نیاز داشتیم.

در عین حال، همه شواهد نشان دهنده این واقعیت ناخوشایند است که این عدد در سال ۱۳۸۶ قطعاً از مرز ۶۰ میلیارد دلار عبور خواهد کرد و این وضعیت، به آن معنا است

که از یک سو، بهره وری در اقتصاد ایران به سرعت در حال کاهش است و از سوی دیگر، بسیاری از سرمایه گذاری هایی که مطرح می شود صرفاً، شعارپردازی است و در عالم واقعیت هیچ نشانی از آن نمی توان یافت.

آنچه در این میان، نگرانی های بیش تری را می آفریند این است که از سال ۱۳۷۹ به بعد، مجدداً دوره مناسبی برای رشد سرمایه گذاری در اقتصاد ایران، پیش رو داریم که هنوز اقتصاد ایران در حال بهره برداری از دستاوردهای آن دوران است. بنابراین، وضعیت فعلی از احتمال بروز مشکلات و بحران های بیش تر در سال های آتی حکایت دارد، زیرا به میزان کافی سرمایه گذاری در کشور صورت نمی گیرد و دولت ناچار به جبران فقدان سرمایه گذاری های خارجی و سرمایه گذاری بخش خصوصی شده است. به همین دلیل، نرخ بهره وری صنایع بسیار پایین و نرخ فساد بسیار بالا است. از این رو تبعات آنچه به عنوان مطالبات معوقه بانک ها مطرح شده است، به زودی در سراسر کشور مشاهده خواهد شد.

در مجموع آنچه در کشور اتفاق افتاده این است که در دو سال اخیر با دو روند بسیار مشخص در اقتصاد ایران روبه رو هستیم: کاهش بهره وری و رشد فساد که هر دو به دلیل سبزه و دخالت هرچه بیش تر دولت بر فعالیت های اقتصادی کشور به وجود آمده است.

*** اکونومیست لندن : از سال جاری در سال ۱۳۹۰، رشد اقتصاد ایران همچنان رو به کاهش خواهد بود :**

◀ نشریه اعتماد (۲۱ مرداد) برآورد اکونومیست را در باره روند کاهشی رشد اقتصاد ملی ایران را نقل کرده است : اکونومیست در گزارش ماه ژوئیه خود به بررسی وضعیت رشد اقتصادی ایران پرداخته و ضمن برآورد رشد تولید ناخالص داخلی واقعی ۴/۳ درصدی برای سال گذشته پیش بینی کرد که این شاخص در سال جاری هم بدون تغییر معادل ۴/۳ درصد خواهد بود.

براساس گزارش اکونومیست انتظار می رود رشد تولید ناخالص داخلی واقعی ایران طی سال های آینده روند نزولی خود را همانند سال های گذشته حفظ کند و در سال های ۸۷ و ۸۸ به ترتیب به ۴ و ۳/۷ درصد برسد. در این گزارش آمده است در سال ۸۹ ایران شاهد رشد تولید ناخالص داخلی واقعی برابر ۳/۵ درصد خواهد بود که با تداوم این روند در سال ۱۳۹۰ این شاخص به ۳/۴ درصد خواهد رسید .

*** آمار بیکاری و اشتغال در ایران بنا بر گزارش « سرمایه » و دروغگوئی وزیر :**

◀ در سرمایه (۲۲ مرداد) ، علی مزروعی آمار بیکاری را این سان گزارش و دروغ « وزیر » بر ملاء کرده در صفحه ۱۲



است: برپایه آمار ارائه شده در جدول شماره ۲ قانون برنامه چهارم توسعه جمعیت بیکار کشور در سال ۱۳۸۳ برابر ۲۶۶۲ هزار نفر و نرخ بیکاری ۱۲/۳ درصد گزارش شده است، برپایه آمار استخراج شده از نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۸۵ تعداد بیکاران در این سال برابر ۲۹۹۱ هزار نفر و نرخ بیکاری ۱۲/۷۵ درصد گزارش شده است، به عبارت دیگر در دو سال ۸۴ و ۸۵ بر تعداد بیکاران ۳۲۹ هزار نفر و بر نرخ بیکاری ۰/۴۵ واحد درصد افزوده شده است و البته این محاسبه برپایه فرض درستی آمار برآوردی جدول برنامه و تعریف یکسان از بیکاری و اشتغال در هر دو مرجع انجام شده است، در غیر این صورت کار محاسبه و مقایسه «آمار اشتغال و بیکاری» بسیار مشکل می‌شود. حال با توجه به آنچه آمد به این سخن‌وزیر محترم کار و امور اجتماعی توجه کنید: «تعداد بیکاران کشور براساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن به ۲/۹ میلیون نفر کاهش یافته است. سرشماری نشان می‌دهد که تعداد بیکاران در دو سال گذشته نه تنها افزایش نداشته بلکه کمی کاهش نیز نشان می‌دهد.» ملاحظه می‌شود که جز رقم ۲/۹ میلیون نفر بیکار بقیه مدعای ایشان نادرست است و جالب این‌که خود ایشان در ادامه سخن به گونه‌ای نادرستی این مدعا را بیان کرده‌اند: «طبیعی است وقتی نزدیک به سه میلیون بیکار در کشور وجود دارد، مردم آثار ملموس تلاش‌های انجام شده برای کاهش بیکاری را لمس نکنند. اگر تلاش‌های دو سال گذشته نبود به ترتیب ۱/۲ میلیون نفر در سال ۸۴ و ۱/۳ میلیون نفر در سال ۸۵ به این تعداد بیکار کشور افزوده شده بود.» به گفته وزیر محترم در دو سال گذشته ۲/۵ میلیون نفر وارد بازار کار شده‌اند و باز با استناد به مدعای ایشان در گفت‌وگو با رسانه‌ها در دو سال گذشته، عملکرد اقتصاد کشور منجر به ایجاد ۱۹۵۰ هزار فرصت شغلی شده است، حال با یک محاسبه ساده دریافت می‌شود که در نتیجه باید ۵۵۰ هزار نفر بر تعداد بیکاران در این دو سال افزوده شده باشد پس این مدعا که: «تعداد بیکاران در دو سال گذشته نه تنها افزایش نداشته بلکه کمی کاهش نیز نشان می‌دهد» نادرست است و برپایه نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۸۵ آمار بیکاری هم به لحاظ عدد مطلق و هم به لحاظ رقم نسبی حاکی از افزایش است و لابد وزیر محترم که این چنین با آمار سخن می‌گویند باید دقت لازم را در ارائه نتایج مرتبط داشته باشند و البته واقعیت سرسخت‌تر از هر آمار و مدعایی است!

انقلاب اسلامی: بدیهی است آمار رژیم بسیار کمتر از واقعیت را گزارش می‌کند: مشاغل کاذب و جمعیت بزرگی که به خدمت دولت در آمده‌اند و کاری برای انجام دادن ندارند و بار سنگین فزونی کارکنان واحدهای تولیدی و جمعیتی که بخدمت قوای نظامی و انتظامی در آورده است، بیکارهای عادی نیستند زیرا بار سنگینی را بر دوش اقتصاد کشور گذاشته‌اند.

است: برپایه آمار ارائه شده در جدول شماره ۲ قانون برنامه چهارم توسعه جمعیت بیکار کشور در سال ۱۳۸۳ برابر ۲۶۶۲ هزار نفر و نرخ بیکاری ۱۲/۳ درصد گزارش شده است، برپایه آمار استخراج شده از نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۸۵ تعداد بیکاران در این سال برابر ۲۹۹۱ هزار نفر و نرخ بیکاری ۱۲/۷۵ درصد گزارش شده است، به عبارت دیگر در دو سال ۸۴ و ۸۵ بر تعداد بیکاران ۳۲۹ هزار نفر و بر نرخ بیکاری ۰/۴۵ واحد درصد افزوده شده است و البته این محاسبه برپایه فرض درستی آمار برآوردی جدول برنامه و تعریف یکسان از بیکاری و اشتغال در هر دو مرجع انجام شده است، در غیر این صورت کار محاسبه و مقایسه «آمار اشتغال و بیکاری» بسیار مشکل می‌شود. حال با توجه به آنچه آمد به این سخن‌وزیر محترم کار و امور اجتماعی توجه کنید: «تعداد بیکاران کشور براساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن به ۲/۹ میلیون نفر کاهش یافته است. سرشماری نشان می‌دهد که تعداد بیکاران در دو سال گذشته نه تنها افزایش نداشته بلکه کمی کاهش نیز نشان می‌دهد.» ملاحظه می‌شود که جز رقم ۲/۹ میلیون نفر بیکار بقیه مدعای ایشان نادرست است و جالب این‌که خود ایشان در ادامه سخن به گونه‌ای نادرستی این مدعا را بیان کرده‌اند: «طبیعی است وقتی نزدیک به سه میلیون بیکار در کشور وجود دارد، مردم آثار ملموس تلاش‌های انجام شده برای کاهش بیکاری را لمس نکنند. اگر تلاش‌های دو سال گذشته نبود به ترتیب ۱/۲ میلیون نفر در سال ۸۴ و ۱/۳ میلیون نفر در سال ۸۵ به این تعداد بیکار کشور افزوده شده بود.» به گفته وزیر محترم در دو سال گذشته ۲/۵ میلیون نفر وارد بازار کار شده‌اند و باز با استناد به مدعای ایشان در گفت‌وگو با رسانه‌ها در دو سال گذشته، عملکرد اقتصاد کشور منجر به ایجاد ۱۹۵۰ هزار فرصت شغلی شده است، حال با یک محاسبه ساده دریافت می‌شود که در نتیجه باید ۵۵۰ هزار نفر بر تعداد بیکاران در این دو سال افزوده شده باشد پس این مدعا که: «تعداد بیکاران در دو سال گذشته نه تنها افزایش نداشته بلکه کمی کاهش نیز نشان می‌دهد» نادرست است و برپایه نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۸۵ آمار بیکاری هم به لحاظ عدد مطلق و هم به لحاظ رقم نسبی حاکی از افزایش است و لابد وزیر محترم که این چنین با آمار سخن می‌گویند باید دقت لازم را در ارائه نتایج مرتبط داشته باشند و البته واقعیت سرسخت‌تر از هر آمار و مدعایی است!

انقلاب اسلامی: بدیهی است آمار رژیم بسیار کمتر از واقعیت را گزارش می‌کند: مشاغل کاذب و جمعیت بزرگی که به خدمت دولت در آمده‌اند و کاری برای انجام دادن ندارند و بار سنگین فزونی کارکنان واحدهای تولیدی و جمعیتی که بخدمت قوای نظامی و انتظامی در آورده است، بیکارهای عادی نیستند زیرا بار سنگینی را بر دوش اقتصاد کشور گذاشته‌اند.

انقلاب اسلامی: بدیهی است آمار رژیم بسیار کمتر از واقعیت را گزارش می‌کند: مشاغل کاذب و جمعیت بزرگی که به خدمت دولت در آمده‌اند و کاری برای انجام دادن ندارند و بار سنگین فزونی کارکنان واحدهای تولیدی و جمعیتی که بخدمت قوای نظامی و انتظامی در آورده است، بیکارهای عادی نیستند زیرا بار سنگینی را بر دوش اقتصاد کشور گذاشته‌اند.

* فقر و تورم دو پی آمد دیرپای اقتصاد استبداد و مافیای زده ایران:

◀ در ۲۰ مرداد، مصری، «وزیر» رفاه و تامین اجتماعی، در جلسه کمیسیون اجتماعی مجلس گفته است: هفت میلیون و ۳۰۳ هزار نفر در کشور زیر خط فقر مطلق هستند که با در نظر گرفتن جمعیت خط فقر شدید شهری و روستایی، ۹ میلیون و ۲۴۲ هزار و ۷۰۰ نفر در کشور زیر خط فقر شدید و مطلق هستند.

◀ در ۱۸ مرداد، بانک مرکزی گزارش داده است: نرخ تورم با ۲ درصد افزایش در چهار ماه اول سال به ۱۴/۸ در صد رسیده است. یا، و می‌شود که مرکز پژوهش‌های مجلس تورم در سال گذشته را ۲۲/۴ درصد اعلام کرده و پیش بینی کرده بود در سال جاری این رقم به ۲۳/۴ درصد افزایش یابد.

بدین سان، حتی بنا بر آورد قلابی بانک مرکزی نیز، میزان تورم، در ۴ ماه اول سال ۲ درصد افزایش یافته است.

* خاموشی: کشور در حال از دست رفتن است:

◀ منابع نزدیک به اتاق بازرگانی از انتقاد شدید اعضای این اتاق از عملکرد دولت نهم به‌ویژه در حوزه‌های اقتصادی و سیاست خارجی خبر می‌دهند.

به گزارش خبرنگار نوز، برخی اقدامات اقتصادی دولت نظیر توزیع سهام عدالت، واگذاری پروژه‌های بزرگ اقتصادی به سپاه و به‌ویژه سرعت اندک و مانع‌تراشی دولت در زمینه واگذاری شرکت‌های دولتی طبق سیاست‌های اصل ۴۴ به بخش خصوصی مهمترین محورهای انتقادات فعالان و اعضای اتاق بازرگانی از دولت را تشکیل می‌دهد.

گفتنی است در این زمینه، میان طیف‌های مختلف سنتی، تحول‌خواه و حتی نزدیک به دولت اختلافی وجد ندارد و همه جریانات فعال در اتاق خواستار تغییر روند موجود در عرصه اقتصادی هستند.

علی‌تقی خاموشی، رییس سابق اتاق بازرگانی، در یکی از جلسات خواستار موضع‌گیری صریح علیه عملکرد اقتصادی دولت شده است. او خطاب به محمد نهاوندیان، رییس کنونی اتاق بازرگانی، گفته است: موضع‌گیری‌های اتاق بازرگانی محافظه‌کارانه است. مملکت دارد از دست می‌رود. مصلحت‌سنجی را کنار بگذارید و واقعیت‌ها را اعلام کنید تا مسؤولان بالا فکری کنند.

انقلاب اسلامی: کشوری با آن مدیران و این بحرانهای داخلی و خارجی، لاجرم محل انواع تجاوزها به حقوق انسان می‌شود:

پول نفت را خرج می‌کنیم!؟

دانشجویان، روزنامه نگاران و کارگران همچنان قربانیان اول سرکوبگری رژیم هستند:

◀ در ۱۲ مرداد ۱۳۸۶، سه تن از شرکت‌کنندگان در همایش «مشروطه ایرانی» مقابل حسینیه ارشاد بازداشت شدند. این سه تن توسط نیروهای لباس شخصی بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل شدند. اسامی بازداشت‌شدگان به شرح زیر است: مهرداد بزرگ، دانشجوی مهندسی کامپیوتر دانشگاه تهران، کوروش جنتی، دانشجوی ادبیات دانشگاه علامه طباطبایی و حسین فیاضی.

لازم به ذکر است همایش سه روزه مشروطه ایرانی که به مناسبت فرارسیدن صدو یکمین سالگرد صدور فرمان مشروطیت و به همت انجمن اسلامی دانشگاه صنعتی شریف بنا بود در حسینیه ارشاد برگزار شود. قوای سرکوب مانع از برپایی آن شدند.

◀ در ۱۳ مرداد ۱۳۸۶، اتحادیه اروپا روز جمعه، سوم اوت، نسبت به موج اعدام‌ها در ایران ابراز نگرانی کرد و خواهان توقف حکم اعدام دو روزنامه‌نگار کرد عدنان حسن پور و هیوا بوتیمار شد. در ۲۲ مرداد اطلاع حاصل شد که این دو در اعتصاب غذا هستند.

◀ در ۱۳ مرداد ۱۳۸۶، محمود علم وکیل مدافع عمادالدین باقی، رییس انجمن دفاع از حقوق زندانیان نسبت به حکم موکلس تجدیدنظرخواهی کرد. طبق رای شعبه ۶ دادگاه انقلاب تهران عمادالدین باقی به اتهام اجتماع و تبانی به منظور انجام جرایم بر ضد امنیت کشور به دو سال حبس و به اتهام تبلیغ علیه نظام جمهوری اسلامی ایران به نفع گروه‌های بیگانه و مخالف نظام به یک سال حبس محکوم شد.

در این پرونده علاوه بر عمادالدین باقی، چهار نفر دیگر از جمله هسمر و دختری وی نیز به اتهام اجتماع و تبانی به منظور انجام جرایمی بر ضد امنیت کشور به ۳ سال حبس به مدت ۵ سال تعلیق محکوم شدند.

◀ در ۱۳ مرداد ۱۳۸۶، ماموران پلیس در یورش به یک کنسرت راک زیرزمینی در منطقه محمدشهر کرج، ۳۳۰ تن را بازداشت کردند.

◀ در ۱۴ مرداد ۱۳۸۶، جلسه رسیدگی به اتهامات مدیر مسوول روزنامه‌ی اعتماد در شعبه ۷۶ دادگاه کیفری با حضور هیات قضایی، اعضای هیات منصفه به صورت علنی بر اساس اصل ۱۶۸ قانون اساسی برگزار شد.

◀ در ۱۴ مرداد ۱۳۸۶، دومین جلسه رسیدگی به اتهامات مدیرمسوول نشریه «پیام سپیدار» در شعبه ۷۶ دادگاه کیفری استان تهران با حضور هیات قضایی، هیات منصفه به صورت علنی و بر اساس اصل ۱۶۸ قانون اساسی برگزار شد.

◀ در ۱۴ مرداد ۱۳۸۶، جلسه رسیدگی به اتهامات مدیر مسوول نشریه جهان صنعت در شعبه ۷۶ دادگاه کیفری استان تهران با حضور اعضای قضایی و اعضای هیات منصفه به صورت علنی بر اساس اصل ۱۶۸ قانون اساسی برگزار شد.

◀ در ۱۴ مرداد ۱۳۸۶، جمعی از خانواده‌های دانشجویان بازداشت‌شده‌ی دانشگاه امیرکبیر، اعضای شورای مرکزی دفتر تحکیم وحدت (طیف علامه) و برخی دانشجویان آزادشده، دیروز با اعضای کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی دیدار و گفت‌وگو کردند. در این دیدار که هفت نفر از اعضای کمیسیون امنیت مجلس حضور داشته‌اند، دانشجویان شکنجه‌هائی را که شده‌اند، تشریح کردند.

◀ در ۱۴ مرداد ۱۳۸۶، عسل اخوان، یک فعال دانشجویی دانشکده‌ی علوم اجتماعی و ارتباطات دانشگاه علامه طباطبایی از صدور حکم کمیته‌ی انضباطی چهار فعال دانشجویی خبر داده است: برای بنده و شما فرزادمنش حکم یک ترم تعلیق از تحصیل با احتساب سنوات صادر شده و برای برقه‌ای و امیریعقوب‌علی نیز احکام کمیته‌ی انضباطی صادر شده است که به دلیل نبودن برقه‌ای در تهران و بازداشت یعقوب‌علی از احکام آنها اطلاعی در دست نیست.

◀ در ۱۴ مرداد ۱۳۸۶، ۲۵ نماینده «در نامه‌ای به صفارهرندی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی پرسیدند که مرجع و مستند قانونی توقیف و فیلترینگ مطبوعات و نشریات الکترونیکی کدامند و عکس‌العمل وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در این رابطه چیست؟

در این نامه، به او خاطر نشدن کرده‌اند: به موجب بند ۲ اصل سوم قانون اساسی، بالا بردن سطح آگاهی‌های عمومی در همه‌ی زمینه‌ها با استفاده‌ی صحیح از مطبوعات و رسانه‌های گروهی و وسایل دیگر از وظایف دولت جمهوری اسلامی ایران است. بند ۶ و ۷ و ۹ همین اصل نیز دولت را به محو هر گونه استبداد و خودکامگی و انحصارطلبی تامین آزادی‌های سیاسی و اجتماعی و رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه در تمامی زمینه‌های مادی و معنوی ملزم کرده است.

◀ در ۱۴ مرداد ۱۳۸۶ از طرف شعبه ۱۰۴ دادگاه عمومی شهر سنندج برای ۱۱ نفر از دستگیر شدگان اول ماه مه سنندج آقایان فارس گوپلی - اقبال لطیفی - صدیق صبحانی - خالد سواری - طیب ملائی - طیب چتانی - یدالله مرادی - صدیق امجدی - محی‌الدین رجیبی - حبیب‌الله کله‌کانی و عباس اندر یانی به جرم اغتشاش در نظم عمومی و شرکت در تجمع غیر قانونی، برای هر کدام، ۹۱ روز حبس تعزیری و ۱۰ صربه شلاق حکم صادر شده است. لازم به ذکر است که شاکلی این کارگران دادگاه عمومی و دادسرای انقلاب می‌باشد.

این کارگران ۲۰ روز وقت دارند که به حکم صادره اعتراض کنند.

◀ در ۱۴ مرداد ۱۳۸۶ به دنبال صدور قرار مجرمیت و کیفرخواست برای مسعود حیدری، مدیر عامل سابق خبرگزاری ایلنا از سوی دادسرای کارکنان دولت، این پرونده به دادگاه عمومی تهران ارجاع شد و هم‌اکنون در دستور کار قضایی شعبه ۱۰۸۳ دادگاه عمومی تهران قرار دارد.

◀ در ۱۵ مرداد ۱۳۸۶، هیئت نظارت بر مطبوعات علت توقیف روزنامه شرق را مصاحبه این روزنامه با یکی از عناصر ضد انقلاب و مروج همجنس‌بازی که به این فسق علنی اشتها دارد عنوان کرد.

◀ در ۱۵ مرداد ۱۳۸۶، صد نفر از نمایندگان طی نامه‌ای از آیت‌الله هاشمی شاهرودی رفع توقیف خبرگزاری ایلنا را خواستار شدند.

◀ در ۱۵ مرداد ۱۳۸۶، ۳۱ نماینده در تذکری به احمد نژاد تشکیل کمیته

ویژه برای بررسی وضعیت دانشجویان بازداشت شده دانشگاه امیرکبیر و اعضای سازمان ادوار تحکیم وحدت را خواستار شدند.

◀ در ۱۵ مرداد ۱۳۸۶، سهیل آصفی، روزنامه‌نگار ایرانی، روز شنبه ۱۳ مرداد، پس از آنکه بر اساس احضار قبلی به دادگاه انقلاب تهران مراجعه کرده بود، بازداشت شد. ماموران دادستانی تهران، روز دهم مرداد، اقدام به بازرسی منزل مسکونی آقای آصفی و ضبط کیس کامپیوتر، لوازم کار، دفترچه تلفن‌ها، آرشبو مجلات، نوارها، نامه‌های خصوصی، پاسپورت و برخی لوازم شخصی او کردند.

◀ در ۱۵ مرداد ۱۳۸۶، سلیمان محمدی دبیرشورای صنفی دانشکده علوم اجتماعی و ارتباطات دانشگاه علامه طباطبایی از صدور حکم کمیته بر دو ترم تعلیق از تحصیل با احتساب سنوات، خبر داد.

◀ در ۱۵ مرداد ۱۳۸۶، ۳ تن از «اشار» به نام‌های عبدالعزیز اسماعیل زهی فرزند شیرمحمد، عبدالجمال شه بخش فرزند سلطان محمد و علی اکبر شه بخش فرزند عیسی حادئه اخیر کورین که منجر به کشته شدن چندتن از مامورین نیروی انتظامی در استان شد به اعدام محکوم شدند و این حکم، صبح امروز به اجرا درآمد.

◀ در ۱۵ مرداد ۱۳۸۶، ابراهیم اصغرزاده، دبیر کل وقت حزب همبستگی و صاحب‌امتیاز وقت ارگان مطبوعاتی این حزب (روزنامه همبستگی) به شعبه ۱۰۸۳ دادگاه عمومی تهران احضار شد.

◀ در ۱۶ مرداد ۱۳۸۶، یوسف مولایی یکی از وکلای مدافع منصور اسالو اظهار داشت: روز دوشنبه به اتفاق یکی دیگر از وکلای منصور اسالو به معاونت امنیت دادسرای تهران مراجعه کردیم و قصد ملاقات با قاضی حداد را داشتیم اما ایشان حضور نداشتند و ما مجدداً پیگیر ملاقات با ایشان هستیم.

◀ در ۱۶ مرداد ۱۳۸۶، دانشجویان بازداشت شده در بازپرسی اظهار داشتند «کلیه اعترافات تحت شکنجه اخذ شده، هیچ یک از اتهامات وارده را قبول نداریم، مجید توکلی طی تماسی که ۲ روز پیش با برادرش داشته به وی اعلام کرده که روز شنبه هفته جاری وی را برای انجام بازپرسی به دادگاه انقلاب برده‌اند. موسوی، بازپرس پرونده دانشجویان امیرکبیر، در ابتدا از مجید توکلی علت اعتصاب غذایش را جویا شده و سپس از او در خصوص اتهاماتش توضیح خواسته است.

پس از انجام بازپرسی، مامورین بند ۲۰۹ زندان اوین مجید توکلی را به اتاق قاضی حداد می‌برند. توکلی در حالی که قصد داشته خانواده اش را در جریان گفت‌وگوهای رد و بدل شده با حداد بگذارد، تلفنش توسط مسئولین بند ۲۰۹ قطع شده است.

◀ در ۱۶ مرداد ۱۳۸۶، گزارشگران اعلام کرده است: وضعیت کنونی که برای روزنامه‌نگاران و رسانه‌ها به وجود آمده غیر قابل‌پذیرش است. سهیل آصفی سومین روزنامه‌نگاری است که در طی هفته جاری بازداشت شده است، با دستگیری وی تعداد روزنامه‌نگاران زندانی در بزرگترین زندان روزنامه‌نگاران در خاورمیانه به ۱۱ نفر رسیده است. ایران باید به بازداشت، آزار و اذیت روزنامه‌نگاران که پی در پی به بازجویی فراخوانده می‌شوند و باید به اتهامات و سوالات بی‌پایه و اساس پاسخ دهند، پایان دهد.

۹ مرداد ماه فرهاد قربانپور و مسعود باستانی روزنامه‌نگاران بسیاری از روزنامه‌های اصلاح‌طلب و همکاران نشریه اینترنتی روز در تهران به دستور

در صفحه ۱۳



پول نفت را خرج می کنیم!؟

دادستان عمومی و انقلاب تهران سعید مرتضوی بازداشت شدند. مسعود باستانی ساعتی پس از بازداشت آزاد شد، اما فرهاد یافته است. علت بازداشت و احضار این روزنامه نگاران رسماً از سوی مقامات قضایی اعلام نشده است. در ۱۷ مرداد ۱۳۸۶، محمود علیزاده طباطبایی وکیل مدافع روزنامه‌ی توقیف‌شده‌ی «هم‌میهن» از برگزاری چهارمین جلسه‌ی بازپرسی غلامحسین کرپاشی در شعبه‌ی دوم بازپرسی دادسرای کارکنان دولت خبر داد و اظهار امیدواری کرد که آخرین جلسه، دوشنبه‌ی هفته‌ی آینده (۲۲ مرداد) برگزار شود.

در ۱۷ مرداد ۱۳۸۶، قاضی حداد معاون امنیت دادسرای عمومی و انقلاب تهران از تبدیل قرار هفت تن از بازداشت‌شدگان مقابل دانشگاه امیرکبیر و دفتر ادوار تحکیم به وثیقه خبر داد. قرار بازداشت موقت «بهاره هدایت»، «علی وقفی»، «عبدالله مومنی»، «علی نیکونستی»، «مجتبی بیات»، «محمد هاشمی» و «بهرام فیاضی»، هفت تن از بازداشت‌شدگان مقابل دانشگاه امیرکبیر و دفتر ادوار تحکیم به وثیقه تبدیل شده است. این عده، با سپردن وثیقه، آزاد شدند.

در ۱۷ مرداد ۱۳۸۶، احمد قصابان و احسان منصور در بازپرسی گفته اند: کلبه اعتراضات تحت شکنجه اخذ شده، اتهامات را قبول نداریم. زیر شکنجه از آنها اعتراف گرفته بودند که نشریه‌ی معمولی را که دستگاه سرکوب ساخته بود، آنها تهیه و انتشار داده‌اند.

در ۱۸ مرداد ۱۳۸۶، خیرهای رسیده از منابع اتحادیه سازسی کارگران بیکار کابکست که بازداشت‌شدگان "محاصره منزل اسالو" را به کلاتری ۱۴۷ نارمک منتقل کردند. در ۱۸ مرداد ۱۳۸۶، واکنش خانم رامایاده، معاون وزارت امور خارجه و حقوق بشر فرانسه به محکومیت آقای عمادالدین باقی، روزنامه‌نگار ایرانی و مدافع حقوق بشر به سه سال زندان «خبر محکومیت آقای عمادالدین باقی، روزنامه‌نگار ایرانی و مدافع حقوق بشر، به سه سال زندان، مرا به شدت تکران کرد. آقای باقی، در حکم اعدام، موقوف به دریافت جایزه حقوق بشر جمهوری فرانسه شد. ناگفته نماند که مقامات ایرانی اجازه ندادند برای گرفتن جایزه خود به فرانسه بیاید.

در ۱۸ مرداد ۱۳۸۶، ساعت ۱۶ نظاره‌هایی به دعوت گروه همبستگی با جنبش گارگری (برلن) در اعتراض به زندانی کردن محمود صالحی و بازداشت منصور اسالو با موفقیت برگزار شد.

در ۲۰ مرداد ۱۳۸۶، صالح نیکبخت - وکیل مدافع یعقوب یادعلی (داستان نویسی) - از برگزاری دادگاه موکلتش در اول شهریورماه خبر داد.

در ۲۰ مرداد ۱۳۸۶، پروانه حاجیلو به بند ۲۰۹ زندان اوین انتقال یافت. تقریباً ۲۴ ساعت پس از بازداشت پروانه حاجیلو و مراجعات مکرر نزدیکانش معلوم شد وی اوین زندانی است. به دلیل پراکنده بودن دیدارها و قرار ملاقات‌های بسیار در طول روز در خانه منصور اسالو، برآورد و تعیین نام بازداشت‌شدگان مقدور نیست.

در ۲۰ مرداد ۱۳۸۶، محمد شریف اظهار داشت که موکلتش پیش از این ۶ ماه را در زندان اراک بوده و اخیراً از سوی نهادهای امنیتی مورد بازخواست قرار می‌گیرد.

در ۱۹ مرداد ۱۳۸۶، مصطفی فرهاد، مدیرمسئول هفته‌نامه «بهار بروجرد» روز گذشته - چهارشنبه - در

شعبه دوم دادسرای بروجرد حاضر شد. مدیرمسئول هفته‌نامه بهار بروجرد اظهار داشت: شاکی این پرونده بدون پیگیری، تماس یا درخواست چاپ جوابیه در این هفته‌نامه، به شکایت اقدام کرده است. فرهاد گفت: پس از این شکایت، با دستبند مرا به بازداشتگاه بردند و ۲۴ ساعت در بازداشت بودم و در حال حاضر به قید ضمانت آزادم.

در ۲۰ مرداد ۱۳۸۶، حنیف یزدانی و مهدی عربشاهی، دو عضو شورای مرکزی دفتر تحکیم وحدت (طیف علامه) که در مقابل دانشگاه امیرکبیر بازداشت شده بودند، روز پنجشنبه با فرار وثیقه آزاد شدند.

در ۲۱ مرداد ۱۳۸۶، وکیل مدافع فرهاد قربان‌پور، خبرنگار روزنامه‌ی «هم‌میهن» از تعیین فرار وثیقه‌ی ۲۰۰ میلیون تومانی برای موکلتش خبر داد. در ۲۱ مرداد ۱۳۸۶، وکیل مدافع منصور اسالو، از متهمان پرونده‌ی کارگران شرکت واحد از بازداشت ۵ تن دیگر از موکلتش مقابل منزل اسالو خبر داد: ابراهیم مددی، یعقوب سلیمی، سید داود رضوی، گوهری و همایون جابری برای دیدار با خانواده‌ی اسالو به منزل وی مراجعه کرده بودند که مقابل آن‌جا بازداشت شدند.

در ۲۲ مرداد ۱۳۸۶، نخستین دادگاه اعضای کمیسیون یک میلیون امضا برگزار شد. دادگاه نسیم سربانندی و فاطمه دهنده‌ی روز ۲۱ مرداد در شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب برگزار و همان موقع هم حکم دادگاه اعلام شد. آنان به اتهام اقدام علیه امنیت ملی از طریق فعالیت تبلیغاتی علیه نظام محکوم شدند. استناد قاضی در مورد اتهام آنان ماده ۵۰۰ قانون مجازات اسلامی بود.

نسیم و فاطمه هر دو به ۶ ماه حبس تعلیقی تا ۲ سال محکوم شدند. در ۲۲ مرداد ۱۳۸۶، سه دانشجوی در بند پلی تکنیک طی نامه‌ای از زندان: شکنجه شدید! اعتراضاتی که تحت فشار اخذ شده بی اعتبار است.

در ۲۲ مرداد ۱۳۸۶، یک شهروند مهابادی به نام یازید سید احمدی فرزند عبدال... نیکجویان، در جاده پیرانشهر هدف گلوله یکی از ماموران نیروی انتظامی قرار گرفت و کشته شد. گفته می‌شود نامبرده که ساکن منطقه پشت تپ مهاباد بود، به بهانه داشتن گالای قاجاق مورد تیراندازی نیروهای انتظامی قرار گرفته است.

در ۲۲ مرداد ۱۳۸۶، کشتن سه نفر از شهروندان پانه ای. سبب شد که مردم به خیابانها بریزند و پاسگاه انتظامی را به آتش بکشند.

در ۲۳ مرداد ۱۳۸۶، هاجر زمانی، همسر فرهاد قربان‌پور خبرنگار روزنامه‌ی توقیف‌شده‌ی «هم‌میهن» از ملاقات با او در زندان اوین خبر داد. او وضعیت روحی وی نامساعد توصیف کرد و می‌گفت در انفرادی نگهداری می‌شود.

میزان قرار وثیقه‌ی همسرم، پیش از این ۲۰۰ میلیون تومان اعلام شده بود که با درخواست‌های مکرر ما، این مبلغ به ۱۵۰ میلیون تومان کاهش یافت اما تودیع این وثیقه‌ی سنگین برای ما مقدور نیست و متأسفانه اعلام نمی‌کنند اتهام همسرم چیست که چنین وثیقه‌ی سنگینی برای وی تعیین شده است و فقط می‌گویند اتهامش امنیتی است.

در ۲۴ مرداد ۱۳۸۶، «علیرضا هاشمی» دبیرکل سازمان معلمان ایران از سوی شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب به سه سال حبس تعزیری محکوم شد. اتهام هاشمی اقدام علیه امنیت ملی، اخلال در نظم عمومی و ترمذ از دستور پلیس عنوان شده است.

یکه تازی رهبری و اضمحلال نظام

رژیم جمهوری اسلامی ایران با حمایت گروه‌های مختلف اجتماعی بوجود آمد. مهمترین این گروه‌های حامی و قابل اتکا عبارت بودند از: بازاریان و اصناف، روحانیان، کارمندان. حمایت این گروه‌ها از جمهوری اسلامی یک حمایت خودخواسته و داوطلبانه بوده است و در قبال آن، امیدشان به بهبود اوضاع عمومی، بسط آزادی و استقلال کشور بوده و غیر از اینها هیچ چشمداشت ویژه‌ای نداشته‌اند. در گذشته، هیچ کدام از این گروه‌های موثر علیرغم میل خویش و یا با زور و یا به طمع زر و وسیم از نظام جمهوری اسلامی حمایت نکرده‌اند.

با تشکیل دولت آقای احمدی نژاد دوره «فصل» و گسست مهمی در تاریخ جمهوری اسلامی پدید آمده است. تحت لوای مبارزه با این یا آن خطر اقتصادی، مالی، اجتماعی یا فرهنگی، گروه حاکم بر کشور تحت مهندسی آقای خامنه‌ای و با دستیاری شورای نگهبان، در کوتاه مدتی موفق به ایجاد برش‌های مهم و دره‌های عمیقی در جامعه ایران شده است. دیوار بلند بی اعتمادی ملت نسبت به نظام حاکم بر کشور بطرز غیر منتظره و با سرعت زیادی رو به گسترش بوده و روز بروز بر ابعاد آن افزوده میشود.

این گروه موفق شده است اقشار اجتماعی حامی حکومت که در سطور بالا به آنها اشاره شد را بطور قطعی و غیر قابل برگشتی نسبت به حمایت و پشتیبانی از نظام جمهوری اسلامی منصرف و پشیمان نماید.

در همان حال، رهبری نظام و حامیان او که در نظر داشتند حمایت اقشار تقی دست را جایگزین پشتیبانان سابق نمایند و ریزش نیروهای از نفس افتاده را بوسیله خیل تازه نفسان جبران کنند، بطرز فاجعه آمیزی در این ماموریت خویش دچار شکست شده‌اند. بطوریکه امروزه هم حامیان سابق از دست رفته‌اند و هم سیاست جایگزینی آنها بوسیله حامیان جدید، که همگی در پی مزد و روزی‌اند، دچار شکست غیر قابل انکاری شده است.

سرخوردگی گروه اخیر را باید به عنوان یکی از داده‌های مهم در تحولات آتی جامعه ایران بشمار آورد. به علاوه دستگاه حکومتی در اتخاذ سیاستهای مدبرانه‌ای که به حل مشکلات و معضلات کشور منجر شود شکست سختی خورده است. و از آنجائی که این شکست با زندگی روزمره مردم سروکار دارد و بوسیله گوشت و پوست قابل لمس است، هیچ قدرت تبلیغاتی و هیچ معجزه‌ای نه می‌تواند منکر آن شود و نه میتواند مسئولیت آنرا متوجه دیگران نماید! ناکار آمدی نظام جمهوری اسلامی آن چنان بر همگان عیان است که نیازی به بیان ندارد. ادامه نابسامانی‌ها و مشکلات کشور، لاجرم منجر به اعتراضات روز افزون مردم خواهد شد.

دستگاه جمهوری اسلامی، در مواجهه با این اعتراضات بر هیچ گروه و قشر اجتماعی خاصی، به استثناء عده‌ای مزد بگیر، نمیتواند حساب بکند. در نتیجه و لاجرم بجای پاسخ مناسب به تمناهای مشروع مردم ناراضی، تنها میتواند به ابزار سرکوب و اختناق متوسل گردد. اما سرکوب و اختناق در

هیچ حکومتی و در هیچ مقطعی از تاریخ، بدون حمایت بخشی از مردم کشور، ولو بخش اندکی، پاسخ مثبت نداده است.

به عبارت دیگر، کارآمدی سرکوب و اختناق ارتباط مستقیمی با حمایت اجتماعی دارد. اگر سرکوب و اختناق دهه اول انقلاب پاسخ مورد انتظار حاکمین را دریافت نمود، دلیلش را در شدت و حدت سرکوب نباید جست. موفقیت آن سیاست عمدتاً به دو دلیل بود: اول آنکه اعتراضات آن دوره محدود به بخش بسیار معدودی از مردم کشور یعنی عمدتاً جزئی از دانشگاهیان و روشنفکران میشد و دوم آنکه اقشاری از جامعه از دستگاه حکومتی (و نه از سرکوب) و اقشاری دیگر از هر دو (هم حکومت بطور عام و هم از سرکوب) حمایت میکردند.

امروزه ما با وضعیت شدیداً متفاوتی روبرو هستیم. دستگاه حکومتی از یکطرف حامیان خود، اعم از اقشار اجتماعی طرفدار و یا مستخدمین و کارگزاران حکومتی موجود در بدنه نظام و گروه‌ها و احزاب سیاسی، را از خود رانده است و از طرف دیگر، نارضایتی‌ها و اعتراضات نه از طرف معدودی از دانشگاهیان و یا روشنفکران که از طرف خیل عظیم مردمان ناخرسند بیان خواهند شد.

کاربرد روزمره خشونت از طرف دستگاه ولایت فقیه و نیز فقد احزاب و سازمانهای میانجی باعث خواهند شد که این اعتراضات، به احتمال قریب به یقین، بصورتی بسیار خشونت آمیز بیان شوند!

دستگاه جمهوری اسلامی، با توجه به وضعیتی که در آن قرار دارد، ابزار پاسخگوئی مناسب به درخواست‌های مشروع مردم ناراضی را نخواهد داشت. در نتیجه و لاجرم تنها وسیله‌ای که میتواند به زعم خود برای خواباندن ناآرامیها و اعتراضات مردم ناراضی مورد استفاده قرار دهد ابزار سرکوب است. اما برخلاف انتظار دستگاه حکومتی تحت رهبری آقای خامنه‌ای، سرکوب مردم معترض، خاصه آنکه فاقد رهبریت نیز هستند و در نتیجه کانالیزه کردن آنها نیز نامیسر است، تنها به حاد شدن نارضایتی‌ها و عود کردن مشکلات منجر شده و به بلوا و ناآرامی‌های غیر قابل کنترلی سرباز خواهند کرد. در همان حال، سرکوب مردم ناراضی، در فقدان حمایت اقشار مختلف اجتماعی، لاجرم باعث تشنج و چند دستگی نیروهای سرکوبگر و مزد بگیر خواهد شد و اضمحلال و فروپاشی نظام حاکم بر کشور را تسریع خواهد کرد.

تاکید بر اضمحلال محتوم دستگاه جمهوری اسلامی بر حسب اتفاق نیست. به بیان دیگر برخلاف تفکر خوش بینانه برخی از تحلیلگران سیاسی، مشکلاتی که دولت آقای احمدی نژاد به مهندسی آقای خامنه‌ای و دستیاری شورای نگهبان بوجود آورده و تشدید میکند، تنها دامن رئیس جمهوری اسلامی را نخواهد گرفت. بازگشت اصلاح طلبان و یا سایر میانه روها که ممکن است به تعدیل وضع خطرناک موجود منجر شود، تقریباً غیر ممکن است. قطار فروپاشی با سرعتی بالا، بی ترمز و بی فرمان، در سراشیب سقوط قرار گرفته، راننده و کمک راننده اش نیز بی خیال، سرمست و شنگولند!

بعلاوه، رهبری بی مهار آقای خامنه‌ای و حمایت‌های او از دولت و نیز حمایت بی قید و شرط مجلس هفتم از دولت آقای احمدی نژاد و همراهی‌های جناح راست سنتی و بی برنامه‌ی

و سردرگمی و تشنج اصولگرایان، همه و همه نشان از آن دارد که، خواسته یا ناخواسته، سرنوشت آنها با سرنوشت دولت آقای احمدی نژاد گره خورده است. و چون سقوط آقای احمدی نژاد محتوم است، تمامی کسانی که با او همراه و یار بوده‌اند، لاجرم با او نیز غرق خواهند شد.

یکی از مهمترین خاصیت‌های دولت آقای احمدی نژاد و رهبریت یک تازانه آقای خامنه‌ای، در ویران کردن پلهای پشت سر، خراب کردن میان برها و مسدود نمودن تونلهای اضطراری نهفته است. نتیجه آنکه در هنگام بروز بحرانی اجتناب ناپذیر آتی، جمهوری اسلامی، مجموعه دستگاه و نظام، امکان مانور هر چند ناچیزی را نخواهد داشت.

کارزار تبلیغاتی سنگینی که بر علیه مهمترین جوکرهای حکومتی مانند آقایان خاتمی، هاشمی، کروبی، روحانی، شاهرودی و حتی واعظ طبسی و ناطق نوری و امثالهم در جریان است و عطف نظر باینکه با تدارکات اخیرمصطفی خامنه‌ای و دوستانش بزودی وارد فاز جدیدی خواهد شد، باعث میشود که در زمان بحران، استفاده از این عناصر یا ممکن نباشد و یا به نتایج مورد نظر منجر نگردد.

شکست محتوم دولت آقای احمدی نژاد و بی اعتباری رهبر یک تاز و دستیاران شورای نگهبان، عطف نظر به حذف عناصر جانشین، چه بسا بخشی از تصمیم گیران فوق افراطی حکومتی را، در فاز بعدی، به این نتیجه برساند که کلید حل مشکلات در حذف آقای خامنه‌ای که او را متذبذب خواهند یافت باشد. امری که اوضاع را بغرنج تر کرده و فروپاشی را سریع تر خواهد کرد. بدین ترتیب هر تقلائی فرو رفتن بیشتر در باتلاقی را سبب خواهد شد.

وضعیت فعلی به گونه‌ای رقم خورده است که احتمال موفقیت تنها فرضیه قابل تصور نیز، در عمل، بسیار پایین است. شاید مهار رهبری بوسیله مجلس خبرگان و احتمالاً برکناری سریع آقای خامنه‌ای و نصب رهبری (یا شورای رهبری) مقبول و معقول و غیر متکبر میتواند تا حدودی به تعدیل وضع خطرناکی که دامن نظام حاکم را فراگرفته است منجر شود.

اما سرعت تحولات، کندی تصمیم گیریها، تزلزل صاحب منسبان، خوش خیالی برخی، بی خیالی برخی دیگر، جهل بسیاری و بی انگیزگی سایرین، به گونه‌ای است که میتوان گفت که اولاً احتمال چنین فرضیه‌ای بسیار پایین و بلکه ممتنع است و ثانیاً تنها میتواند به تعدیل موقت اوضاع خطرناک فعلی منجر گردد.

قدری تأمل کنیم، ورق در حال برگشتن است.

حذف روحانیان، رویگردانی بازار و اصناف، نارضایتی معلمین و کارمندان، زخم کهنه دانشگاهیان و روشنفکران، تنفر زنان و جوانان و بالاخره گرسنگی کارگران و محرومان همه و همه دلایل متقن دیگری بر فروپاشی و اضمحلال محتوم نظام ولایت فقیه می‌باشند، اضمحلالی که بحران خارجی نیز نه یارای جلوگیری از آنرا خواهد داشت و نه حتی به عقب خواهد راند.



نقش بازیگران سیاسی وابسته، در استقرار و

استمرار استبداد در ایران - ۲

را با کمال تعجب جهان سرمایه داری و نظم نوینش خواندند و هر از چندی در ائتلافی نامیمون شرکت جستند. باید مردم ایران که با شهامت و جسارت خویش با نه گفتن به ابر قدرتها، حق حاکمیت خویش را طلب کرده بودند «تنبیه» میشدند. حقارت آقای خمینی در بنده قدرت شدن با نقض اصول انقلاب و سپس بر قراری سلسله روحانیت و ضعف مخالفین حاکمیت در ایران (که هر گز از چارچوب نظام بیرون نیامدند) که بعضا خود در انقلاب شرکت داشتند (حالا معلوم میشود که آن زمان به آن اعتقاد نداشتند و به پیروی از مردم و برای اینکه عقب نمانند با آن همراهی کردند) در دفاع از اهداف انقلاب و حرکت مردم و بیشتر از آن در نفی کردن انقلاب و خشونت خواندن آن و پیش کشیدن بحث اصلاح نظام مطلقه بدون اینکه ابزار لازم آن را در اختیار داشته باشند، این فرصت را برای آنها فراهم آورد تا با تبلیغات، در راستای ابهام در باره انقلاب، خشونت ضد انقلابی حاکمین ایران (روش انقلاب ایران عدم خشونت بود) را به انقلاب نسبت بدهند و ادعای افراد مذکور را نیز شاهد بگیرند. در آشفته بازار ابهام سازی آنانی نیز که در استقرار استبداد در ایران یاری رسان آن بودند امروز با بکار گیری زبان فریب در لباس مبارزه با استبداد، ظاهرا دلسوزی برای "ملت‌های" (همان خلقهای سابق) تحت ستم را توجیه گر ائتلاف با سلطنت طلبها و در واقع پهلوی طلبها و سرسپردگان به آمریکا کرده اند و نام آن را هم «واقع گرایی» گذاشته اند. چنان واقع گرا شده اند که غیرتشان به ارباب از خود ارباب بیشتر شده است! وزیر امور خارجه و رئیس جمهوری آمریکا، بنام دولت آمریکا، مسئولیت کودتای بیست و هشت مرداد ۱۳۳۲ را بر عهده گرفته و آن را اشتباه تاریخی خواندند. ولی این جماعت در کار تخریب مصدق اند، زیرا خوب میدانند که مصدق گرچه از نظر شخصی شخصیتی نمونه است اما مظهر یک فکر و راه و روش سیاسی نیز هست. راه و روشی که مجالی برای مداخله بیگانه در امور داخلی ایران باقی نمی گذارد. لذا باید او را و شخصیت های انقلاب ایران را که بر اصول استقلال و آزادی و برعهدهی که با مردم بسته اند وفادارند، مورد حمله قرار داد و تا میشود در باره آنها ابهام ایجاد کرد. اما عرض خود میبرند و زحمت ملت میدارند. در حالیکه در همسایگی ما، مردم دو کشور افغانستان و عراق گرفتار این «واقع بینی های» ذهنی و ائتلاف وابستگان اند، درس بایسته را نگرفته اند و در انتظار روز واقعه اند. آقای شرفی قائم مقام رهبری حزب دموکرات کردستان بنا بر ولایتی که برای خود بر کردها قائل است، حضور آمریکایی ها در منطقه را مطلوب کردها میدانند و وعده میدهد که در صورت حمله، چهار میلیون کرد مسلح

کردن خط استقلال و آزادی، این استبداد است که تقویت و باز سازی میشود و بدنبال آن این حقوق ملی مردم ایران است که تصبیح میگردد. با کودتای خرداد ۶۰ اولین تجربه مردم ایران برای استقرار جمهوری عظیم ماند و سلسله روحانیت به رهبری آقای خمینی با کشتار و جنایت بنا نهاده شد. این بار نیز شاهد (بمانند ۲۸ مرداد) همکاری حزب توده و حتی بخشی دیگر از وابستگان به «جهان سوسیالیسم» و رهبری پرولتاریا «علیرغم اختلاف ایدئولوژیکی ای که با جناح کودتا گر داشتند هستیم. رهبری وابسته آنها با یاری ازمنطق صوری با چشم پوشی بر زدو بندهای انجام شده با امپریالیسم از سوی ملاتاریا، حرکت آقای خمینی و سران حزب جمهوری اسلامی در کسب قدرت را مردمی و «ضد امپریالیستی» خواندند و تا آنجا پیش رفتند که در ماجرای کشتار سال شصت به همین بهانه، برای شماری از اعداها کف هم زدند و در مواردی در بازجویی های بی رحمانه یا شرکت کردند و با طرف شور شدند. طرف دیگر ماجرا آنانی هستند که توسط انقلاب از سوی مردم رانده شده بودند که با روابطی که در دوران شاه در وابستگی به جهان سرمایه داری ایجاد کرده بودند، با مراجعه به قدرتهای خارجی و عوامل آنها در منطقه از قبیل اسرائیل و صدام، همه کار کردند تا مردم که مرتکب گناه نابخشودنی مطالبه حقوق ملی خویش شده بودند، به این حقوق نرسند. همکاری تنگاتنگ تیمسارهای "ارتش شاه" حضوراویسی، آریانا و... در عراق) با صدام در تدارک جنگ و حمله به ایران سندی است که در تاریخ به این عمل ننگین شهادت میدهد. همانطور که یاد آور شد پس از انقلاب، جو اعتماد بر جامعه ایران حاکم شد و نوید آینده روشنی را میداد. اما متأسفانه این روشنی امید بخش با عطف به قدرت از سوی خمینی و بیانهای مبهم متضاد از سوی به ظاهر مخالفان او) به ظاهر، زیرا درهدف که کسب قدرت است با هم اختلافی نداشتند و فقط کی حاکم شود مورد اختلاف بود و در رسیدن به این هدف متوصل شدن به هر وسیله ای ولو قدرت خارجی و جنگ خانمانسوز مجاز میشود) کدر شد. با فروپاشی امپراتوری شوروی و سپس فرو ریختن دیوار برلین، واقعیت دیکتاتوری پرولتاریا آشکار شد. این حوادث (حساب وابستگان و نوکر صفتان به کنار)، بر آنانی که به سوسیالیسم ورفاهی که وعده میداد باور داشتند و برای گذار به آن، دیکتاتوری پرولتاریا را اجتناب ناپذیر میدانستند، ضربه بیدار شو بود: بیدار شو و دریاب که با دیکتاتوری از هر نوع به رفاه نمیشود رسید. اما با یک قطعی شدن جهان و سنگینی کفه ترازوی قدرت به سوی جهان سرمایه داری، و ادعای بر قراری نظم نوین در جهان از سوی این قدرت اختلاف نیروهای سیاسی وابسته به دو جهان در ایران نیز از میان رفت و وابستگان به جهان «سوسیالیسم» قبله جدید خود

وضعیت نظام شوروی در مقالات و قبول امضای توافق بر سر امنیت خلیج فارس)، روسیه از ا و حمایت میکند و گرنه از گروه رقیب او، یعنی حزب جمهوری به رهبری بهشتی و اما چون انقلاب پدیده ای جهانی است نا گزیر انقلاب ایران نیز تاثیر خود را بر جهان نهاد و در فروپاشی شوروی و نظامهای دیکتاتوری در جهان تاثیر مهم بخشید. حال چرا مردمی که خود پیشگام چنین حرکتی شدند که چنان تاثیر جهانی داشت خود گرفتار بندهای استبداد شدند؟ یک روی واقعیت، عطف آقای خمینی به استبداد و روحانیتی که خواب سلسله روحانیت را میدیدند و دست بکار ایجاد آن شدند است و روی دیگر واقعیت جامعه در ایران آن روز، نقش آنانی است که به امور سیاست به طور سازماندهی شده می پرداختند و گرنه در اوایل انقلاب اکثر مردم در امور سیاسی مداخله میکردند و سیاست در زندگی روزمره حضور داشت و این یکی از خاصه های انقلاب بود که مردم خود را بانقش بدانند. اما هر روز که نقش مردم کم میشد و گروه های سیاسی که حالا نقش مردم را تمام شده میدانستند بیشتر وارد صحنه شدند، خطر بازسازی استبداد افزایش یافت و میدانیم هر وقت حضور مردم در صحنه کم میشود و سیاست بازی در سرنوشت مردم نقش پیدا میکند پای قدرت خارجی و تابع وابستگان به آنها به میان می آید. با مطالعه در اسناد تاریخی و بنا بر تجربه نیز، میدانیم که تا ضعف و اعتبار به قدرت افرادی در درون نباشد قدرتهای خارجی توانا به دخالت در امور هیچ ملتی نیستند. کما اینکه در ایران، بنا بر اسناد منتشره از سوی وزارت خارجه آمریکا این شاه است که اول بار پیشنهاد کودتا و مهار مصدق را به انگلیس و آمریکا میدهد و پس از انقلاب، در جریان گروگانگیری، گرچه بنا بر شواهدی، طرح گروگانگیری از سوی آمریکا و به قصد مهار انقلاب ایران انجام پذیرفت اما این ملاتاریا بود که کسب قدرت و استقرار ولایت مطلقه سلسله روحانیت را مجوز زد و بند بر پله های مرمرین با آمریکایی ها و گروه ریگان- بوش کرد و در همان حال این وابستگان به جهان کمونیسم بودند که با پس زدن مردم و خود را پیشتاز مبارزه «خلقها» برای رهایی آنها خواندند و نهایتا در جهت سازماندهی انقلاب دوم و بر قراری دیکتاتوری پرولتاریا کمک و یاری برادر بزرگ خویش و مادر شهر اردوگاه سوسیالیسم را خواستار شدند. متأسفانه آنانی که به استقلال و آزادی باور داشتند نیز خود از این اصل که همواره باید مرد را به حق سنجید و نه حق را به مرد غفلت ورزیدند و با اعتمادی که به مقام مرجعیت داشتند از عطف خمینی به قدرت و فریبکاری های او (توریه) غفلت ورزیدند. با این وجود، هنگامی که به اشتباه پی بردند و در صدد جبران بر آمدند، علیرغم همراهی افکار عمومی، با مخالفت جریانات وابسته روبرو گشتند که گروه های سیاسی ای که هر کدام منافع خویش را بعضا در قالب "حقوق خلقها" می جستند و عمدتاً (رهبران وابسته) و یا سهوا (معتقدین آرمانخواه) از این امر غفلت میکردند که با ضعیف

انقلاب ایران باهدمندی و همراهی تمامی ملت («خلقها») و محترم شمردن حقوق همه مردم ایران ممکن گشت و نه با قائل شدن به تبعیض و «حق ویژه» برای قومی خاص. اگر چنین نبود، جنبش عقیم میماند و امروز فقط نامی از جنبشهای پراکنده در شمال و جنوب و شرق و غرب کشور که هر کدام علاوه بر اینکه حق ویژه ای برای خود قائل بوده اند گوشه چشمی و یا بیشتر از آن، به بقیه مردم نیز داشتند باقی نمانده بود. چه خوش گفته عارف بزرگ مولوی: همدلی از هم زبانی خوش تر است...

با پیروزی انقلاب، وجدان عمومی جامعه ایران بمانند هر جامعه انسانی بر فطرت خویش یعنی عدم خشونت گرایش پیدا کرد. در غیاب نیروهای انتظامی و نظامی، این اغلب مردم کوچه بازار بودند که حفظ نظم و نظام جامعه را بر عهده گرفتند و خود را در امر اداره جامعه شریک دانستند. اعتماد بر سوء ظن غلبه داشت. جامعه ایران زیبا شده بود. به خاطر دارم در اوایی که نماز جمعه به امامت آیت الله طالقانی بر پا بود، با دوستان عازم نماز جمعه بودیم. در حال گفتگو به دوستم گفتم با این جمعیت که در راه است ستم حتما جای دوری نصیب ما خواهد شد و صدا خوب بما نمیرسد که فردی بر شانه ام زد، صاحب مغازه ای بود که وسایل صوتی می فروخت، گفتگوی ما را شنیده بود. رادیویی به من داد و گفت چون خطبه ها از رادیو پخش میشود، این رادیو را همراه داشته باش و به هنگام بازگشت به من پس بده. خوانندگان گرامی نیز حتما خود یا شاهد یا ناظر چنین صحنه هایی بوده اند. حتی وضع توافیک شهری بهبود نسبی یافته بود. جامعه ایران آمادگی کامل داشت تا نظامی بر اساس مشارکت عمومی را بر قرار سازد و حق حاکمیت ملی استقرار یابد. متأسفانه آقای خمینی از درک این مهم عاجز بود. او که در پاریس استقلال و آزادی و اسلام) به قول خودش اسلام مترقی نه مرتجع. او گفت: «ما که میگوییم آزادی، استقلال، مردم‌تجیم»... را سه رکن اصلی و جدا ناپذیر خواند و موازنه عدمی را در قالب شعار نه شرقی، نه غربی پذیرفت و بدان رهبری جنبش را یافت. در بازگشت به ایران، اسلام مقدم است را پیشه کرد و در ناسیاسی از مردم که او را تا عرش بردند، در مقابل پیشنهاد رفراندوم ملی و قانونی که از سوی رئیس جمهوری وقت شد، گفت: ۳۵ میلیون بگویند بله من میگویم نه! او برای استقرار استبداد دینی و ولایتش بر جامعه نیازمند تفرقه بین مردم بود و جاسوسی و سخن چینی افراد جامعه از هم را واجب کرد در حالیکه دینی که بنامش سخن میگفت، جاسوسی را حرام میدانند.

پیروزی انقلاب در ایران، با موقبت استراتژیکی که دارد گویای یک پیام و تحول بزرگ جهانی نیز بود. پیام این بود: دو ابر قدرت ضعیف شده اند و در کار مهار جامعه های در حال جنبش ناتوانند. حال اگر در ایران نظام مردم سالار استقرار می یافت تاثیر آن بر منطقه قطعاً منافع قدرتهای جهانی را به خطر می انداخت. بی جهت نبود که کیسینجر از پیدایش ژاپن دومی در منطقه (اشاره او به ایران بود) و خطرات آن برای جهان سرمایه داری بخصوص آمریکا اظهار نگرانی کرد و سفیر شوروی در ایران به آقای بنی صدر رئیس جمهوری وقت می گفت: به سه شرط (۱- عدم حمایت از جنبش مردم افغانستان ۲- عدم توضیح

را در اختیار آمریکا میگذارد! واقع گرای حکم میکند که رضا پهلوی که عنوان خویش را از پدر به ارث برده و بنا بر این سلطنت بر ایران را «حق» و ارث پدری خود میدانند، با کسانی که نظام موروثی را قبول ندارند و با کسانی که بنام «ملت‌های ایران» و حق تعیین سرنوشت آنها در خواب تجزیه ملت ایرانند، ائتلافی که هدفش آلترناتیو سازی کاذب است، همایش داشته باشند. باید جمهوری را هم در ابهام برد تا فضای سیاسی ایران شفافیت لازم را نیابد و حماقت و نادانی حاکمان در ایران به پای جمهوری نوشته شود نه استبداد ضد آن و مردم مستاصل را نیز «واقع بین» کند تا ناچار به راه حلی مانند افغانستان و عراق تن دهد.

اما آنچه که حقیقت است این است که امروز مدل های افغانستان و عراق شکست خورده است. با لویی جرگه و کنفرانس لندن و ائتلاف چلبی و علاوی و حکیم نه تنها مردم افغانستان و عراق به حق خود و آرامش و آسایش موعود نرسیدند بلکه با انفعال و واگذاشتن سرنوشت خویش در دست سیاست بازان وابسته، همه روزه نظاره گر ویرانی کشور خویشند.

امروز موجودیت ایران در خطر است. به سالگرد کشتار شهرپور نزدیک میشویم. آنها که به تیغ ستم خونشان ریخته شده است و یا بدار کینه آویخته شده اند و آنان که در جنگ خانمان سوز و دفاع از وطن، خونشان بر زمین ریخته است، در سر آرزوی آزادی هموطنان و استقلال و آبادی ایران را داشته اند. پس، بر تک تک مردم ایران است که حفظ وطن و خون شهیدان راه استقلال و آزادی آن را پاس دارند. بر گروه ها و مبارزان سیاسی که دل در گرو استقلال و آزادی دارند است تا با شفاف سازی، پرده ابهام را از چهره انقلاب بزدانند تا زیبایی آن بر نسل امروز که سانسور و تبلیغات سوء مانع شده تا آن را آنطور که بوده ببیند آشکار گردد. بر پدر و مادران نسل انقلاب است تا واقعیت روزهای پر شکوه انقلاب را باز گویند تا نسل امروز دریابد آنچه بر ایران و ایرانی رفته است نه ثمره انقلاب بلکه نتیجه اعمال ضد انقلاب است چه حاکمان در قدرت و چه وابستگان به بیگانه ی در جستجوی قدرت. بر تک تک ماست تا از آنچه در اطراف ایران میگردد درس بایسته را بگیریم. اگر خود سرنوشت خود را رقم نزنیم و این کار را به دیگران واگذاریم سرنوشتی بهتر از افغانستان و عراق در انتظار ما نخواهد بود. از انفعال بدر آئیم، رژیمی که تاب نقدی کوچک از جانب اقتصاد دانها و سئوالهای جدی از زبان روزنامه نگار تلویزیون خود را ندارد ضعیف تر از آن است که قادر باشد جنبش عمومی و به دور از خشونت مردم را تاب بیاورد. اگر در ایران حق حاکمیت مردم بر سرنوشت خویش استقرار یابد، خون تمامی شهیدان از جمله قربانیان دهه های ۶۰ و ۶۷ به ثمر نشسته است. روحشان شاد و یادشان پایدار.



منشور روحانیت

می کنیم که از نظر ایمان، علم و عقل از هر سه تهی هستیم از اشتباهات خودم از پروردگار طلب عفو می نمایم."

حال به بررسی جملات بالا می پردازیم تا نقش "روحانیت" در سقوط انسان و ارزشهای دینی را بهتر دریابیم. ۱- "مثلا روی چیزهای الکی و غیرمهم مانور می دادم...."

چیزهای الکی و غیرمهم به زبان قرآن یعنی "باطل". اما چرا روحانیت بروی باطل "مانور" می دهد؟ زیرا در جامعه آرمانی او، انسان باید از حق خود تهی و با باطل خو کرده باشد تا او بتواند سلطه خویش را برقرار نگه دارد. در چنین جامعه ای، آن چه مورد قبول انسانهاست و "حق" تلقی میشود همین "چیزهای الکی" می باشند. لازمه سلطه گری، بیگانه کردن مردم با حقوقشان است. زیرا وقتی انسان از حقوق و کرامت خویش غافل شد، خود را بزبون می بیند و برای جبران این زبونی، وابسته میشود به "قدرتی" خارج از خود تا با آن قدرت این همانی بجوید و خلأ خود را پر کند. مذموم بودن شرک و بت پرستی از این بابت است که انسان را به پست ترین مرحله، یعنی تقلید از دیگری بدون تعقل سقوط می دهد. بی دلیل نیست که در فقه و احکام شرعی محصول حوزه های علمیه، سخنی از حقوق به میان نیامده است و آنچه هست، تکالیفی هستند که عمل به آنها واجب می باشند. در جهان بینی روحانیت، کار انسانها باید اطاعت از دین (روحانیت) باشد. این "فوج فوج" آمده، برای پر کردن خلأ درونی ای است که در پی بی توجهی به حقوق و کرامت ذاتی به وجود می آید. چنین انسان بی هویت شده ای آماده جذب شدن به یک نیروی "بترتر"، یعنی تبهکار است. حال یکی را روحانیت جذب خود میکند و به جمکران گسیل می دارد و دیگری مجذوب ابر قدرت آمریکا میشود تا به دکتر محمد مصدق ناسزا بنویسد.

۲- جمع کردن "صدقات". جمع کردن صدقه (منبع مالی)، که از دیرباز در میان روحانیت (همه ادیان) مرسوم بوده است یکی از رشته های همبستگی و وابستگی بین مردم و روحانیت است. از سویی یکی از منابع تأمین مالی این نهاد است و از سوی دیگر، صدقه دهنده خود را بدینوسیله به نوعی شریک و سهام دار این نهاد تلقی می کند. در نتیجه بردوام این رابطه می افزایشد. صدقه دادن یعنی پرداخت پول برای رسیدن به هدفی عالی بدون زحمت کشیدن. مثل جلوگیری از بلایا بدون زحمت پیشگیری و یا بدست آوردن سلامتی بدون اقدام به درمان و یا قبولی در امتحانات بدون درس خواندن و غیره می باشد. حال خود قضاوت کنید، انسانی که به کاربرد این صدقه اعتقاد

تشیکیلاتی به مخالفت برخاستند، اما این نهاد با بی رحمی خاص خود به هر وسیله، حتی اگر لازم می بود با کشتن، آنها را از سر راه خود برمی داشت.

چندماه پیش یک روحانی را در تهران به نام آیت الله کاظمینی بروجردی به جرم ادعای تماس داشتن با امام زمان عج دستگیر کردند. متن زیر برگرفته شده از "اعترافات" است که سایت مرکز اسناد انقلاب اسلامی اخیراً انتشار و به او نسبت داده هر چند که سایت منتسب به ایشان آنها را تکذیب نموده است. در هر حال، سخن منطبق است با کردار آن دسته از روحانیت سلطه گری که اکنون بر کشور حکومت می راند. شماره گذاری جملات و تأکید از نویسنده است به این هدف که خواننده گرامی توجه خویش را به موضوعات مطرح شده بیشتر جلب کند. این موضوعات حقایقی هستند که از زبان یک روحانی جاری شده (یا جاری کرده اند) و برای آشنائی بیشتر با "نهاد روحانیت" که مرکز اسناد انقلاب اسلامی تحت "اعترافات" به آن حقایق می پردازد کمک فراوان میکند:

۱- "مثلا روی چیزهای الکی و غیر مهم مانور می دادم من تقویم چاپ می کردم عکس مرقد حضرت امام کاظم را می گذاشتم کنار مقبره پدر و پدر بزرگم و پدرش که در بروجرد مدفون اند... می خواستم یک جوری تبلیغ کنم بعد آنها را برسوم به اجدادم یا مثلا همین که فرزند ۲۷ امام سجاد (ع) بودم را توی تیراژ وسیعه با عکس های خودم چاپ کردم بعد گفتم ببرند توی دهات ها و شهرستانها طوری شده بود که وقتی می گفتند فلانی اینجا برنامه داره جمعیت فوج فوج می آمدند ۲- می گفتم پول رفت و آمدها و اتوبوس را از محل صدقات جمع آوری کنید و ... ۳- و همه اینها از روی هوای نفس بود ... یقینا جلسه بعدی ام که سیزده رجب بود این اتفاق می افتاد یعنی جوری می شد که استاد یوم ها جا نداشت... وقتی در آخرین منبر در استاد یوم شهید کشوری و رفتم روی سن نشستم اون ته سالن را که دیدم سیاهی می زد سرم گیج رفت آن غرور نفسانی مرا گرفت گفتم خوب الحمدلله آدم شدیم این مملکت کسی با دست خالی بدون روزنامه بتونه این جمعیت را جمع کند.

وی در پاسخ به این سوال که جمعیت به فرض جمع شوند شما که معلومات کافی را نداشتید، میگوید: ۴- خوب من که بحث علمی نمی کردم نیم ساعت دعا و توسل میخواندم دعا را دیکلمه وار میخواندم قسمتی از زبور، خودم هم شعر می سرودم. صوت خوبی هم داشتم و در آهنگ های مختلف می خواندم ... ۵- به خاطر چی به خاطر اینکه به اینها می گفتم بیاند حاجت بگیرند ... ۶- از بس که روی اینها روانشناسی کار می کردم و روی مخشان اینها میخکوب می شدند بلد بودم مخ بتکونم ۷- نمی بایست می کردم حالت جنون پیدا کرده بودم الان من فکر

در بین مردم یا دسته هائی از مردم تثبیت کردند. رابطه نخبه و روحانی با مردم عادی تبدیل به رابطه خادم و مخدوم، خواص و عوام و مرجع و مقلد و... شد. حقیقت این رابطه اما، چیزی جز رابطه سلطه گر- زیر سلطه نبوده و نیست زیرا انسان را از آزادی خویش غافل کرده و نیروی تعقل او را زایل می کند.

در این میان، پیامبرانی در طول تاریخ ظهور کردند تا این رابطه نا برابر و حتی متضاد را از میان بردارند و برابری و برادری و اخلاق را بین انسانها رواج دهند. به آنها اعتماد به نفس بدهند و به مسئولیت بخوانند تا بر کرامت خویش واقف شوند و مستقل عمل کنند و خود را آزاد کرده اسیر هم نوعان خود نشوند. اولین کار آنها، جایگزین کردن پاسخ های درست و با آوردن بیانی روشن بر مجهولاتی بود که نخبه ها و روحانیان با استفاده از آنها و ساختن پاسخهای مناسب سلطه گری، جامعه را عقب تکه داشته تا بر انسانها چیره شوند. نظری گذرا بر کتابهای آسمانی، به راحتی روشن میکند که بر خورد پیامبران همواره با این قشر از نخبگان یا روحانیان بوده است. و این قشر بوده که برای حفظ منافع خود، در برابر پیام آزادی و عدالت پیامبران مقاومت میکرده تا جانی که برخی از آنان را هم به قتل رسانده است.

بیشترین تلاش پیامبر اسلام در مبارزه و برخورد با این قشر صرف میشد. تأکید قرآن بر اینکه پیامبر همانند دیگران است و فرقی مابین او و دیگران نیست، در همین راستا بوده تا از تشکیل چنین قشری بعد از رحلتش جلوگیری شود. و تا مدتهای زیادی هم چیزی به نام روحانیت در اسلام وجود نداشت.

اختلافات اساسی که بین بینش علی ابن ابیطالب (ع) و دیگر خلفای راشدین بر سر اداره امور مملکتی از قبیل به میان آوردن ضرورت نظر مردم و دخالت آنان در اداره امور و تأکید بر عدالت وجود داشت، بعدها به عنوان یک پیش از دین مطرح شد که لازمه اش تشکیل قشری از نخبگان به نام روحانیان گردید. اما دیری نپایید تا آنچه نباید، به وقوع بپیوندد. استبداد های حاکم بر کشورهای اسلامی سبب ساز تجمع این نخبگان شدند تا با تقلید از کلیسا در برابر آنها نهادی را به عنوان "روحانیت" تشکیل دهند. از زمانی که روحانیت به یک "نهاد" (تشیکیلاتی منظم با سلسله مراتب و قوانین و مقررات) تبدیل شد، ضرورتاً می بایستی برای اداره و دوام آن تدابیری را در نظر می گرفتند. آشکار است که اولین سنگ بنای چنین تشکیلاتی، جمع کردن هر چه بیشتر "پرو" می بود. "پرو"ی که هم گوش به فرمان باشد و هم بتواند هزینه های جانی و مالی آن را تأمین نماید.

پس این نهاد راهی را می بایستی می پیمود که کلیسا پیموده بود. ابتدا می بایستی پیام خدا را (قرآن) که مانع اصلی بر سر راه تشکیل "نهاد روحانیت" بود را از مردم جدا می کردند تا بتوانند آنان را از حقوق خویش غافل گردانند. از آنان "عوام" بسازند تا در پی آن رابطه سلطه گری خویش را تثبیت نمایند. البته، روحانیونی بودند که با چنین

دارد، چه اندازه به خود بی اعتماد است و خود را پوچ می داند و تا کجا می تواند در خدمت روحانیت عمل نماید. همین نداشتن اعتماد به توانائی خویش است که انسان را بی اراده در اختیار دیگری قرار می دهد تا برایش "تکلیف" مشخص کند. واو با انجام آن تکالیف به "وظیفه" خود عمل کرده و پاداش (در آخرت) دریافت کند. موتور اصلی بمب های انسانی همین مکانیزم است.

۳- "وهمه اینها از روی هوای نفس بود..." آیت الله کاظمینی برعکس آن چه حکومت اعلام کرده است، آدم فهمیده ای به نظر می رسد. زیرا یافته است که عمل نهاد روحانیت از روی هوای نفس است. هوای نفسی که قرآن انسان را از پیروی آن منع می کند. اضافه میکند، دیدن این جمعیتهای زیاد غرور نفس شما روحانیان را برانگیخته است. به آنها هشدار میدهد باین وجود روزی مثل من خوار خواهید شد و از آن جمعیت خبری نخواهد بود. افسوس که روحانیت نمی تواند به این هشدارها توجه کند، زیرا تبهکار زمان را نزدیک می بیند، و تا مانعی برایش ایجاد نکنند، نمی تواند "هوای نفس" خویش را تشخیص دهد.

۴- "... معلومات کافی نداشتید... خوب من که بحث علمی نمی کردم..." نداشتن معلومات از خصوصیات "نهاد روحانیت" است. در طول قرنهای که از پیدایش این نهاد می گذرد، هنوز قرآن را با روایات خود ساخته قرنهای گذشته تفسیر می کنند. هیچ تفسیری بدون رجوع دادن به این روایات مقبول حوزه نیست. در حقیقت، حوزه قرآن خود را دارد، دین خود را دارد و همه اینها به نام همان قرآنی که پیامبر (ص) آورد و به نام علی (ع) و دیگر ائمه، اما محتوا مخصوص حوزه است. و این محتوا باید ثابت بماند، همان گونه که از چندین قرن پیش بوده است، ترقی و تحول در آن باعث فروپاشی میشود زیرا اساس آن بر "چیزهای الکی و غیرمهم" (باطل) استوار است. پس تا می توانند باید "حق" را کتمان کنند تا حیات خویش را تضمین نمایند. آن چه با حوزه تطابق نکند، بدعت است و مورد تکفیر قرار میگیرد. و این تکفیر حتی گریبان روحانیونی که زمانی از راستای سطره گری حوزه خروج کنند را هم میگیرد، مانند آیت الله منتظری که عمر خود را در حبس خانگی می گذراند. آنچه مورد قبول است، خرافات و ادای "تکلیف" و چون و چرا نکردن و به "معتولات" وارد نشدن است. تا چند دهه پیش، مدرسه رفتن دختران حرام بود. و هم اکنون در تدارک تغییرات در آموزش و پرورش هستند، معلوم

نیست چه خوابی برای فرزندان کشور دیده باشند. بیهوده نیست که از بعد از انقلاب، سطح علمی کشور تا این حد پائین آمده باشد. بودجه های تحقیقاتی علمی با وجود اینکه بسیار اندک هستند جذب نمی شوند، در عوض هر چه پول بیت المال است صرف تکنولوژی ای می شود که علم آن از جای دیگر آمده است. گسترش تکنولوژی اتمی و غیره برای پوشاندن واقعیت ضدیت با علم است. زیرا با آثار ظاهری تکنولوژی و یکی کردن آن با علم، واقعیت را بر عوام می پوشانند. قرآنی که هدف از نزولش را خود، اخلاق و تعلیم علم اعلام کرده است، با این روحانیت چه رابطه ای می تواند داشته باشد غیر از دشمنی؟ هر نوآوری و روشنگری در اسلام که انجام شده، توسط غیر روحانی بوده است. اسلام را محدود کرده اند به نظریات چند روحانی که قرنهای پیش می زیسته اند. خروج از آنها، خروج از اسلام است. پاسخی جز تهدید برای سوالات و ایرادات ندارند. اسلام را که دین کتاب و کلام و علم است، تبدیل کرده اند به دین تخریب و خشونت و انتقام و تهدید. از آنسو "علمای" وهابی دستور تخریب حرم امامان شیعه را صادر می کنند، از این سوبعضی علمای شیعه به جای دعوت به بحث و تبادل آراء، دست به تهدید و ناسزاگویی می زنند. اینها "علماء" هستند، حال چه رسد به "عوامی" که آنها ساخته و پرداخته اند.

۵- "به خاطر چی به خاطر اینکه به اینها می گفتم بیاند حاجت بگیرند" همانگونه که در بالا گفته شد، تبلی مردم، خالی بودن از خود و غافل بودن از تواناییهای خود، آنان را جذب شیادانی میکند که به آنها وعده رسیدن به آرزوهایشان، بدون کمترین تلاش و زحمت را می دهند. دادن حاجت، همان عوام فریبی است که انسانها را فوج فوج به جمکران میکشاند و آیات عظام در عوض هشدار دادن به مردم، آنان را به اینگونه کارها تشویق هم می کنند. زیرا برای دوام و بقاء خود محتاج "عوام" و "باطل" هستند.

۶- "از بس که روی اینها روانشناسی کار می کردم و..." هدف "نهاد روحانیت"، داشتن جامعه ای پست و گوش به فرمان می باشد. برای این کار، هر ندای توحید، آزادی خواهی و برابری و عدالت و... را اگر بتوانند در نطفه خفه کرده اگر قادر نباشند، به انواع حیل سد راهش میشوند. بسته به توانائی و میدان عملی که "پیروان" در اختیارشان می گذارد، از سر بریدن تا زندان و شکنجه و کتک زدن در خیابانها و غیره را ابزار

اشتراک یک ساله: اروپا ۳۵ و خارج از اروپا ۳۸ اورو، اشتراک شش ماهه: اروپا ۱۸ و خارج از اروپا ۲۰ اورو و لطفاً بکنید و چک نفرستید، وجه اشتراک را نقد و با پست سفارشی یا بچساب بانک و ایزرفرمانید.

Nr. 678 20 Aug. - 2 sep. 2007.

درج مقالات الزاماً دیدگاه نشریه انقلاب اسلامی نیست و تنها بعنوان بحث آزاد تلقی میگردد

امریکا سپاه پاسداران را در فهرست سازمانهای تروریست قرار می دهد:

در ۱۵ اوت، خبرگزاری فرانسه اطلاع داده است که حکومت بوش سیاست سختگیرانه تری را در قبال رژیم ایران در پیش می گیرد. این حکومت در شرف آنست که سپاه پاسداران را یک سازمان تروریستی بخواند. هرگاه این امر واقعیت پیدا کند، سپاه پاسداران نخستین نیروی مسلح ملی است که در عداد سازمانهای تروریست قرار می گیرد. بنا بر قول واشنگتن پست، این تصمیم نتیجه فشار کنگره به حکومت بوش برای اتخاذ سیاست قاطعانه تری در قبال ایران است. چرا که از سویی ایران متهم است در عراق و افغانستان و غزه به گروههای افراطی کمک نظامی می کند و از سوی دیگر، ایران نسبت به قطعنامه های شورای امنیت بی اعتناء مانده است.

بنابر دستور العملی که بوش در روزهای آینده امضاء خواهد کرد، حسابهای سپاه پاسداران توقیف و شرکتهای حق معامله با آن را نخواهند داشت.

نیویورک تایمز اطلاع می دهد که کندیولزا رایس، وزیر خارجه امریکا وزرای خارجه اروپایی را از تصمیم بوش مطلع کرده است. دلیل این تصمیم را آن گفته است که امریکا، در برابر کندی عمل سازمان ملل، شکیبانی خود را از دست داده است. حکومت امریکا تا پایان ماه تصمیم خود را خواهد گرفت مگر آنکه شورای امنیت بسرعت مجازاتهای جدیدی را بر ضد ایران، مقرر بدارد. سخنگوی کاخ سفید از دادن هر گونه توضیح در باره قصد حکومت بوش که توسط مطبوعات امریکا افشا شده است، خودداری کرد.

درآئید، چه دارید به مردم بگوئید؟ دست شما به انواع قتل ها آلوده است، به انواع بی عدالتی ها آلوده است، به انواع معاملات غیر مشروع و همکاری نزدیک با مافیاهای آلوده است، با خدا هم که کاری ندارید، در صورت تغییر و تحولی به چه کسی پناه خواهید برد؟ آیا شیعی برای خود میشناسید؟ اگر می شناسید، نخواهد توانست کمکی به شما بکند.

شما اندیشه انقلاب مردم را در نطفه خفه کردید. آن اندیشه هنوز فقط نزد همان نسل انقلاب مانده است. شما در پی استقرار استبدادی مخوف، اندیشه ضد انقلاب را ترویج کردید. در این راه خون ها ریختید و جان ها گرفتید. نه به قرآن رحم کردید و نه به پیامبر(ص) و نه به ائمه (س). اما اصل برایتان "حکومت اسلامی" بوده و هست. آن را بیان می کنید و شرم هم نمی کنید. مردم باید آگاه باشند که "شیع" شما با آنها فرق اساسی دارد. یک دسته شیعه حوزوی هستید، یک دسته شما هم شیعه ولایتی که هر دو به دنبال سلطه گیری میباشید. اختلاف شما با شیعه سنتی، از زمین تا آسمان است. شما یک اقلیت انگشت شماری هستید که بر ملت ایران کودتا کردید و انقلاب را به انحراف کشانیدید.

چرا برای خود دادگاه ویژه برقرار کرده اید؟ بر پایه کدام قانون و حکم قرآن این کار را کرده اید؟ این نوع عدالت را غیر از کلیسا، از کجا آورده اید؟ برای اینکه به راحتی به نوامیس مردم تجاوز کنید؟ برای اینکه به راحتی بتوانید فساد کنید؟ برای اینکه بتوانید به راحتی در خیابان و مترو آدم بکشید؟ برای اینکه در آن هروحانی منتقد را سربه نیست کنید؟ برای چه این همه تبهکاری؟ شما که بعضاً تفسیر هم کرده اید، بینی و بین الله بیشتر قرآن منع آن چه که انجام می دهید نیست؟ این همه ابزار گناه کردن از قبیل توریه و تقیه و خدعه و... را برای چه کاری اختراع کرده اید؟ برای فرار از قرآن نبوده است؟ شما خودتان را بارو حانیون مسیحی مقایسه نکنید. آنها به آنچه که در دست دارند عمل می کنند، شما بر ضد قرآن عمل می کنید. بالاخره روزی انفجار معنویت و علم و آگاهی پرده هارا کنار خواهد زد و مردم به قرآن مراجعه خواهند نمود، آنگاه در مورد شما چه قضاوتی خواهند داشت؟ اگر تاریخ شمارا در کنار حجاج ابن یوسف سقفی قضاوت نکند، در کنار چه کسی قضاوت کند؟ خود شما بفرمائید. بس کنید و به توصیه هم حوزوی خود آیت الله کاظمینی عمل کنید و از خدای خود طلب مغفرت کنید و به جبران مافات بپردازید.

Mizan.57@gmail.com

منشور روحانیت

کار خویش میگردانند. تابا ایجاد سانسور مردم را از حقایق دور کرده و آگاهی و اطلاعات آنان را در حدی نگه دارند تا بتوانند به راحتی در آنها نفوذ داشته و به مطامشان برسند. برای دود فرهنگ کردن جامعه، خرافات را گسترش میدهند و با میان آوردن پای خدا و قرآن و ائمه، زشت ترین اعمال را از شرک و بت پرستی گرفته تا دروغ و تهمت و افترا و انواع فسادها را به نام مذهب گسترش میدهند. دلیل به انحصار خود در آوردن دین همین است، زیرا اگر مردم به فهم قرآن روی آورند، از چند جهت روحانیت را باید از میان رفته تلقی نمود. اینگونه است که به راحتی "بلد میشوند" به قول آیت الله بروجردی "مخ بتکونن". اینها مردمی را می خواهند که بتوانند به راحتی "مخشان را بتکونند".

۷- "نمی بایست می کردم حالت جنون پیدا کرده بودم الان من فکر می کنم که از نظر ایمان، علم و عقل از هر سه تهی هستم...."

خلاصه مطلب این "اعترافات" نصیحتی است که او خطاب به نهاد روحانیت می کند و روحانیت باید این هشدار هم حوزوی خود را جدی تلقی کند. به آنها خطاب میکنید: نکنید، شما مبتلا به جنون هستید، از نظر ایمان، علم و عقل تهی هستید.

این دوران، سیاه ترین دوران تاریخ تشیع است که در آن روحانیت دست خود را به انواع جنایت و فساد و تبهکاری، مستقیماً آلوده کرده است. خرافات را تا حد خطرناکی گسترش داده اند. موفق شده اند حتی کسانی را با تحصیلات دانشگاهی، به خرافات معتاد گردانند. نقالان و مداحان از اساتید دانشگاهها مورد احترام و حمایت بیشتر قرار دارند. قم مرکز حمایت و پشتیبانی گروه های مافیائی شده است. آیات عظام محترم، آیه ۱۷ سوره رعد را بخوانید، خداوند بازبانی ساده و "عوام" فهم فرق میان حق و باطل را تشریح می فرماید. آن کف و خاشاک روی آب را از اطراف خود دور کنید، بینی و بین الله چه از شما برجای می ماند؟ خود قضاوت کنید که هبیتی از باطل از خود ساخته اید. قضاوت کنید که آیا غیر از فساد و مافیابازی و دسیسه پردازی و ضد دین و ضد عدالت و ضد تقوا عمل کردن، توشه ای دیگر دارید؟ چه جوابی دارید به خدا که نه، اقلاً به مردم بدهید؟ اگر از پناه سانسوری که تشکیلات دولت اسلامی برای حمایت و حفاظت شما برقرار کرده است به

مرد سالاری خویش را بروز می دهند. چرا که می پندارند حقوق ذاتی، قابل کاستن و فزودن و یا دادن و ستدن هستند و آنها باند که می افزایند و می دهند. و نمی دانند که این حقوق داشتنی هستند.

اما اگر مرادشان حقوق موضوعه هستند، این حقوق به تریبی می باید تدوین و اجرا شوند که برابری زن و مرد را برقرار و امکان برخورداری هر دو را از حقوق ذاتی خویش پدید آورند. برای مثال، میان زن و مرد از لحاظ زمان کار نابرابری وجود دارد.

زیرا،
۱- زن کار خانه را انجام می دهد و یا بیشترین بخش کار در خانه بر عهده او است و
۲- بارداری و مادری نوزاد، او را از کار در خارج از خانه باز می دارد. و ۳- زمان مادری دراز تر می شود هرگاه شمار فرزندان که به دنیا می آورد، بیشتر باشد.

۴- هرگاه مادر به مادری نپردازد، کمبود محبت و نارسائی محیط رشد، به تربیت فرزند صدمه می زند و زبان جامعه بزرگ تر می شود. گسترش خشونت در جامعه های امروز و افزایش آسیب ها و نابسامانیهای اجتماعی و فرسایش زنان بر اثر کار بیش از توان، زبان بزرگی را برای جامعه های امروز ایجاد کرده اند و این زیان سال به سال بزرگ تر می شود. در بخشی از جهان، مرگ و میر زنان پیش از رسیدن به ۴۰ سالگی، روز افزون است چرا که محکوم به انجام سه کار هستند: کار برای تحصیل درآمد و کار سرپرستی خانواده - بلحاظ این که مرد همسر و فرزند را رها می کند و می رود - و کار جنسی یا وسیله ارضای غریزه جنسی مرد شدن، بخاطر نبود خانواده و رابطه پایدار.

برای جبران این نابرابری، حقوق موضوعه می باید برابری زن و مرد را در کار برقرار کند و زنان را از کارهایی که تن و روانشان را می فرسایند، آزاد کنند. بدین قرار، زنان نیاز ندارند بسود آنها تبعیض برقرار شود. زیرا تبعیض از حق نیست از قدرت (= زور) است. برقرار شدن هر تبعیضی، زور را رابط زن و مرد می کند و تباهی بر تباهی می افزاید. الغای تبعیض ها است که زن و مرد را آزاد می کند. زنان نیاز دارند که حقوق موضوعه

الف - نابرابری در برخورداری از حقوق ذاتی را از میان بردارد. و
ب - نابرابری در حقوق موضوعه، کرامت و منزلت آنها را خدشه دار نکند و تن و روان آنها را نکاهد.

پرسشها درباره سنگسار،

حق و ایثار

زنان ایران و شاید حتی جهان از این تبعیضاتی که بر پایه جنسیتی شکل گرفته اند، نیازی به برقراری تبعیض مثبت در حق آنها می باشد؟ آیا نمی بایستی با ملغا کردن هر گونه تبعیضی در حق بشر، صرف نظر از مرد و زن، دوره جدیدی را بر پایه تبعیض علیه مردان زمینه سازی نکرد؟ استدلال این دسته از فعالان این است که علاوه بر لغو تبعیضات اعمال شده در حق زنان، باید به جبران مافات نیز پردازیم و ستمی را که بر زنان رفته از طریق اعمال این نوع از تبعیضات، جبران کنیم. می خواستیم نظر شما را در این زمینه جویا شویم.

اگر زمینه را برای لغو تبعیضات علیه زنان آماده کنیم با ستمی که بر آنان رفته چه می توان کرد؟ آیا برای جبران آن، حق اعمال تبعیضات بسود آنها و به زیان مردان را داریم؟

زن و مرد در حقوق ذاتی خود برابر هستند. هر تبعیضی ناقض حق است. تبعیضی که به زیان زنان برقرار است، نابرابری زن و مرد در حقوق ذاتی و حقوق موضوعه است. جبران به برابر شناختن زن و مرد در حقوق ذاتی و تغییر حقوق موضوعه است. زیرا برخوردار شدن زنان از حقوق ذاتی خویش و زندگی را عمل به این حقوق گردانند،

الف - موجب رشد زنان می شوند و
ب - تبعیض به زیان زنان و محدود کردن رشد آنان، به رشد مردان نیز زیان می رساند و زور را قائمه رابطه ها می کند. بدون آزاد و حقوقمند شدن زنان، مردان آزاد و حقوقمند نمی شوند و زور قائمه رابطه ها بر جا می ماند. برای مثال، هرگاه در خانواده، هر یک از اعضاء، زندگی خویش را عمل به حقوق ذاتی خود کنند، استعدادهاشان در راست راه رشد بکار می افتند و به رشد یکدیگر یاری می رسانند. اما هرگاه زندگی هایشان عمل به حقوق ذاتی نباشند، جای خالی هر حق را زور پر می کند و زور ویران می کند.

اما این حقوق نه دادنی و نه ستاندنی هستند. داشتنی هستند. بنا بر این، زن خود می باید از حقوق ذاتیش غفلت نکند و زندگی خویش را عمل به این حقوق بگرداند. بر او است که بداند به هر حقی عمل نکند، به تمامی حقوق خویش عمل نکرده است و جای خالی را زور ویرانگر پر می کند و او قربانی زور ویرانگر می شود.

آنها که از تبعیض مثبت بسود زنان سخن می گویند، هرگاه مرادشان حقوق ذاتی باشد، هم ناآگاهی خود را از این حقوق آشکار می کنند و هم